

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جامعه شناسی (۱)

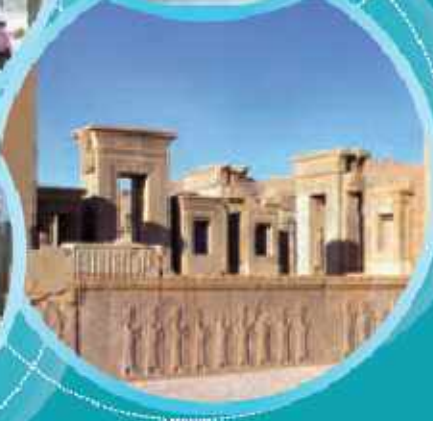
رشته های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵

فصل اول
جهان اجتماعی



● فصل اول - جهان اجتماعی

● اهداف فصل اول

● دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت‌های آن:

● به معناداری (آگاهانه بودن) کنش آدمی پی می‌برد و می‌تواند پیامدهای احتمالی یک کنش معین را در یک موقعیت خاص توصیف کند.

● با استفاده از روش مقایسه، معناداری پدیده‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد و نقاط قوت و ضعف این روش را بر می‌شمارد.

● چگونگی گسترش جهان اجتماعی و نقش افراد را در این فرایند توصیف می‌کند و برای مشارکت در آن، احساس مسئولیت می‌کند.

● جایگاه فرهنگ را در جهان اجتماعی باز می‌شناسد و برای پدیده‌های تکوینی و اعتباری جهان اجتماعی مصداق می‌آورد.

● با تفکیک لایه‌های مختلف جهان اجتماعی، به اهمیت پدیده‌های اجتماعی عمیق‌تر و کلان‌تری پی می‌برد و برای آنها نمونه می‌آورد.

● با ارائه دلایل و شواهد، تنوع جهان‌های اجتماعی و آثار آن را تشریح می‌کند.

● فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی را تشخیص می‌دهد و جهان‌های اجتماعی را نقد و ارزیابی می‌کند.



کنش های ما

« آنچه انجام می دهیم »

درس ۱

معنی عکس: کنش چوپانی انسان در مقابل رفتار حیوانی
گوسفندان

انسان نسبت به کارهایی که انجام می دهد، آگاهی دارد.

گنش ما انسان ها چه ویژگی هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان، کاری را انجام می دهند: ماه به دور زمین می چرخد، ابرها حرکت می کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می دهد، خون در رگ های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می پردازد و دانش آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می کند. به نظر شما فعالیت های انسان چه تفاوتی با فعالیت مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده روی می کنیم؛ شادی می کنیم؛ مسواک می زنیم؛ نماز می خوانیم و فعالیت های دیگری انجام می دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت های انسان، اسم های گوناگونی همانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار، گنش و ... وجود دارد و برای انجام دهنده فعالیت، اسمی مختلف کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما، عامل و ... به کار می رود.

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می دهد، «گنش» و به انجام دهنده آن، گنشگر می گویند. گنش ویژگی هایی دارد که آن را از فعالیت مخلوقات دیگر متمایز می کند. به نظر شما این ویژگی ها کدام اند؟

دانش آموزان نظر

بدهند

وقتی می‌خواهید برای اولین بار از یک کالای پیچیده مانند تلویزیون یا تلفن همراه استفاده کنید، به دکترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید. ولی پس از آن، دیگر سرانگی از دکترچه راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید. چرا؟

زیرا آگاهی لازم را برای استفاده از دستگاه به دست آورده ایم.

در جلسه امتحان نشسته‌اید و شرایط مناسب محیطی، اجتماعی و فردی فراهم است. در چه صورتی، از پاسخ به پرسشی باز می‌مانید؟

در صورتی که درباره پاسخ سوالات آگاهی نداشته باشیم یعنی جواب سوالات را نداشته باشیم.

قره گرسنه‌ای به جزیره‌ای خالی از سکنه وارد می‌شود. او هیچ شناختی درباره مواد غذایی آنجا ندارد. به نظر شما این قره برای رفع گرسنگی اش چه می‌کند؟

از آگاهی‌های قبلی اش استفاده می‌کند، آگاهی جدیدی درباره مواد غذایی جزیره به دست می‌آورد. از ترکیب این دو دسته آگاهی و آگاهی ناشی از تجربیات جدید، به رفع گرسنگی اش می‌پردازد.

کنش، آگاهانه است. یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است، به گونه‌ای که بدون آگاهی انجام نمی‌شود. سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو، فردی که به زبانی آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ **خ**

ر

حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری، بر سر دو راهی قرار گرفته باشید. مانند اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دو راهی ها، یکی از ویژگی های کنش انسانی را نشان می دهد. آن ویژگی کدام است؟

این است که ما در انجام کنش هایمان، اراده و اختیار داریم.

کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است: یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، انجام نمی شود. پس برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است. زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد ولی تصمیم به انجام آن نگیرد. با توجه به ارادی بودن کنش، آیا فعالیت هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر و ... کنش محسوب می شوند؟ چرا؟

فردی از میان جمع برمی خیزد و درو و پنجره اتاق را باز می کند. اگر از او بپرستند چرا چنین کاری کردی، چه می گوید؟

هوا عوض شود، نور بتابد، صدا را بشنوم، دلم

کنش، هدف دار است. پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می توان از هر کنشگری پرسید: زیرا فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می شود: اگرچه ممکن است همیشه به آن نرسد. فردی که کنار رودخانه ای می رود: قصد ماهیگیری دارد یا می خواهد از شنیدن صدای آب لذت ببرد، شاید هم می خواهد شنا کند یا ...

آیا انسان های مختلف در انجام کنش هایشان، هدف های یکسانی دارند؟



با توجه به این ویژگی ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می دهند؛ مثلاً وقتی دانش آموزی در کلاس، دست خود را بالا می آورد، معنای کار او اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را دریابد.



معنای این عکس:
زندگی، آزادی، محبت،
عشق، ...



معنای این عکس:
فقر، رفع خستگی، قهر
کردن، گم شدن لنگه
کفش، ...

■ معناداری گنش انسان ها

گفت و گو کنید

بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره معنایهای مختلف آن با یکدیگر گفت و گو کنید.

معانی بوق زدن در فرهنگ ما:
هشدار دادن، سلام کردن، جلب توجه،
آزیر، جشن گرفتن مثل عروسی، دعوا، ...

کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

هدتی از شروع کلاس درس سیری شده است؛ همه غرق درس اند. ناگهان دانش آموزی در می زند و اجازه ورود می خواهد. به نظر شما کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفت و گو کنید. آیا می توانید آنها را دسته بندی کنید؟

این فعالیت را دانش آموزان انجام می دهند و معلم آن ها را به سمت ارادی و غیرارادی بودن پیامدهای کنش راهنمایی می کند.
نمونه ای از جواب ها:

نظم کلاس را به هم می زند

حواس ها را پرت می کند

واکنش و اخلاق معلم را معرفی می کند

ممکن است مورد بازخواست معلم قرار بگیرد

ممکن است اجازه ورود به کلاس را پیدا کند

از لقمان حکیم پرسیدند: حکمت از کجای آموختی؟ گفت: از نابینایان که تا جای نیتند پای نهند!
سعدي در اين بيان، چه چيزي را به ما توصيه مي‌کند؟

سعدي از ما مي‌خواهد که به کنش‌هاي ديگران توجه داشته باشيم، حتي کساني که فکر مي‌کنيم کار مهمي انجام نمي‌دهند.


به نظر شما شناخت آثار و پيامدهاي کنش انسان، چه اهميتي دارد؟

سعدي از ما مي‌خواهد که به کنش‌هاي ديگران توجه داشته باشيم، حتي کساني که فکر مي‌کنيم کار مهمي انجام نمي‌دهند.



■ خودروهایی فرسوده سهم زیادی در آلودگی هوا دارند.

پیامد منفی خودروهایی
فرسوده



هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، وابسته به آگاهی و اراده انسان‌هاست؟

ممکن است باشد، ممکن است

نباشد.

برخی از پیامدهای کنش، به اراده افراد انسانی: یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته است. به همین دلیل به آنها «پیامدهای ارادی» می‌گویند.

این دسته از پیامدها، خودشان، کنش

هستند و باید کنشگری، آنها را انجام دهد.

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند و در پی آن؛ اولاً به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد؛ ثانیاً استاد متناسب با تلاش او، نمره می‌دهد. پاسخ به پرسش‌های امتحانی و نمره دادن استاد، پیامد ارادی مطالعه اوست که اولی به اراده خود او، و دومی به اراده استاد، وابسته است.

پاسخ دادن به سوالات آزمون، پیامد ارادی کنش درس خواندن دانشجو است و ربطی به کنش دیگران ندارد.

حتی پیامدهای غیرارادی هم می‌توانند به کنش دیگران بستگی داشته باشند. به دست آوردن سلامتی در نتیجه غذا خوردن به کنش تولیدکنندگان مواد غذایی هم بستگی دارد.

فردی سلام می‌کند. پاسخ سلام او پیامد ارادی کنش او محسوب می‌شود که به اراده جواب دهنده سلام، وابسته است.

اگر هدف فرد دریافت جواب سلام از طرف مقابل باشد، جواب او می‌شود پیامد ارادی کنش سلام کردن. اما اگر قصدش سلامتی باشد به حکم این که سلام سلامتی می‌آورد، سلامتی پیامد ارادی کنش سلام کردن است که خودش کنش نمی‌باشد و به اراده دیگران بستگی ندارد.

اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ یعنی به اراده افراد انسانی بستگی ندارند. به همین دلیل به آنها «پیامدهای غیرارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را اراده کند؛ بلکه نتیجه طبیعی کنش‌اند. وقتی شما در و پنجره‌ها را باز می‌کنید، هوای کلاس تغییر می‌کند. فردی که به صورت مداوم وضو می‌گیرد، دست و صورت او پاکیزه می‌شود.^۱

پیامدهای غیرارادی یعنی پیامدهایی که فرد آنها را اراده نکرده بوده و هدفش نبوده‌اند، ولی ناچار به وجود می‌آیند. فرد پنجره را باز می‌کند که هوای اتاق عوض شود، عوض شدن هوای اتاق پیامد ارادی است ولی گرد و خاک و سر و صدا هم وارد می‌شود که پیامد غیرارادی

۱- وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تعزب و نزدیکی به خداوند متعال. امام رضا (ع)

هر کدام را که کنشگر اراده کند، پیامد ارادی هستند و بقیه برایش غیرارادی چون هدفش اینها نبوده است. و اگر هر سه را هدف خود قرار دهد و اراده کند، هر سه پیامد ارادی هستند.

پیامدهای غیرارادی کنش انسان، قطعی است؛ یعنی حتما انجام می‌شود، ولی پیامدهایی که به اراده انسان‌ها وابسته است، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا نشود. اگر افراد آن را اراده کنند، انجام می‌شود و اگر نخواهند، انجام نمی‌گیرد.

در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند. چه خوب است، که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.



پیامد کنش آب دادن به دیگران:
سیراب کردن فرد، خوشحال کردن او، شاد شدن
خودمان

پیامدهای کنش

پیامدهای کنش پوست موز انداختن:
آسیب دیدن دیگران و آلوده شدن
محیط

تحلیل کنید

- «آدمی در گرو عمل خویش است» (سوره زمر: آیه ۳۸)
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هر یک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
زمین خوردن	برنده شدن در مسابقات	سلامتی	ورزش کردن
بیماری	جلب توجه	سرگرمی	سیگار و قلیان کشیدن
تمجید دیگران	امانت	ارضا روحیه ماخوذ به حیا	رعایت حیا
ترشح نشدن هورمون تیروکسین	جلوگیری از دعوا	حفظ آرامش شخصی	کنترل خشم



پدیده‌های اجتماعی

درس ۲

«آنچه با هم دیدیم اوریم»

معنی عکس: با این که کنشگر تنهاست، کنش‌های او اجتماعی هستند. آش پختن با توجه به تعداد بشقاب‌ها، برای دیگران هست مثلاً فرزندان و نوه‌ها.

تسبیح شمردن یک کنش دینی است که از اجتماعی دینی گرفته شده است. فردی هست یا اجتماعی؟ اگر ذکر باشد، فردی و اگر دعا برای فرزندان باشد، اجتماعی است.

فوری شروع به مرتب کردن بخش های نامرتب سفره می کنیم،
آشغال های غذا را از توی سفره جمع می کنیم. بشقاب تمیز برایش
می آوریم، ملج ملوچ نمی کنیم و ...

کنش اجتماعی چیست؟

به تنهایی مشغول خوردن غذا هستید. دوستی وارد می شود. چه تغییری در کنش شما رخ می دهد؟
لباس پوشیدن شما در موقعیت های مختلف، متفاوت است؛ زیرا شما در پوشیدن لباس دیگران را
در نظر می گیرید. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی شما به یک کنش اجتماعی تبدیل می شود.
منظور از کنش اجتماعی چیست؟

کنشی که با توجه به دیگران اتفاق

می افتد.

ما به دوست خود سلام می کنیم یا پاسخ سلام او را می دهیم. یا ورود معلم به کلاس، از جا بر می خیزیم. هنگام
سوار شدن به اتوبوس، حق تقدم را رعایت می کنیم و به هم تعارف می کنیم. هنگام گفتگو، به حرکات و سخنان طرف
مقابل توجه می کنیم و ... ویژگی مشترک این کنش ها چیست؟

در هنگام انجام همه این کنش ها، دیگران و حقوق و تکالیف مربوط به نقش
های خود و دیگران مد نظر است.

کنش‌ها انواعی دارند. برخی مانند تفکر و تخیل، کنش درونی، و برخی مانند راه رفتن و نشستن، کنش بیرونی هستند. برخی از آنها، فردی و برخی اجتماعی‌اند.

کنش اجتماعی، نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، آگاهی و ارادهٔ کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

کنش اجتماعی، تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین دلیل کنش او اجتماعی است. حتی رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین مخفی، کنش اجتماعی است.



خی
ز

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها اتفاق می‌افتد کنش اجتماعی‌اند؟
برای مثال وقتی فردی در کلاس درس حضور دارد، ولی بی‌توجه به اطرافیان، در ذهن خود رویدادهایی
خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی انجام داده است؟

خیر ولی کنش‌های اجتماعی دیگر او را تحت تاثیر قرار
می‌دهد.

من در میان جمع و دلم جای دیگرست

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای

کنش نگاه کردن این دانش آموز به دوربین یا بیرون از کلاس، یا کنش خیال بافی او یک کنش فردی است که بی‌توجه به جمع کلاس انجام می‌شود و با کنش او در یک محیط تنها فرقی نمی‌کند. اما این عمل کنش اجتماعی دانش آموز بودن و درس گوش دادن را مختل می‌کند.



کنش اجتماعی!

تمونه بیاورید

دانستید که دو کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست. برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» بپردازیم. کسانی که کنشگران یا توجه به آنها، دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند در اینجا انواع مختلفی از آنها ذکر شده است. تلاش کنید در ارتباط با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غریبه / آشنا

کنش احوال‌پرسی: غریبه: سلام حالتون خوبه؟
سلامتین؟ خیلی خوش آمدین.

آشنا: سلام چطور مطوری؟ خوبی؟

دوست / دشمن

دوست: لبخند می‌زنیم و دست می‌دهیم.

دشمن: اخم می‌کنیم و فاصله می‌گیریم.

گذشتگان / معاصران / آیندگان

گذشتگان: مراسم بزرگداشت برگزار می‌کنیم (فردوسی مولوی). مقاله انتقادآمیز می‌نویسیم (حمله مغول).

معاصران: برایشان کمک نقدی جمع می‌کنیم (قحطی زدگان آفریقا). علیه شان شعار می‌دهیم (اسرائیل).

آیندگان: برای زندگیشان تلاش می‌کنیم (در مصرف منابع نفتی صرفه جویی می‌کنیم).

مومن: حاضریم به او اعتماد کنیم و چیزی پیش او به امانت بگذاریم.

مؤمن / کافر / منافق

کافر: او را نجس می دانیم و با غذا نمی خوریم.
منافق: قابل اعتماد نیست و به حرفش روی اعضا می کنیم.

با این مثال‌ها متوجه می‌شوید! کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می‌گیرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد. آیا تا کنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟

آداب و رسوم اجتماعی در نتیجه زندگی اجتماعی انسان در طول زمان به وجود می‌آیند. دین، باورها، علم، تجربیات گذشتگان، تجربیات شخصی، ادبیات و هنر و غیره در شکل‌گیری اعتقادات و باورها تاثیر می‌گذارند و آگاهی لازم برای کنش‌های کنشگران را فراهم می‌کنند.

(برای آشنایی با آداب مناسبات و ارتباطات انسان با دیگران، می‌توانید به کتاب مفاتیح‌الحیاء ایت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید)

پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید.

کلاس، تخته، دانش آموز، درخت، در، پنجره، صندلی، موزاییک، پرنده، نور خورشید، گرما

برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

کنش اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده اجتماعی نامیده می‌شود.

کنش دانش آموزی، پدیده‌های کلاس، تخته، نقش دانش آموز، در کلاس (شکل خاصی دارد)، پنجره کلاس (شکل خاصی دارد)، موزاییک کف کلاس (از رنگ و طرح خاصی باید پیروی کند)، صندلی مخصوص دانش آموز (دسته دار که با صندلی‌های دیگر متفاوت است) و فضای مدرسه (درختانی که در فضای مدرسه کاشته شده‌اند، نه درختانی که در طبیعت رشد کرده‌اند یا درختانی که فضای سبز کوچه و خیابان را تشکیل می‌دهند) را به وجود می‌آورد. پرنده، نور خورشید و گرما ربطی به کنش دانش آموزی انسان ندارند و بر اساس شرایطی طبیعی در اطراف کلاس پیدا می‌شوند.

شوند.

در درس هنر، یکی از سرمشق‌هایی که از روی آن خط می‌نوشتند این جمله بود: «آداب آداب دارد». اگر از شما خواسته می‌شد که درباره این جمله مطلبی بنویسید چه می‌نوشتید؟

آداب آداب خاصی دارد ولی آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. وقتی فردی بخواهد با آداب رفتار کند با رعایت برخی آداب این کار را انجام می‌دهد، مثل پیشدستی در سلام کردن، دست دادن، لبخند زدن، صدای آرام، خم شدن، دست بر سینه گذاشتن، دراز نکردن پا از جا برخاستن و غیره ولی اگر کسی به قصد تملق یا تمسخر این کارها را انجام دهد، دیگران متوجه خواهند شد. تواضع شرط اصلی رعایت آداب است و

بسیاری از آدابی که ما مراعات می‌کنیم، محصول پدیده‌های اجتماعی اطراف ما هستند که به صورت فرست‌ها و محدودیت‌ها، پیش روی ما قرار می‌گیرند و اگر وجود نداشته باشند نمی‌توانیم با هم زندگی کنیم. فکر کنید کوچه‌ها، خیابان‌ها و خط‌کشی‌های مسیر خانه تا مدرسه چه فرست‌ها و محدودیت‌هایی برای شما فراهم می‌کنند. چگونه؟

رعایات آداب مودب بودن مثل گذشتن از کوچه‌ها و خیابان‌ها و خط‌کشی‌ها، ما را محدود می‌کند، ولی رسیدن به مقصد را آسان‌تر می‌کند. شاید کسی دوست نداشته باشد دست بر سینه بگذارد اما برای نشان دادن آداب، این کار، رسیدن به هدف مودب بودن را آسان می‌کند. دیوار خانه‌ها ما را محور می‌کند از کوچه بگذریم ولی آسان‌تر از گذر از پشت بام‌هاست.



بوشش یدیده‌ای اجتماعی است.

بانگ، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و... نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند که در سال گذشته با برخی از آنها آشنا شدید. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن می‌باشند.

مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در مکانی مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. او برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید در حضور دیگران، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران، شیوه‌های معینی دارد.

ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش همگان هستند و افراد یک جامعه نسبت به آنها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بعد از اینکه از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق پیدا کردند، پدیده‌های «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می‌سازند تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه؛ ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. افراد با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، به آنها تداوم می‌بخشند.

نقش، حقوق و تکلیف
فرزندی



نقش، حقوق و تکالیف دانش
آموزی



تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان به همین طریق شکل می‌گیرند. پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آنجا که افراد انسانی با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.

بخوانیم و بدانیم

متفکران اجتماعی، به‌وجود آمدن پدیده‌های اجتماعی از طریق کنش اجتماعی را «برونی‌سازی» و تأثیر پدیده‌های اجتماعی بر افراد و کنش اجتماعی آنها را «درونی‌سازی» می‌نامند.

پدیده‌های اجتماعی به مرور، از انسان‌هایی که آنها را به‌وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی آنها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که می‌دانید پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش افراد هستند؛ ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.



گل آفتابگردان، پدیده ای طبیعی است، ولی مزرعه آفتابگردان، پدیده ای اجتماعی است که بر اثر کنش انسان با استفاده از یک پدیده طبیعی (گل آفتابگردان) پدید آمده است.

مقایسه کنید

کوه یک پدیده طبیعی است و ساختمان اداری و وفای به عهد، پدیده‌های اجتماعی هستند. با مقایسه آنها، تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

معیار	کوه	ساختمان اداری
نقش انسان‌ها در پیدایش آن	-	*
معتادار بودن	-	*
مخسوس بودن	*	*

از آنجا زندگی انسان با معانی آمیخته است، انسان‌ها به پدیده‌های طبیعی هم معانی ای را نسبت می‌دهند، ولی این به معنی اجتماعی بودن آن پدیده طبیعی نیست. کوه معنای استقامت و استواری یا معنای مانع و سد می‌دهد ولی پدیده ای اجتماعی نیست.



معنای تصویر: جهان اجتماعی از به هم پیوستن انسان ها به وجود می آید و هر آنچه که شامل انسان و زندگی او بشود در جهان اجتماعی رخ می دهد.

جهان اجتماعی

«دنیای گسترده ما»

درس ۲

چه تصویری از جهان اجتماعی دارید؟

جهان، واژه‌ای است که معمولاً برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود. مانند جهان طبیعت، جهان غرب، جهان اسلام و ... مجموعه پدیده‌های اجتماعی نیز «جهان اجتماعی» را شکل می‌دهند. بعضی اوقات انسان‌ها برای اینکه پدیده‌های ناشناخته را بشناسند، آنها را با پدیده‌هایی آشنا مقایسه می‌کنند. در مقایسه پدیده‌ها یا یکدیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها آشکار می‌شود. برای اینکه جهان اجتماعی را بهتر بشناسیم، می‌توانیم آن را با پدیده‌های مختلفی مقایسه کنیم. برخی جهان اجتماعی را با موجودات زنده (ارگانیزم)، مقایسه کرده‌اند؛ مانند سعدی که می‌گوید: «بنی آدم اعضای یک پیکرند».

به نظر شما «موجود زنده» و «جهان اجتماعی» چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟

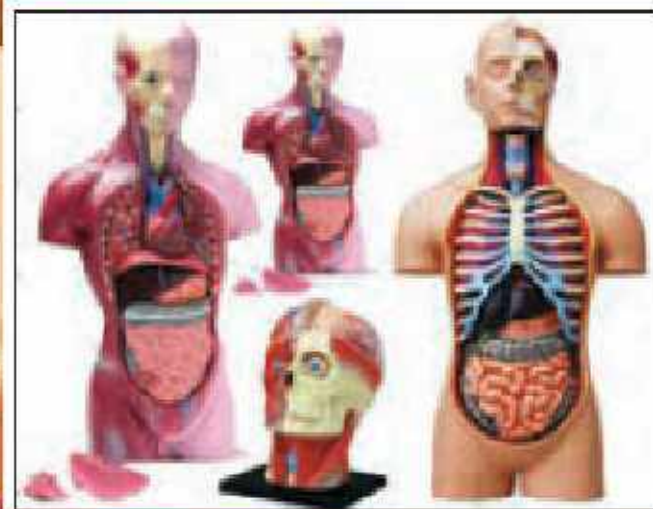
دانش آموزان جواب می‌دهند و معلم دانش آموز را به سمت شباهت‌های ذکر شده در زیر و تفاوت‌های ذکر شده در صفحات بعد هدایت کند.


- در درس علوم تجربی آموختیم که موجودات زنده (گیاهان و حیوانات) ویژگی‌هایی دارند.
- اندام و اعضای متفاوتی دارند، مثلاً گیاه، ریشه، ساقه و برگ دارد و بدن انسان، قلب، مغز، دست و ... دارد.
- اعضای آنها به یکدیگر وابسته‌اند و هر کدام نیازهای دیگری را تأمین می‌کنند.
- اعضا برای حفظ حیات موجود زنده، در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند.
- اعضا برای تأمین هدف مشترک، از چرخش و نظم مناسبی برخوردارند.

در درس علوم تجربی آموختهاید که موجودات زنده (گیاهان و حیوانات) ویژگی‌هایی دارند.

- اندام و اعضای متفاوتی دارند، مثلاً گیاه، ریشه، ساقه و برگ دارد و بدن انسان، قلب، مغز، دست و... دارد.
- اعضای آنها به یکدیگر وابسته‌اند و هر کدام نیازهای دیگری را تأمین می‌کنند.
- اعضا برای حفظ حیات موجود زنده، در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند.
- اعضا برای تأمین هدف مشترک، از چیتش و نظم مناسبی برخوردارند.

آیا می‌توانید با توجه به تصاویر، ویژگی‌های بالا را برای دوستانتان تشریح کنید؟





ریشه درخت، آب و املاح معدنی و غذا را به ساقه و برگ و میوه می‌رساند.
برگ نور خورشید را جذب می‌کند. ساقه از طریق آوندها، آب و املاح را به برگ
ها و میوه می‌رساند. همه این‌ها برای میوه دادن درخت و زنده ماندن آن است.

قلب کار گردش خون را انجام می‌دهد، ریه اکسیژن را به بافت‌ها می‌رساند.
مغز فعالیت اعضای بدن را کنترل می‌کند. دستگاه گوارش کار غذارسانی به بدن
را انجام می‌دهد و ...

جهان اجتماعی مانند یک موجود زنده، اعضای مختلفی دارد و این اعضا در ارتباط با هم، از نوعی نظم برخوردارند. نظم از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی است.

به نظر شما چه تفاوت‌هایی میان بدن موجود زنده و جهان اجتماعی وجود دارد؟

عضویت موجودات زنده و نظم آنها تکوینی است؛ یعنی براساس آگاهی و اراده اعضا به وجود نمی‌آید و به همین دلیل با اراده اعضا تغییر نمی‌کند؛ ولی عضویت در جهان اجتماعی و نظم میان اعضای آن، با اراده و آگاهی انسان‌ها تعریف می‌شود و با قرارداد آنها به وجود می‌آید.



جهان اجتماعی بیشتر شبیه یک بازی گروهی است. در بازی گروهی مثل فوتبال، افراد مختلفی عضوند که عضویت و نقش هر کدام توسط بازیکنان تعریف یا پذیرفته می‌شود. در زمین فوتبال بازیکنان، داوران و تماشاگران آگاهی‌های مشترکی دارند. آنها قواعد بازی را می‌دانند؛ از عضویت یکدیگر اطلاع دارند؛ وظایف و انتظارات یکدیگر را می‌شناسند و آنها را می‌پذیرند.

آیا بدون این آگاهی‌های مشترک، بازی فوتبال ممکن می‌شود؟

کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، معلمان، ... و نهادهایی چون آموزش و پرورش، خانواده و ... اعضای جهان اجتماعی هستند. این اعضا، تنها هنگامی که عضویت جهان اجتماعی را پذیرفتند، به آن راه می‌یابند و نقشی را به عهده می‌گیرند و متناسب با نقش خود، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که خود و دیگران از این عضویت و حقوق و تکالیف آن آگاهی دارند.

بنابراین جهان اجتماعی و نظم آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری است؛ یعنی با آگاهی و ارادهٔ انسان‌ها شکل می‌گیرد. علاوه بر این، آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست؛ بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است.

آیا از کتاب مطالعات اجتماعی سال گذشته به یاد دارید که به این «مجموعه آگاهی‌های مشترک» چه می‌گویند؟

فرهن

ی

تاکنون یکی از تفاوت‌های مهم جهان اجتماعی و موجود زنده آشکار شد. آیا می‌توانید تفاوت دیگری را بیان کنید؟

موجودات زنده طول عمر معینی دارند. آنها از طریق زاد و ولد، زندگی خود را در طول زمان تداوم می‌بخشند. ویژگی‌های آنها مانند رنگ، جنس، قد و ... از طریق وراثت، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

به نظر شما جهان اجتماعی چگونه طی نسل‌ها تداوم می‌یابد؟

جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد. فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود.

به نظر شما فرهنگ با چه روشی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد؟

آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود.



■ مراسم عزاداری عاشورا

فرهنگ عاشورا طی گذشت چهارده قرن، حفظ شده زیرا نسل های پیاپی آن را حفظ کرده اند و به آیندگان انتقال داده اند. ولی برخی فرهنگ ها چون منتقل نشده اند، فراموش شده اند، مثل آداب و رسوم مربوط به زندگی قبیله ای که در شهرها، افراد با آن بیگانه اند. یا جشن باستانی فروردین گان، اردیبهشت گان و ... اسفندگان که در ایران باستان بوده ولی به نسل امروز منتقل نشده است.

گفت‌و‌گو کنید

چه بخشی از فرهنگ توسط خانواده و کدام بخش آن توسط مدرسه انتقال می‌یابد؟
نمونه‌هایی را بیان کنید.

در خانواده فرهنگ غیررسمی بیش از فرهنگ رسمی منتقل می‌شود مثل رعایت آداب و رسوم و مجازات‌های مربوط به سرپیچی از آن. عواطف، سنت‌ها، باورها، آداب و رسوم قومی و محلی و تجربیات شخصی

در مدرسه بخش رسمی بیش از بخش غیررسمی منتقل می‌شود در واقع مدرسه مکمل خانواده است و بیشتر، بعد علمی دارد. مدرسه دانش تجربی خانواده را با نگاه علمی تکمیل می‌کند. شغل‌ها، علوم مختلف، قوانین و نقش‌های رسمی در مدرسه منتقل می‌شوند.

جدا کردن سهم مدرسه از خانواده در انتقال فرهنگ به نسل بعد، بسیار مشکل است. برخی خانواده‌ها از سواد و دانش بالایی برخوردارند و بسیار عالمانه تر از مدرسه، فرهنگ را به فرزندان منتقل می‌کنند. در عین حال، مدرسه نیز فرصتی برای ارتباطات و آموزش‌های غیررسمی و عاطفی و تجربی برای فرد ایجاد می‌کند.

گسترهٔ جهان اجتماعی کجاست؟

به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؟ خانواده، ستارگان، احترام به قانون، فلزات، دولت، زلزله، عدالت، مدرسه، صلح، امنیت، کارخانه، رودخانه، خیابان، بیابان، خویشاوندان، حزب، کارمند، مسجد، آب و اتوبوس.

برای پاسخ به این پرسش، جدول زیر را تکمیل کنید. پدیده‌هایی را که مطمئن هستید درون جهان اجتماعی قرار دارند، در ستون اول و مواردی را که یقین دارید بیرون از جهان اجتماعی هستند، در ستون دوم بنویسید. مواردی را که دربارهٔ آنها شک دارید و نمی‌دانید درون جهان اجتماعی یا بیرون آن قرار می‌گیرند در ستون سوم درج کنید.

درون جهان اجتماعی	بیرون جهان اجتماعی	؟
خانواده	ستارگان	زلزله

بعد از این که دانش آموز این فعالیت را کار کرد، باید پیاموزد که همه پدیده های فوق، از آنجا که با زندگی اجتماعی انسان در ارتباط قرار می گیرند، درون جهان اجتماعی قرار دارند و همه در ستون اول قرار می گیرند.

به چیتش کتاب‌های یک کتابخانه فکر کنید. کتاب‌ها بر اساس معیار خاصی دسته‌بندی (طبقه‌بندی) می‌شوند. انسان‌ها برای رهایی از سردرگمی و ایجاد نظم، به دسته‌بندی رو می‌آورند. دسته‌بندی نیز به معیار و قاعده نیاز دارد. هر کردن جدول بالا نوعی دسته‌بندی بود. قاعده و معیار شما برای این دسته‌بندی چه بود؟

دانش آموزان، پاسخ‌های متفاوتی به این سوال خواهند داد.

آیا برای تشخیص پدیده‌هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند، معیار و قاعده خاصی وجود دارد؟

با اطمینان کامل می‌توانید بگویید که پدیده‌های اجتماعی به جهان اجتماعی تعلق دارند: احترام به قانون یک کنش اجتماعی است. خانواده، امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌ها هستند.

اما پدیده‌های طبیعی نیز می‌توانند به جهان اجتماعی راه یابند. آیا می‌دانید چگونه؟

جهان طبیعی ← جهان اجتماعی

زلزله یا خشکسالی با اینکه پدیده‌های طبیعی‌اند، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند. انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی وضع می‌کنند و کنش‌های مناسبی انجام می‌دهند: آنها خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌سازند که در برابر زلزله مقاوم باشد، انبارها و سیلوهای را بنا می‌کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راه‌هایی برای رسیدن به ذخایر زیرزمینی آب ابداع می‌کنند و کشاورزی متناسب با همان آب و هوا را بر می‌گزینند. پس زلزله و خشکسالی به واسطهٔ ارتباطی که با زندگی انسان پیدا می‌کنند، وارد جهان اجتماعی می‌شوند.

آیا می‌دانید شناخت فلزات و ستارگان چگونه می‌تواند بر زندگی انسان تأثیر بگذارد؟

آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه کارهای شتاب‌زده و نابخردانه انسان‌هاست. آیا همین آلودگی به نوبه خود، زندگی اجتماعی انسان را متاثر نمی‌سازد؟

جهان طبیعی → جهان اجتماعی



اقدامات شتاب‌زده انسان در مواجهه با طبیعت



قنات - ابتکار ایرانیان



گستره جهان اجتماعی

البته این تصویر بیشتر جهان طبیعی را نشان می دهد، تا اجتماعی را.
اگر نهایت اجتماعی انسانی را معنویتی نهفته در دل آسمانها بدانیم،
این تصویر معنی می دهد.

دانستید ورود پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی باعث گسترش آن می‌شود؛ ولی جهان اجتماعی می‌تواند از این هم گسترده‌تر شود. آیا می‌دانید چگونه؟ شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماورای طبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.

جهان ماورای طبیعی ← جهان اجتماعی

سنت‌ها و قوانین الهی نیز با انسان‌های شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم، یکسان عمل نمی‌کند و درهای آسمان را بر عدالت‌پیشگان می‌گشاید و ستم‌پیشگان را در قهر و انتقام الهی فرو می‌گذارد.

بنابراین هر یک از موجوداتی که بیرون جهان اجتماعی قرار دارند؛ یعنی موجودات طبیعی و ماورای طبیعی به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، در گستره جهان اجتماعی قرار می‌گیرند.



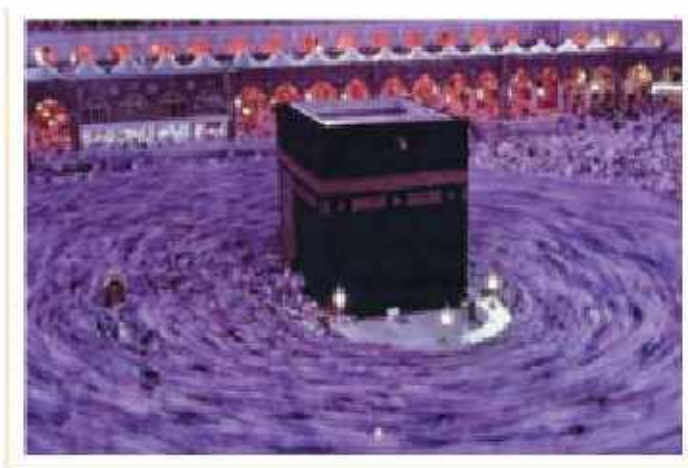
■ ورود پدیده‌های طبیعی و ماورای طبیعی به جهان اجتماعی

شناسایی کنید

جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده زیر است. برای هر دسته، پنج مورد مثال بیاورید و در جدول زیر بنویسید.

پدیده‌های تکوینی		پدیده‌های اعتباری
پدیده‌هایی که انسان آنها را ایجاد نمی‌کند ولی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان دارند به جهان اجتماعی راه می‌یابند.		کنش انسان‌ها و پیامدهای آن
روح	جنگ	قوانین اساسی
ماورالطبی	حیوانات	کشورها و ادارات
عه	و چشم‌پوشی و گه‌گشایان	سازمان‌ها
	ها	خانواده
		ده‌دی

باز
ی



تشریح جهان اجتماعی

«اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی»

درس ۴

جهان اجتماعی از چه اجزایی تشکیل شده است؟

در درس گذشته با کمک مقایسه، تصویری از جهان اجتماعی به دست آوردیم. می‌خواهیم با همین روش و به تدریج، تصویری را که از جهان اجتماعی داریم، کامل‌تر کنیم. در پزشکی، دانشی به نام تشریح یا کالبدشناسی وجود دارد که اجزای بدن انسان و محل قرار گرفتن آنها را شناسایی می‌کند. درباره آن، چه می‌دانید؟

علم تشریح یا کالبدشناسی یا آناتومی، شاخه‌ای از زیست‌شناسی است که به شناخت و بررسی ساختار و کار اعضای بدن جانداران یا گیاهان می‌پردازد. در این علم، قسمت‌های مختلف بدن جاندار و نحوه ارتباط این اعضا با یکدیگر شناسایی می‌شوند.

به نظر شما اجزای جهان اجتماعی را چگونه می توان شناخت؟

یکی از مهمترین اهداف علم جامعه شناسی، شناخت دقیق اجزای جامعه انسانی و کارکرد آنهاست. از طریق جامعه شناسی و مطالعات علمی اجتماعی، می توان جهان اجتماعی را شناخت.

در کنار جامعه شناسی دانش های بسیاری در سایر علوم انسانی و تجربی نیز می توانند برای شناخت انسان و جهان او، یاریگر شاخه های مختلف جامعه شناسی باشند.

در دروس گذشته بارها جهان اجتماعی و موجود زنده را با هم مقایسه کردیم و در درس های آینده نیز از این روش برای شناخت بهتر جهان اجتماعی کمک می گیریم. در این باره لازم است به یک نکته بسیار مهم توجه کنیم که استفاده نادرست از مقایسه، آسیب های جبران ناپذیری دارد. یکی از استفاده های نادرست، این است که صرفاً بر **شباهت های** پدیده های مورد مقایسه تأکید کنیم و **تفاوت های** آنها را نادیده بگیریم.

حتماً متوجه شده اید که ما در مقایسه جهان اجتماعی و موجود زنده، هم به تفاوت ها و هم به شباهت های آنها توجه داریم. بنابراین باید از این اشتباه حذر کنیم که جهان اجتماعی و موجود زنده را کاملاً یکسان پنداریم در حالی که تفاوت های آنها بسیار عمیق تر است. مثلاً نباید گمان کنیم همان تشریحی که در پزشکی انجام می گیرد، در جهان اجتماعی نیز ممکن است.

لایه های سطحی مثل
آداب و رسوم ازدواج

لایه های عمیق مثل
اعتقادات مربوط به
مشروع بودن ازدواج



■ اجزا و لایه های جهان اجتماعی را در یک مراسم عروسی می توان شناسایی کرد.

سخناتیم و بدانیم

درباره تشریح آورده اند: دانشی است که درباره اعضای بدن انسان و چگونگی ترکیب آنها بحث می کند و اهدافی چند دارد: از جمله معرفت به کمال صنع الهی و دست یافتن به علل امراض و درمان آنها. تشریح اساس پزشکی است. از این رو گفته اند: طبیب بی بهره از تشریح، به فداستن علم طب شهره است! نظامی گنجوی در بند به فرزند خود برای کسب علم مفید چنین می گوید:

گان معرفتی است خاطر افروز

تشریح نهاد خود پیاموز

علم الادیان و علم الابدان

پیغمبر گفت: علم علمان

جهان اجتماعی همانند بدن انسان از اجزای مختلفی تشکیل شده است. دانشمندان، جهان اجتماعی را بر اساس معیارهای مختلف تقسیم‌بندی و اجزای آن را شناسایی می‌کنند.

اندازه و دامنه

پدیده‌های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی‌اند و می‌توان آنها را بر اساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب طیف یا پیوستاری در جهان اجتماعی ترسیم می‌شود که در یک سوی آن، پدیده‌های اجتماعی خرد مانند کنش‌های اجتماعی افراد، و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان، مانند فرهنگ و جامعه قرار دارند. به نظر شما پدیده‌هایی مانند گروه‌ها و سازمان‌ها در کجای این پیوستار جای می‌گیرند؟ چرا؟

خرد ← میانه → کلان

گروه‌ها و سازمان‌ها در میانه پیوستار جای می‌گیرند، زیرا نه به اندازه کنش‌ها خرد و کوچک هستند و نه به اندازه جامعه بزرگ.

آیا می‌توانید پدیده‌های اجتماعی زیر را روی پیوستار خُرد - کلان قرار دهید؟
کلاس، مدرسه، نظام آموزشی

کلاس
(خرد)

مدرس
ه
(میانه
(

نظام
آموزشی
(کلان)

به نظر شما تقسیم‌بندی پدیده‌های اجتماعی به خرد و کلان چه فوایدی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به میزان اثرگذاری خود بر پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان یا اثرپذیری از آنها بیندیشید. مثلاً می‌توان بیکاری و راه‌های درمان آن را در سه مورد زیر با یکدیگر مقایسه کرد: بیکاری فردی که خود شایستگی و مهارت لازم را ندارد؛ بیکاری افراد یک شهر که سیستم اطلاع‌رسانی مناسبی در شهر آنها وجود ندارد؛ و بیکاری افراد زیادی که به دلیل نبود مشاغل کافی در جامعه بیکارند.



پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان

ابعاد ذهنی و عینی

قبلاً دانستید تمامی پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند؛ از این رو هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند؛ اما همه پدیده‌های اجتماعی، بُعد محسوس و عینی ندارند. پدیده‌های اجتماعی را از جهت عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن نیز می‌توان در یک پیوستار قرار داد.

در یک سوی پیوستار، پدیده‌هایی هستند که بُعد محسوس و مادی قوی‌تری دارند؛ مانند ساختمان‌های مسکونی و اداری یا کنش‌های بیرونی؛ و در سوی دیگر، پدیده‌هایی قرار می‌گیرند که بُعد معنایی و ذهنی بیشتری دارند؛ مثل عقاید، ارزش‌های اجتماعی و کنش‌های درونی.

عینی ← میانه → ذهنی

شما پدیده‌های اجتماعی زیر را چگونه روی طیف ذهنی - عینی قرار می‌دهید؟
نظم، قوانین راهنمایی و رانندگی، علائم راهنمایی، سرعت گاه.

سرعت گاه
و علائم
رانندگی
(عینی)

قوانین
راهنمایی
و رانندگی
(میانه)

نظم
(ذهنی)



در جهان اجتماعی بُعد ذهنی پدیده‌ها، اهمیت بسیاری دارد. در یک بحران اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند ولی جالب است بدانید به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بُعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بُعد ذهنی آن مفقود بود. همانند دانش‌آموزی که از استعداد سرشاری برخوردار است؛ ولی خود به آن آگاه نیست و از این استعداد بهره‌چندانی نمی‌برد!

بعد ذهنی یعنی این که دانش آموز درباره استعدادهای و توانایی‌های خودش آگاهی داشته باشد.

بعد ذهنی یعنی دانش و آگاهی مربوط به این که نفت چیست و چه ارزشی دارد.



پدیده‌های اجتماعی عینی و ذهنی

بعد عینی
خانواده

بعد ذهنی
خانواده

تعیین کنید

جایگاه پدیده‌های اجتماعی زیر را روی دو پیوستار

خرد - کلان و ذهنی - عینی تعیین کنید:

شهر، هدیه دادن برای روز تولد یک دوست، تصور

من از معلم کلاس اول ابتدایی، عدالت اجتماعی.

عدالت

کلان

شهر

ذهنی

عینی

تصور

هدیه

خررد

شهر پدیده ای کلان و عینی است، هدیه دادن برای تولد دوست پدیده ای

ذهنی و خرد است، تصور من از معلم پدیده ای خرد و ذهنی است و

عدالت اجتماعی پدیده ای کلان و عینی.

لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟

آیا همه اعضای یک موجود زنده، اهمیت یکسانی دارند؟ **خی** **ر** مثلاً آیا قلب، مغز، چشم و دست، از اهمیت

یکسانی برخوردارند؟ **خی** **ر**

نظر شما درباره اجزای مختلف جهان اجتماعی چیست؟ **خی** **ر** آیا همه آنها اهمیت یکسانی دارند؟ **خی** **ر**

در میان اعضای بدن، قلب و مغز به دلیل داشتن نقش اساسی در زنده ماندن موجود زنده، از اهمیت بیشتری نسبت به چشم و دست برخوردارند. به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، تأثیر حیاتی و تعیین کننده‌ای در جهان اجتماعی دارند؟ خانواده، تعلیم و تربیت، قانون، عدالت اجتماعی، لهجه‌های مختلف زبان، آداب جشن تولد، مد، جشن فارغ التحصیلی.



دین، باورها و اعتقادات همیشه جزء لایه های مهم جهان
اجتماعی بوده اند و تاثیر مهم و تعیین کننده بر زندگی
انسان ها داشته اند.

به ترتیب از عمیق ترین لایه تا سطحی ترین

بخش‌هایی از جهان اجتماعی به آسانی تغییر می‌کنند و تغییر آنها تحول‌آلوده‌ای در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد. برخی می‌توانند حذف شوند، ولی با حذف آنها جهان اجتماعی تداوم می‌یابد؛ اما **برای عقاید به دانش و آگاهی انسان مربوط می‌شوند** و بخش‌های دیگر به آسانی تغییر نمی‌کنند و اثر حذف شوند، جهان اجتماعی فرومی‌ریزد. به بخش‌هایی که امکان تغییر بیشتری دارند و نقش حیاتی و اساسی دارند، «لایه‌های سطحی جهان اجتماعی» و **بنامها فقط نمایش‌دهنده لایه قلی جهان اجتماعی** دارند، «لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی» می‌گویند.

لایه‌های عمیق، تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند، اما لایه‌های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییراند. در سال گذشته با چهار لایه عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها آشنا شدید. به نظر شما عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟ چرا؟

می‌دانید که هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها بر حسب شرایط، در زمینه‌های مختلف قابل تغییراند و تغییر برخی از آنها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود. عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق قرار می‌گیرند. در عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیرشان از زندگی و مرگ خود، عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی به حساب می‌آیند.

جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به آن می‌سپارد، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با همان شکل می‌دهد؛ اما جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با این عقیده سازمان می‌دهد.



جهان پهلوان غلامرضا تختی در کنار مادرش



توقف بازی فوتبال به دلیل استقاده تماشاگران از مواد آتش‌زا

نیادها

تاکنون اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را جداگانه تجزیه و تحلیل کردیم. حال می‌خواهیم اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم بررسی کنیم. وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، «نیادهای اجتماعی» آشکار می‌شوند. افراد انسانی بدون آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش و ... قادر به ادامه زندگی نیستند. به نظر شما جهان اجتماعی برای بقا چه نیازهایی دارد؟

ابراهام مازلو نیازهای انسان را به پنج دسته تقسیم کرده است:
فیزیولوژیک (آب، غذا، سرپناه) - امنیت، عشق و تعلق به گروه، احترام اجتماعی، خودشکوفایی

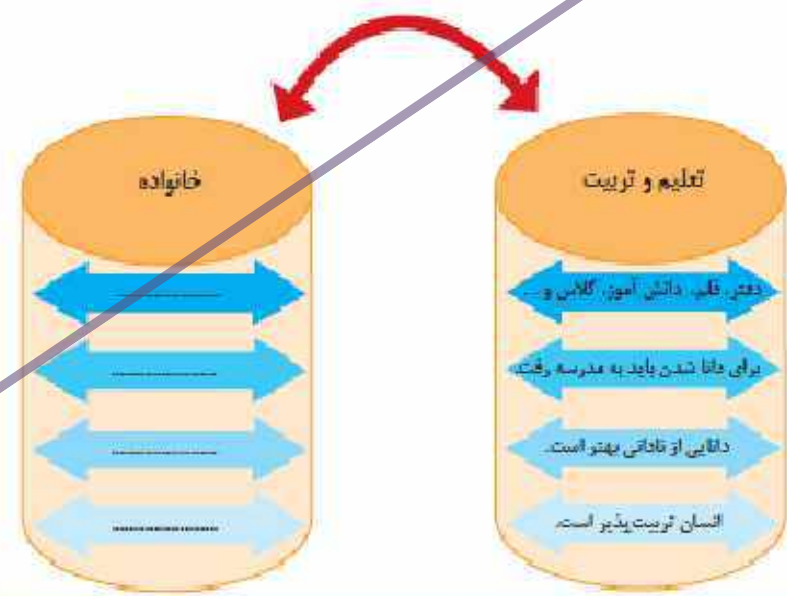
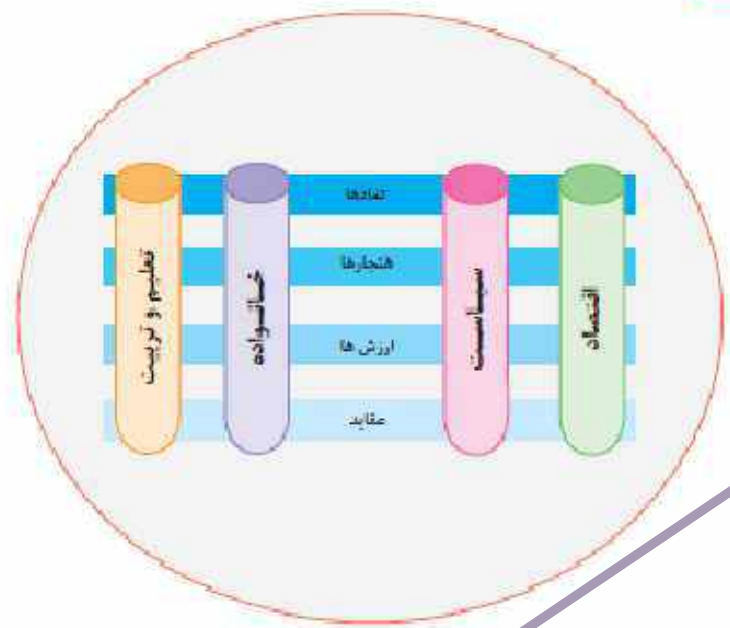
برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، راه‌های متفاوتی وجود دارد؛ ولی معمولاً در هر جهان اجتماعی، نوع خاصی از این روش‌ها، پذیرفته می‌شود و قابل قبول است. در هر جهان اجتماعی این کار به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.

«نهاد اجتماعی» مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیر قابل قبول را طرد می‌کند. مثلاً نهاد اقتصاد، راه درست و مقبول یا کژراهه‌های به‌دست آوردن ثروت را در جهان اجتماعی تعیین می‌کند. خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست، اقتصاد و ... از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند. نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا می‌دانید چرا؟

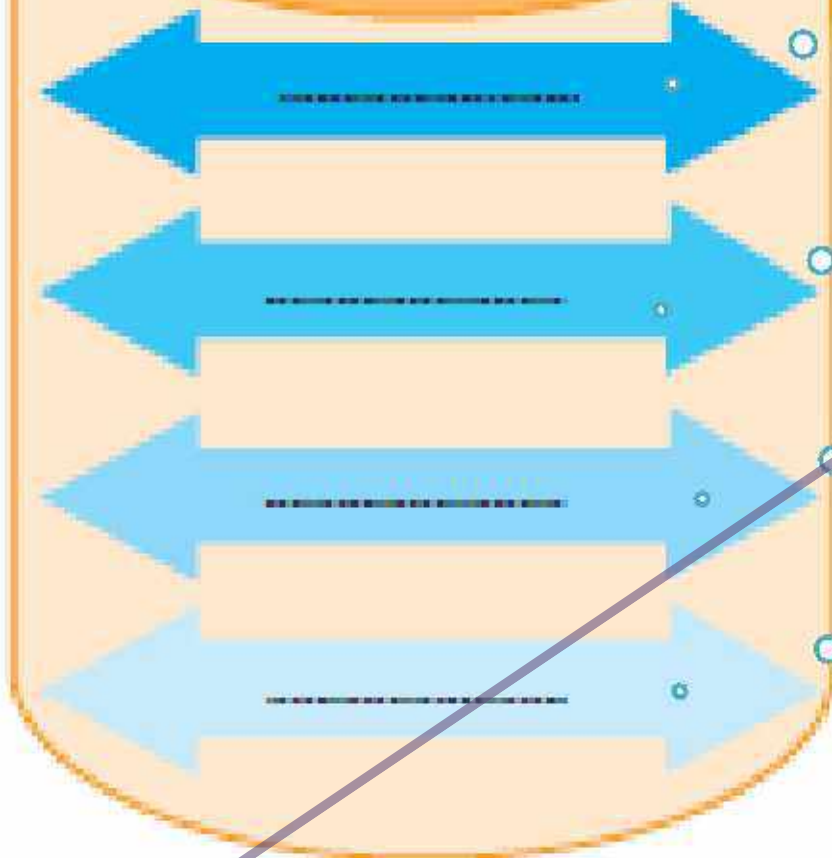
زیرا انسان‌ها با توجه به فرهنگ، باورها، محیط جغرافیایی، وضعیت جسمانی و روحی و شرایط اجتماعی زندگی، نیازهای گوناگونی دارند که از جامعه‌ای دیگر به جامعه‌ای دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت می‌شوند.

فعالیت

تفسیر و تکمیل کنید.



خانواده



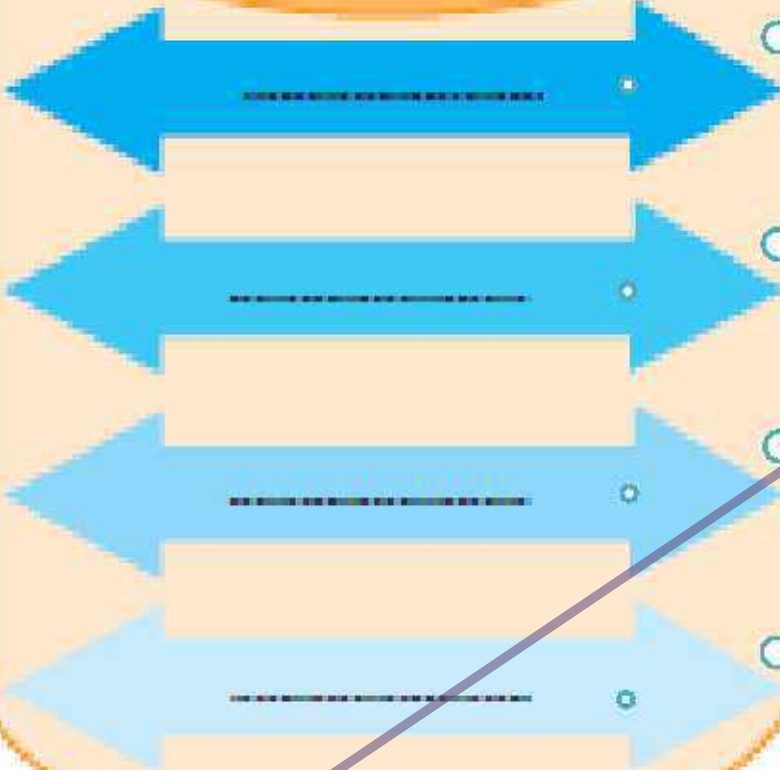
حلقه ازدواج، سند
ازدواج، جهیزیه
مرد باید به

خواستگاری برود،
ازدواج باید ثبت

ازدواج کردن بهتر از
مجرد ماندن است.
انسان موجودی

اجتماعی است و نیاز
به تشکیل خانواده
دارد.

سیاس ت



پرچم، عکس رهبران
سیاسی، نقشه سیاسی

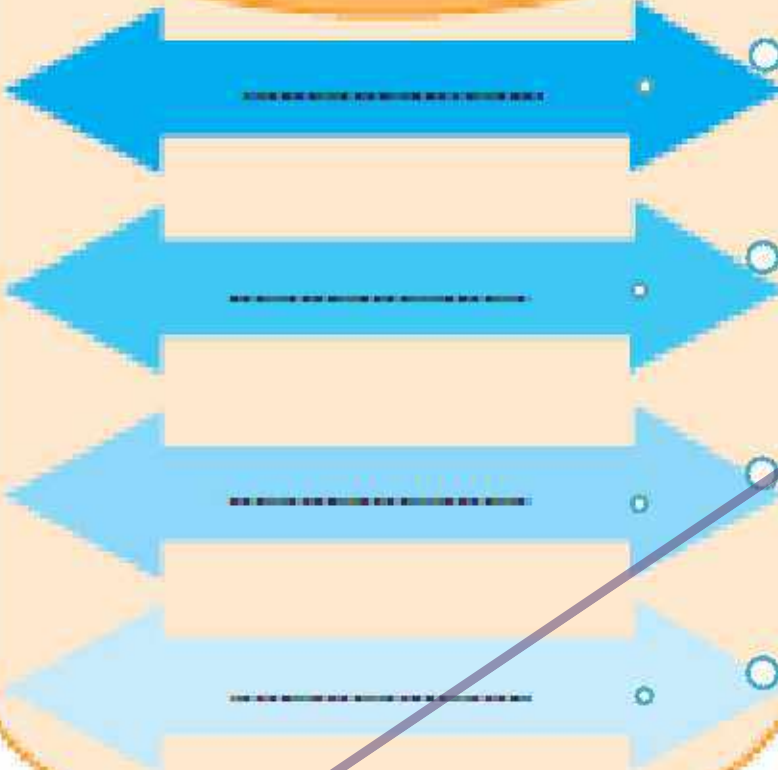
قانون اساسی و قوانین
مدنی و مقررات اجتماعی

آزادی و عدالت اهمیت
اساسی دارند.

هر جامعه ای به یک نظام
سیاسی عادل و مردمی نیاز
دارد.

اقتصاد

د



پول رایج، اسناد بانکی،

کارخانه ها

قوانین مربوط به شرکت

ها، بانکداری، موسسات

خصوصی و دولتی
رشد اقتصادی، پس انداز

صرفه جویی خوب

هستند و اسراف و گران

انسان دارای بعد مادی و

اقتصادی است و با تلاش

نیازهای مادی خود را بر

طرف می کند.



جهان‌های اجتماعی

« انسان، جهان‌های اجتماعی متنوعی پدید می‌آورد »

فرس ۵

جهان اجتماعی یا جهان های اجتماعی؟

نظم و همکاری میان اعضای موجود زنده، یکسان است. آیا همکاری دستگاه تنفس و گردش خون در بدن انسان ها، همیشه و همه جا یکسان نیست؟ چرا همچنین نظم و همکاری حیواناتی که به صورت جمعی زندگی می کنند، طی عصرهای متمادی تغییری نمی کند: مثلاً زنبور عسل از هزاران سال قبل تاکنون با نظام واحدی زندگی می کند. آیا زندگی جمعی زنبورهای عسل سیلان و اجداد آنها در گذشته و تمامی زنبورهای عسل دنیا یکسان نیست؟ چرا

شیر و آهو دو حیوان متفاوت اند. شیرها نیز خودشان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های اساسی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف با یکدیگر در ویژگی‌های سطحی آنهاست. به نظر شما تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، بیشتر مانند تفاوت میان شیر و آهو است یا مانند تفاوت میان شیرهای مختلف؟ در کتاب منطق یا مفهوم نوع، آشنا شدید. شیر و آهو دو نوع حیوانی هستند. می‌دانید تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های ذاتی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف، در ویژگی‌های عرضی آنهاست. آیا انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی می‌سازند یا انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؟ چرا؟

فطرت انسان یک نوع جامعه عادل و آزاد و اخلاقی را می‌پذیرد، ولی به دلیل نقص در آگاهی‌ها، انسان‌ها بر اساس سطح آگاهی خود از هستی، نوعی از جامعه را به وجود می‌آورند که با شیوه‌های زندگی انسان‌های جوامع دیگر متفاوت و حتی گاهی متضاد است. در حال حاضر بر اساس میزان دانشی که انسان‌ها دارند، جوامع مختلفی بر روی زمین مشاهده می‌شوند، ولی در نهایت یک جامعه عادل و آزاد خواهیم داشت که در فرهنگ اسلامی به جامعه مهدوی شناخته شده است.

جهان‌های اجتماعی یکسان اند یا متفاوت؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز، جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط دنیا وجود دارند؛ یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.

بخوانیم و بدانیم

در جهان غرب، نوعی تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود. وظیفه جامعه‌شناسی، مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، این جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی مانده‌اند (جوامع غیر غربی). وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفه حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیر غربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آنها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند. از این رو، یکی از مهم‌ترین انتقادهای خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

علت تفاوت و تنوع جهان اجتماعی انسان‌ها چیست؟

دانستید زندگی اجتماعی انسان‌ها بر خلاف زندگی سایر موجودات زنده، متنوع است و صورت‌های گوناگون دارد.

بچه لاک‌پشتی که تازه از تخم خارج می‌شود، از ساحل به طرف دریا حرکت می‌کند و بدون



راهنمایی بزرگ‌ترها وارد دریا می‌شود و به

لاک‌پشت‌های دیگر می‌پیوندد، می‌داند چه

چیزی را باید بخورد؛ از چنگ چه حیواناتی

باید فرار کند و کدام‌یک از آنها با او کاری

ندارند و... به نظر شما چه نیرویی این جانور

کوچک را راهنمایی می‌کند؟
غریزه

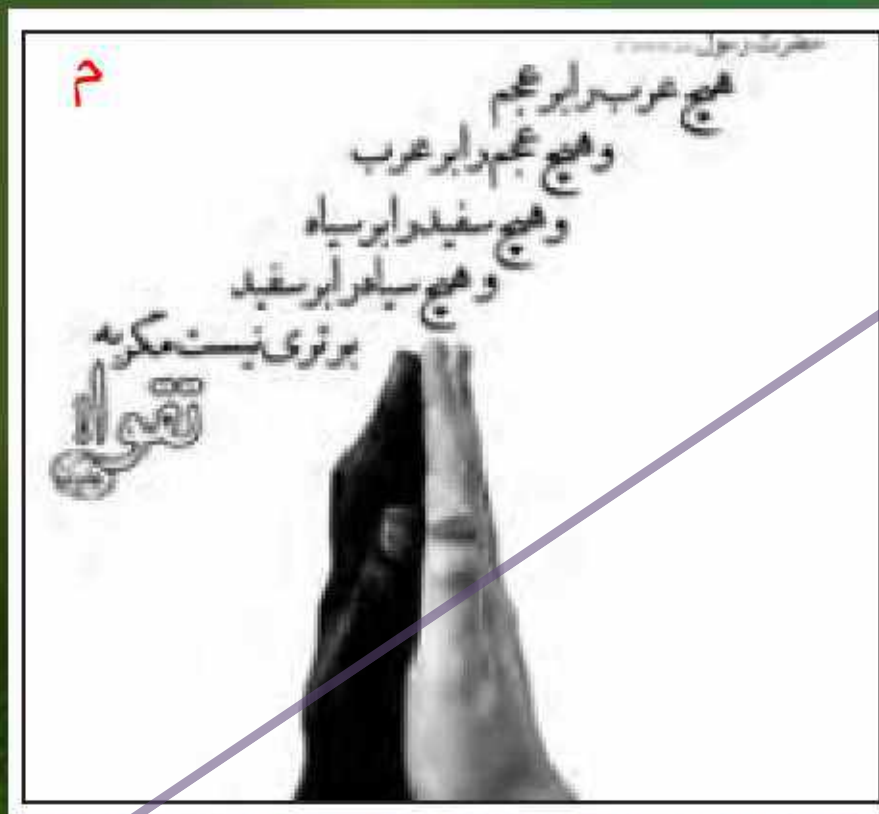
انسان خلاق



رفتار سایر موجودات زنده، ناآگاهانه یا غریزی است؛ ولی جهان اجتماعی را انسان آگاه و خلاق پدید می‌آورد. انسان در قبال فرهنگی که از طریق تربیت به او منتقل می‌شود، صرفاً موجودی منفعل و پذیرنده نیست، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است. تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

گاهی، نوعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد که مبتنی بر تبعیض نژادی است و گاهی در تقابل با آن، جهان اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد که نژادها، زبان‌ها و اموری از این دست را عناصر اصلی به‌شمار نمی‌آورد. آیا می‌توانید برای هر کدام از این جهان‌های اجتماعی نمونه‌ای بیاورید؟

اسلا



آپارتاید



■ جوانی به علت اعتراض به آپارتاید توسط پلیس بازداشت می‌شود.

تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی چه نوع تفاوتی است؟

جهان اجتماعی شکل یکسانی ندارد و همواره تغییرات و تفاوت‌هایی در آن به وجود می‌آید؛ نسل‌ها در پی هم می‌آیند و می‌روند، شیوه‌های زندگی تفاوت پیدا می‌کنند، انقلاب‌ها رخ می‌دهند و ... آیا با هر کدام از این تفاوت‌ها، جهان اجتماعی جدیدی به وجود می‌آید؟

هر جهان اجتماعی، تغییرات و تفاوت‌های مختلفی را درون خود می‌پذیرد. جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود؛ اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجه مردم دگرگون می‌شود؛ اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند. گاه نیز جمعیت ثابت می‌ماند، درآمد ملی تغییر نمی‌کند و زبان متحول نمی‌شود؛ اما تفاوت‌های دیگری به وجود می‌آید که نشان از ظهور جهان اجتماعی جدید دارد.

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد؛ اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق

جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها و هنجارها باز می‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست؛ بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.



تحلیل کنید

— شرک و بت پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان بود.

— توحید و یکتا پرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است. با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام قرار گرفت. بدین ترتیب زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد.

تفاوت‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان جزو کدام دسته از تفاوت‌هاست؟

تفاوت‌های بنیادین که ریشه در لایه‌های عمیق جامعه یعنی اعتقادات و ارزش‌ها دارند.

آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

آشکار شد که جهان‌های اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌های کلان خود، متنوع‌اند. ولی این پرسش مطرح است که آیا جهان‌های اجتماعی در مسیر رشد و تحول خود نیز راه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند یا همه آنها ناگزیر از پیروی از مسیر واحدی هستند؟

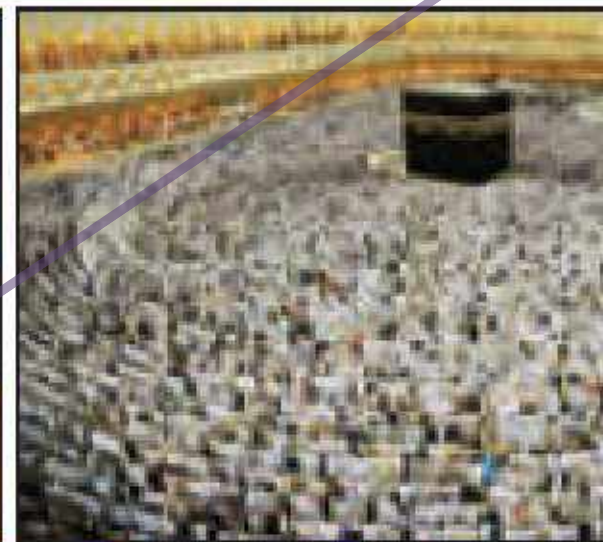
اروپایی‌ها یک ضرب‌المثل قدیمی دارند که: «همه راه‌ها به رُم ختم می‌شوند». این تنها یک ضرب‌المثل است ولی عده‌ای باورشان این است که زندگی اجتماعی بشر یک مسیر را طی می‌کند. آیا به راستی جهان‌های اجتماعی مسیر رشد یگانه‌ای دارند یا راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند؟ آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

هدف همه جوامع یکسان و به سمت حقیقت است. جهان از خداست و به خدا نیز باز می‌گردد ولی مسیر همه یکسان نیست، هر جامعه از مسیر خاص خودش به سمت خدا می‌رود.

غربی

اساطیری

دینی

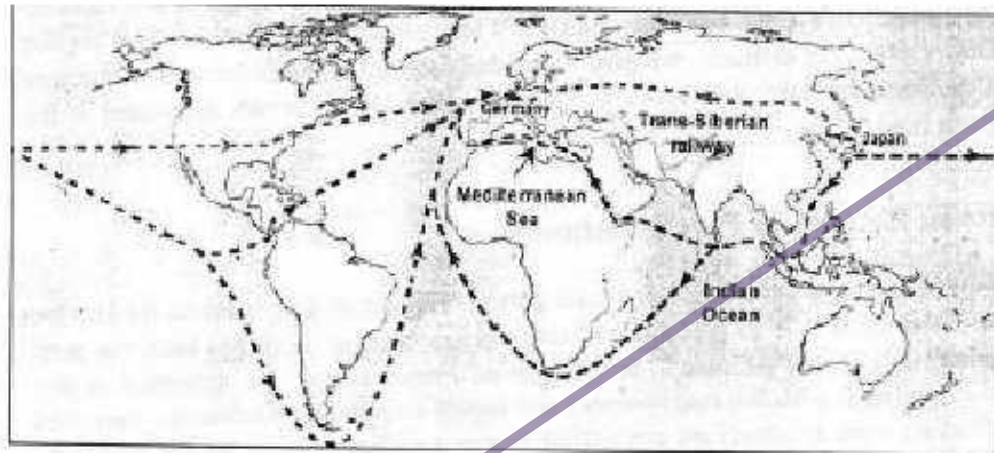


انواع جهان های اجتماعی

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند همهٔ جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر همین اساس مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همهٔ آنها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوتشان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگسالی پیدا می‌کند. این عده، نگاه تک خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آنها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.



در مقابل، عده دیگری از اندیشمندان اجتماعی معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، زمانی طولانی دوام می‌آورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. مردم‌شناسان بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند.



نمودار عرضی

هر جامعه‌ای مسیر خود را
می‌سازد

در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند: اما هیچ‌یک از آنها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آنها به‌وجود می‌آورد و سپس از آنها استفاده می‌کند.



داستان یک پرچم



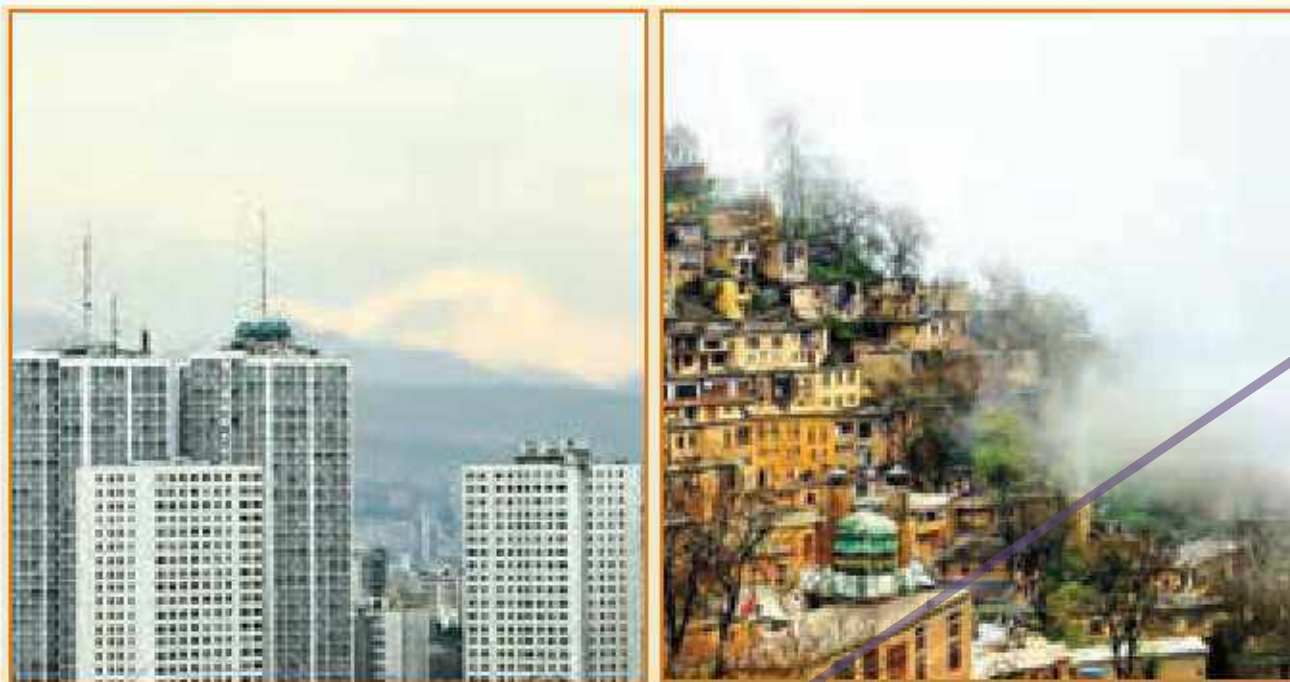
قصر الحمرا - آندلس - یادگار حکومت مسلمانان در اسپانیا

تفسیر کنید

اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار در می یابد؛ ولی در سده های پیشین، نظریه استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب مانده بود. دربار نظریه استعمار، تحقیق کنید. این نظریه محصول کدام یک از دیدگاه های بالا بوده؟ این نظریه را براساس آن دیدگاه، تفسیر کنید.

بر اساس نظریه استعمار، کشورهای استعمارگر، کشورهای بومی بودند که به هر جا می رفتند باعث عمران و آبادانی آن کشور می شدند. بنابراین کشورهای استعمارگر الگوی کشورهای عقب مانده هستند و این کشورها باید کشورهای استعمارگر و پیشرفته را الگوی خود قرار دهند و از آنها تقلید کنند تا سریع تر پیشرفت کنند. این نظریه محصول تفکر تک خطی است. یعنی فقط یک خط رشد وجود دارد که در ابتدای این خط کشورهای پیشرفته قرار دارند و بقیه کشورها بر اساس سطح پیشرفتشان در روی این خط قرار دارند. انتهای خط

کشورهای عقب مانده قرار دارند.



پیامدهای جهان اجتماعی

درس ۶

«درهایی که جهان اجتماعی به روی ما می‌گشاید و درهایی که می‌بندد»

عکس بالا دو نوع جهان اجتماعی متفاوت را نشان می‌دهد. سمت چپ جهان اجتماعی در کشورهای صنعتی که زندگی آدمها کاملا تحت تاثیر صنعت و مدرنیسم است با طبیعتی که حذف شده و سمت راست جهان اجتماعی آدمها در شهر یا روستایی با طبیعت بکر و سنتی.

جهان اجتماعی وسیع تر از جامعه و نظام اجتماعی است. جامعه و نظام اجتماعی به کشور با ملاحظات سیاسی و امنیتی اشاره دارد و هستی فکری افراد جامعه را در نظر ندارد ولی جهان اجتماعی به هستی فکری و باورها، افراد جامعه اشاره دارد از محددهت ها، اساس، امنیت.

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟

در درس های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می پردازند و با همین کنش ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت های ما تأثیر می گذارد؟

ما بدون اراده و اختیار به جهانی پا می گذاریم که گذشتگان آن را ساخته اند و در آن دخالتی نداشتیم. اما هر چه که سطح آگاهی و اختیار ما افزایش می یابد به تغییر این جهان می پردازیم و شرایط جدیدی را برای خود و دیگران فراهم می کنیم اما این شرایط جدید پیامدهایی دارد که برخی از آنها نتیجه کنش های ارادی و اختیارات ماست و برخی از آنها پیامدهای غیرارادی کنش های ماست که مجبوریم بپذیریمشان. هر چه سطح دانش ما افزایش یابد و هر چه دانش ما به حقیقت نزدیک تر شود، قدرت ما برای کنترل پیامدهای کنش هایمان

افزایش می یابد و در نتیجه ما می توانیم کنش هایمان را بهتر بشناسیم.

شاه انوشیروان به موسم ذی‌الرفعت بیرون از شهر بهر شکارا در سر راه دید مزرعه‌ای که در آن بود مردم بسیار اندر آن داشت پیرمردی دید که گذشته است عمر او ز نودادانه چو در زمین می‌کاشت که به فصل بهار سبز شود گفت کسی به پیرمرد حرص که چرا حرص می‌زنی چندین؟ ایای‌های تو بر لب گور است اتو کتون چو می‌کشی به زمین / مرد دهقان به شاه کسی گفت مردم از کاشتن زبان نبرند ادگران کاشتند و ما خوردیم اما بکاریم و دیگران بخورند

(ملک الشعرا بهار)

یکی از جامعه‌شناسان به بررسی بالا این گونه پاسخ می‌دهد که سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم بیشتری از ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست. همچنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست. شما چه فکر می‌کنید؟

دانش آموزان بحث می‌کنند و معلم آنها را به سمت سهم عظیم گذشتگان در جهان اجتماعی امروز ما هدایت می‌کند. آگوست کنت معتقد است جامعه مجموعه‌ای از زندگان و مردگان است و جمعیت و سهم مردگان در جامعه بسیار بیشتر از زندگان است.

کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل گیری آن، شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

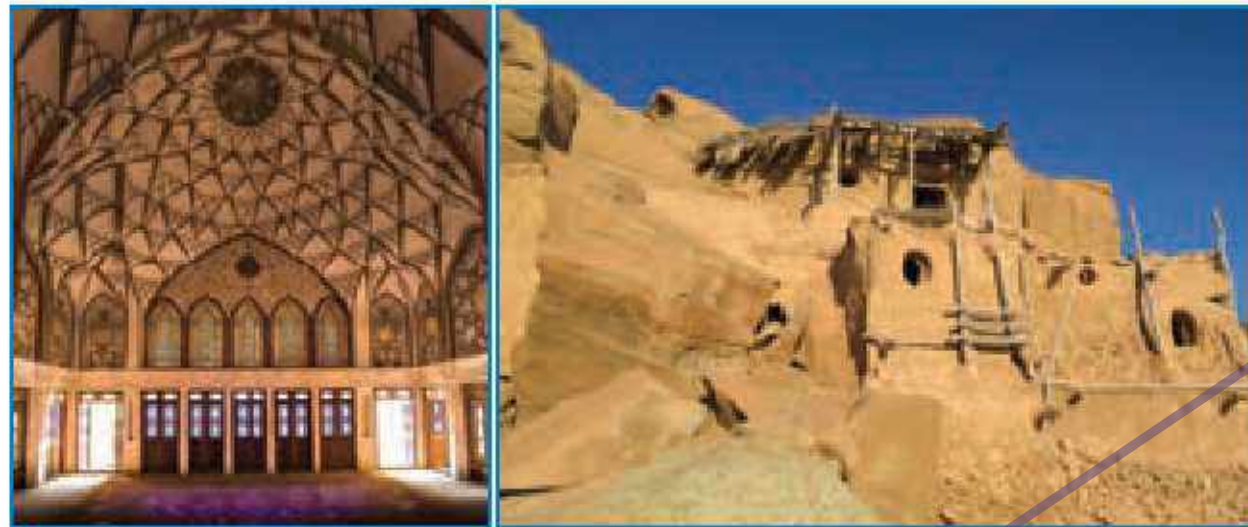
- کلاس مجموعه ای از بخش های فیزیکی و انسانی و فکری است. بخش فیزیکی کلاس شامل ساختمانی با تجهیزات مختلف است که مخترعین و طراحان اولیه آنها گذشتگان هستند. ساختمان مدرسه را نیز کسانی ساخته اند که ممکن است در حال حاضر زنده نباشند. سبک ساختمان سازی، مصالح ساختمان و فضا سازی و مکانی که مدرسه در آنجا ساخته شده مربوط به گذشتگان و همچنین معاصران است.
- تمام دانش و علومی که در کتب درسی تدریس می شوند بر تلاشها و کشفیات و پژوهش های پیشینیان استوار است و قسمت بزرگی از دانش امروز هنوز به دست ما نرسیده و بخش اندکی از آنها در کتابها وجود دارند. معاصران نیز بر این دانش افزوده اند و دانش روز را به وجود آورده اند.
- هر کدام از ما زاده پدر و مادرهایی هستیم که خودشان زاده والدینی هستند که به نسل های گذشته وابسته اند و نحوه زیست و تفکرشان را از گذشتگان وام گرفته اند و در قالب فرهنگ به ما منتقل کرده اند. ما نیز این فرهنگ را می آموزیم و به آیندگان منتقل خواهیم کرد.
- امکانات آموزشی ای مثل کتاب، تخته، صندلی، کلاس درس، اسناد و مدارک ثبت نام مثل شناسنامه و ... به سبکی کنار هم چیده شده اند که گذشتگان در دوره هایی خاص طراحی

بخوانیم و بدانیم

زندگی اجتماعی به مثابه گفت‌وگو

تصور کنید وارد یک اتاق پذیرایی می‌شوید. دیر رسیده‌اید. وقتی که وارد می‌شوید، دیگران پیش از شما آمده‌اند و درگیر بحثی داغ هستند که نمی‌توانند آن را حتی برای چند لحظه متوقف کنند و به شما بگویند که موضوع چیست. بحث، پیش از آنکه هر یک از افراد به آنجا رسیده باشند، شروع شده است و بنابراین هیچ یک از حاضران واجد شرایط لازم نیست که بتواند به شما بگوید این بحث از چه مراحل گذشته است. مدتی می‌تشنید و گوش می‌دهید بعد به این نتیجه می‌رسید که رشته بحث را فرا گرفته‌اید؛ آنگاه شما هم وارد بحث می‌شوید و نظر خودتان را می‌گویید. کسی به شما پاسخ می‌دهد؛ شما هم پاسخ او را می‌دهید. کسی دیگری به دفاع از شما بر می‌خیزد و یکی دیگر به صف طرف مقابل شما می‌پیوندد.... به هر صورت بحث پایان ناپذیر است. دیر وقت می‌شود و شما باید بروید، اما بحث و گفت‌وگو همچنان ادامه دارد.

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه یا کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.



■ خانه طباطبایی‌ها - کاشان

■ نمونه‌ای از شکل خانه در گذشته

قبلاً از تفاوت کنش انسان‌ها و فعالیت حیوانات سخن گفتیم. یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات، در خانه‌سازی آشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سرپناه نیاز داریم، به لانه و سرپناه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات خانه می‌سازند. خانه حیوانات ممکن است در مکان، شکل، مصالح، استحکام و ...، با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. ولی مهم‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی‌اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ نشین، یک‌جانشین و شهرنشین متفاوت می‌شود.

جهان اجتماعی را می‌توان همچون خانه‌ای در نظر گرفت که انسان می‌سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته شدن، الزام‌ها و پیامدهایی برای انسان پدید می‌آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می‌سازد. ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هر یک از ما صرفاً کنش‌گری منفعل نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند.

هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود، و در پی آن، برآمده شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

تحلیل کنید

برابر مقررات، همراه داشتن جزوه و کتاب درسی در جلسه امتحان ممنوع است. فرصت‌ها و محدودیت‌های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

- ❑ فرصت آزمون در یک فضای عادلانه و امکان رقابت در شرایط برابر و یکسان. فرصتی برای حفظ کردن مطالب و تقویت حافظه. فرصتی برای نوآوری در زمینه کدگذاری و شیوه‌های متعدد تقویت حافظه و به‌خاطر سپردن.
- ❑ محدودیت: شرایط یکسان برای استعدادها و توانایی‌های نامساوی کار درستی نیست و کسانی که استعداد یک آزمون را ندارند با کسانی که این استعداد را دارند شرایط یکسانی به دست می‌آورند. ایجاد استرس و اضطراب به‌خاطر ناتوانی در حفظ مطالب. صرف وقت زیاد برای حفظ کردن مطالب.

پیامدهای جهان اجتماعی فرصت‌اند یا محدودیت؟

برخی گمان می‌کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدود‌کنندهٔ افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

دانش‌آموزان نظر بدهند دبیر دانش‌آموزان را راهنمایی کند به سمت این دیدگاه که فرصت‌ها و محدودیت‌ها گریزناپذیر هستند و پیامدهای زندگی در جهان اجتماعی هم فرصت‌ها را ایجاد می‌کنند و هم محدودیت‌ها را. استفاده مناسب از محدودیت‌ها و تبدیل آنها به فرصت‌ها به تلاش و آگاهی کنشگران بستگی دارد.

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند. بدون این اجزاء هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر هم‌زمان در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد. منظور از فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چیست؟

قوانین یک جامعه از یک سو افراد را محدود می‌کنند و از سوی دیگر فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند. مثلاً قانون تحریم تبلیغ سیگار در ایران، کارخانجات دخانیات را برای رشد فعالیت‌هایشان محدود می‌کند و برای سودجویانی که در کار دخانیات قاچاق هستند، فرصت ایجاد می‌کند.

تراکم و افزایش جمعیت یک منطقه فرصتی برای رشد جامعه و افزایش امکانات و اندیشه‌های گوناگون و رشد فکری جامعه است ولی جمعیت زیاد دسترسی به امکانات جامعه و رفاه جامعه را با محدودیت روبرو



به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می افتد؟



بزرگراه‌ها از جمله فرست‌ها و محدودیت‌ها هستند.

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می آورد. آیا می توانید بعضی

از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟

بوق زدن
ممنوع

دور زدن
ممنوع

توقف
ممنوع

عبور
ممنوع

آیا در آن صورت رانندگان و عابران می توانند یا ایمنی تردد کنند؟

بنابراین، مقررات راهنمایی و رانندگی با آنکه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورند، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

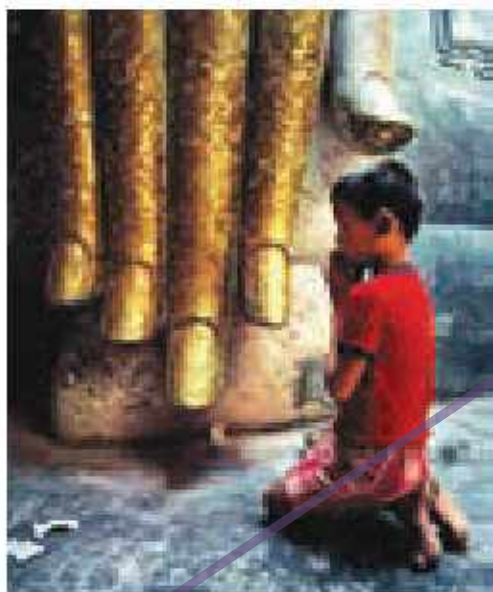
به زبانی که مردم یک جامعه یا آن صحبت می‌کنند، توجه کنید این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند یا این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط یا هم‌زیانان و میادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد.

بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند.

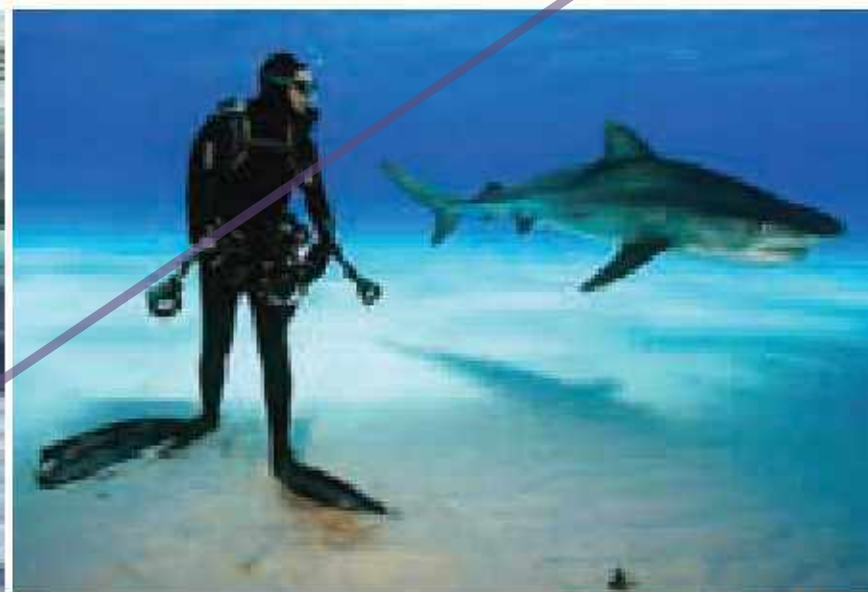
هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.^۱

۱- زمین با انسان، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاص، حیات می‌باید پیامبر اکرم (ص)



■ بیت پرستایی



■ تسلط بر طبیعت

بخوانیم و بدانیم

خداوند سبحان در قرآن کریم خانه عنکبوت را سست‌ترین خانه‌ها توصیف می‌کند (سوره عنکبوت آیه ۴۱) تار عنکبوت محکم‌ترین ماده بیولوژیک است که تاکنون شناخته شده است. تارهای ابریشمی سازنده خانه عنکبوت، از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول خود کشیده می‌شود. اگر یک عنکبوت، تاری به ضخامت انگشت شست می‌ساخت می‌توانست یک هواپیمای جسیجوت را به آسانی حمل کند. شکل خانه عنکبوت نیز شگفت‌انگیز و به شکل دایره‌های متحدالمرکزی است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسبندگی خود توان به دام انداختن حشرات را دارند. با این حال چرا قرآن آن را سست‌ترین خانه‌ها توصیف کرده است؟ خانه عنکبوت و نه تارهای آن سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان، سایه کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تندباد و خطر مهاجمان قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ هر برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد و حتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا قضا با هم درگیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشند. خانه عنکبوت وحشی‌ترین خانه‌هاست که در آن خبری از پیوندهای خویشاوندی و عاطفی نیست.

بدین ترتیب از مرغوب‌ترین مصالح و اشکال، سست‌ترین خانه بنا می‌شود. پروردگار، خلقت عنکبوت و خانه‌اش را مذمت نمی‌کند؛ بلکه از آن برای مقایسه استفاده می‌کند. خدا زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، همچون گسائی می‌داند که به خانه سستی، همچون خانه عنکبوت پناه برده‌اند.

تأمل کنید

- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، پاره‌ای از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده نام ببرید.
- سعدی در شعر زیر چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را بر می‌شمارد؟

هزاران در از خلق بر خود ببندی
سفرهای علوی کند مرغ جانت
گر از باغ انست گیاهی برآید
عمر تلخی کشیده است سعدی

گرت باز باشد دری آسمانی
گر از چنبر آز یازش پراتی
گیاهت نماید گل بوستانی
که نامش برآمد به شیرین زبانی

سعدی

- ❖ در انجام کارهای خانه کمک کنم.
- ❖ تکالیفم مدرسه را انجام دهم.
- ❖ از میهمانان پذیرایی کنم.
- ❖ والدینم مخارجم را پردازند.
- ❖ با من در تصمیمات مشورت کنند.
- ❖ راهنمای من در زندگی باشند.

- ❖ بیت اول: درهای خلق، محدودیت. باز کردن درهای آسمان، فرصت.
- ❖ چنبر آز، محدودیت. سفرهای علوی، فرصت.
- ❖ گیاه باغ انسانیت، فرصت.
- ❖ تلخی‌های عمر، محدودیت. شیرین زبانی، فرصت.

فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد کدام‌اند؟

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. اندیشمندان مختلف درباره ویژگی‌های این جهان اجتماعی گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، برشمرده‌اند. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟

- نظام سیاسی سرمایه داری بر آن حاکم است.
- مالکیت خصوصی باعث رشد سرمایه و تکنولوژی شده است.
- رشد علم باعث افزایش امکانات رفاهی و تفریحی شده است.
- مالکیت خصوصی و سرمایه داری باعث ارزش شدن پول و مادیات تا حد خدا شده است.
- انسانیت و معنویات و وجدان فراموش شده است و همه چیز را جهان مادی تعیین می کند.
- انسان در میان قوانین و دستگاه های اداری و رایانه ها، محدود شده و قدرتی ندارد.


جهان های اجتماعی را براساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می کنند.


جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می شود یا در محدوده منافعی که برای خواسته های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می شود. جهان دنیوی همه ظرفیت ها و استعداد های انسان را در خدمت دنیا به کار می گیرد و ظرفیت ها و خواسته های معنوی انسان ها را به فراموشی می سپارد.

جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهره های آسمانی و ملکوتی پیدا می کند.

جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می دهند، فرهنگ جهان توحیدی است. اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت های فوق طبیعی قائل است و محصول الحرافه بشر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی قطرت آدمی می شود.

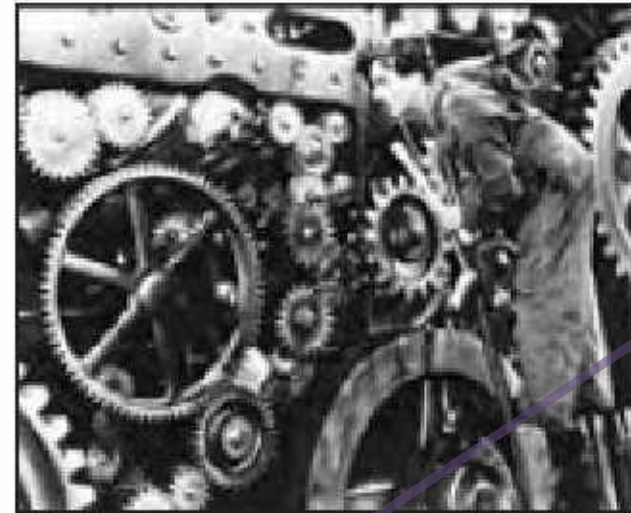
جهان متجدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت ها و محدودیت هایی دارد؟

فرصت ها: رشد علم، رشد تکنولوژی، امکان بالا بردن سطح زندگی از طریق  تلاش و پشتکار و ...

محدودیت ها: ارزشمند ماندن بدون داشتن پول، رشد کردن بدون داشتن  پول، تضاد طبقاتی شدید و ...



■ انسان در بند تکنولوژی



■ تصویری از فیلم عصر جدید

یکی از متفکرانی که دربارهٔ ویژگی‌های جهان متجدد اندیشیده، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد. جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد. در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و... را به انسان می‌دهد.

۱- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند.

از همین آتش، چراغش روشن است
اقبال لاهوری

قوت افرونگ از علم و فن است

در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند، به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، افراد خواهان تسلط بر این جهان را به تدریج، اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند و جهان، از هیچ‌گونه قداستی برخوردار نیست. جهان صرفاً از مواد و موجودات خاصی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند؛ به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دیگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

در نگاهش آدمی آب و گل است

کاروان زندگی بی‌منزل است
اقبال لاهوری

جهان متجدد فقط علمی را که با روش های تجربی به دست می آیند، علم می داند و علمی را که از روش های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می کنند، علم نمی شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش ها و آرمان های بشری - که پدیده های فراتجربی اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند - از دست می رود و داوری درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه های متفرق سپرده می شود. آیا راهی برای ارزیابی فرصت ها و محدودیت های یک جهان اجتماعی وجود دارد؟

خیر با علوم تجربی فقط می توان جهان مادی را به حیطة دانش و علم در آورد و بعد معنوی زندگی انسان از طریق علوم تجربی قابل بررسی نیست. هرگز از طریق فرمولهای ریاضی و فنون آزمایشگاهی و تئوری های فیزیک نمی توان پاسخ داد که عشق و تفریح چیست؟ یا نمی توان آرامش را ساخت. از طریق فرمول علوم تجربی نمی توان بین بنده و خدا رابطه برقرار کرد فقط از طریق تفکر درباره یافته های فیزیک و نجوم است که می توان خدا را در میان کهکشان ها تصور کرد و سیاهچاله ها را به نیستی تشبیه کرد. از طریق فلسفه است که می توان از فیزیک گوانتوم به بخشی از پاسخ سوالات انسان درباره هستی رسید. ریاضی فقط می تواند عدد یک را اثبات کند ولی این فلسفه و ذهن انسان است که عدد

فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند، تفسیر کنید.

باید امکانات تماشای فیلم عصر جدید برای دانش آموزان فراهم شود یا حداقل عکس‌های این فیلم در کلاس ارائه شوند و دبیر تئوری از خودبیبیگانی مارکس و چیزوارگی لوکاچ را برای دانش آموز توضیح دهد. چارلی چاپلین کارگری را نشان می‌دهد که در میان چرخ دنده‌ها و بخش‌های مختلف یک کارخانه گم شده است. آنچه اهمیت دارد تولید یک محصول است نه دنیای یک انسان. او بخشی از یک کارخانه است که قرار است پیچ ببندد و وقتی که بیمار شود یا خسته باشد یا نیاز داشته باشد لحظه‌ای دست از کار بکشد که مثلاً دستشویی برود یا آب بخورد، جریان بستن پیچ مختل می‌شود و کارخانه از کار می‌ایستد. انسان معاصر از نظر چارلی چاپلین در جهان سرمایه‌داری فقط یک موجود سه بعدی است که می‌تواند بخشی از محصول مورد نظر سرمایه‌دار را تولید کند. چارلی چاپلین انسان از خودبیبیگانه را نشان می‌دهد که فراموش کرده می‌تواند یک گل را دوست داشته باشد، می‌تواند عاشق باشد، می‌تواند خلاقیت داشته باشد یا نقاشی و مجسمه‌سازی را بیافریند. جامعه‌شناسان این پدیده را از خودبیبیگانی می‌نامند و معتقدند جهان سرمایه‌داری لوکاچ: در دنیای امروز انسان پدیده‌هایی مثل پول، کار، دین، سیاست را می‌سازد تا داری تمام انسان‌های جامعه را در خدمت سرمایه‌داران قرار داده است. فرد سرمایه‌دار است که بهتر زندگی کند ولی اگر نسبت به این پدیده‌ها آگاهی نداشته باشد و فقط مقلد باشد، این پدیده با پول هایش هستی کارگران را می‌خرد و از تمام عمر آنها برای منافع خودش بهره می‌برد. او بر روح و عقل او حکومت خواهند کرد و حتی کارهای او را احمقانه می‌سازند. مثل مسیحیانی که به نام دین، در شب عشاء ربانی شراب را به عنوان مصداق خون مسیح می‌نوشند یا مسلمانانی را در عاشورا قمه بر سر خود می‌زنند. دین اگر آگاهانه نباشد، هفتاد سال عبادتش به



● شهید بهروز مرادی (معلم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۲۲ روزه خرمشهر) و هم‌زمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر

ارزیابی جهان‌های اجتماعی

«واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم»

درس ۲

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است؟

مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، اهداف و ارزش‌های مشترکی دارند. اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، زندگی کردن با یکدیگر، آزادی، عدالت، دفاع از مظلومان و ... ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند. وقتی مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. ولی آیا مردم همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل می‌کنند؟

خیر، همه ما باور داریم که دروغ بد است ولی دروغ می‌گوییم. همه کارمندان ادارات اعتقاد دارند که نباید کم کاری کنند، ولی از زیر با مسئولیت فرار می‌کنند. همه دانش‌آموزان می‌دانند تقلب بد است، ولی تقلب می‌کنند. همه می‌دانیم باید به قوانین احترام بگذاریم تا نظم و حقوق شهروندان محقق شوند، ولی دوبر پارک می‌کنیم، با سرعت غیرمجاز رانندگی می‌کنیم و جلوی بیمارستان بوق می‌زنیم.

هر یک از شما اهداف و ارزش‌هایی را در زندگی خود تعقیب می‌کنید. برخی اهداف‌های شما مانند انجام تکالیف درسی امروز، کوتاه مدت‌اند. برخی مانند قبول شدن و به کلاس بالاتر رفتن میان مدت‌اند و برخی مانند تبدیل شدن به یک فرد مفید در جامعه و سعادت دنیوی و اخروی، بلند مدت‌اند. رسیدن به هر کدام از این اهداف و تحقق آنها وابسته به گتشی‌های شماست.

در یک خانواده برای تهیهٔ صبحانه، نظافت خانه، تأمین هزینه‌ها، مقابله با سختی‌ها، عروسی و داماد کردن بچه‌ها، احترام به یکدیگر و ... هر عضو خانواده مسئولیتی به عهده دارد. اعضای یک جهان اجتماعی نیز، اهداف و ارزش‌های مشترکی را تعقیب می‌کنند که هر کدام برای تحقق آنها، وظیفه و مسئولیتی را برعهده دارند. آیا تمامی افراد برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها، به مسئولیت‌هایشان عمل می‌کنند؟

خیر بعضی پدرها به خانواده محبت نمی‌کنند ولی بعضی‌ها عاشق همسر و فرزندان‌شان هستند، بعضی مادرها بچه‌هایشان را درک نمی‌کنند و بعضی مادرها بهترین مشاور برای فرزندان‌شان هستند. بعضی زن‌ها در خانه شوهر هیچ کاری انجام نمی‌دهند و بعضی‌ها کدبانویی شایسته هستند، بعضی شوهرها مخارج همسر را نمی‌پردازند ولی برخی برای رفع نیازهای همسرشان از همه مشورت می‌گیرند و بعضی بچه‌ها زحمات پدر و مادرها را هدر می‌دهند و آبروی خانواده را می‌برند. ولی برخی دیگر باعث افتخار و سربلندی خانواده هستند.

به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند، «آرمان اجتماعی» می‌گویند. آرمان اجتماعی تصوّر اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و ... است.

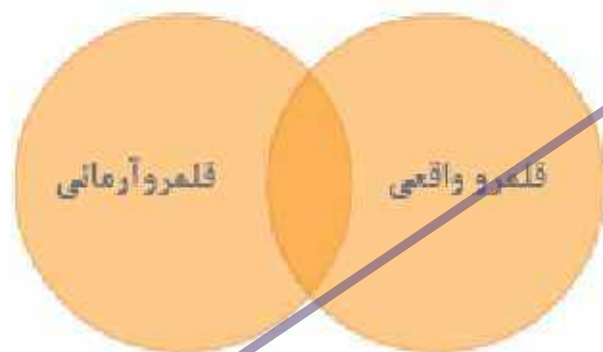


مانند آب که در رودها، نهرها، جوی‌ها و ... جاری است، آرمان جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور است.

آرمان‌های جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شود؛ مثلاً آرمان جهان اسلام، توحید است. جامعه‌ای، آزادی را آرمان خود می‌بیند و جامعه‌ای دیگر عدالت را و ... عموماً انسان‌ها خدمت به هم‌نوعان خود را خوب و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می‌شمارند. دروغ‌گویی، رشوه، دزدی را ناروا و رعایت مقررات را پسندیده می‌دانند. بسیاری از ارزش‌های یادشده را اغلب افراد جامعه رعایت می‌کنند و برخی از آنها را بعضی گروه‌ها یا افراد در عمل رعایت نمی‌کنند.

ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آنها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آنها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد و ارزش‌هایی که مردم به آن عمل می‌کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می‌سازد.

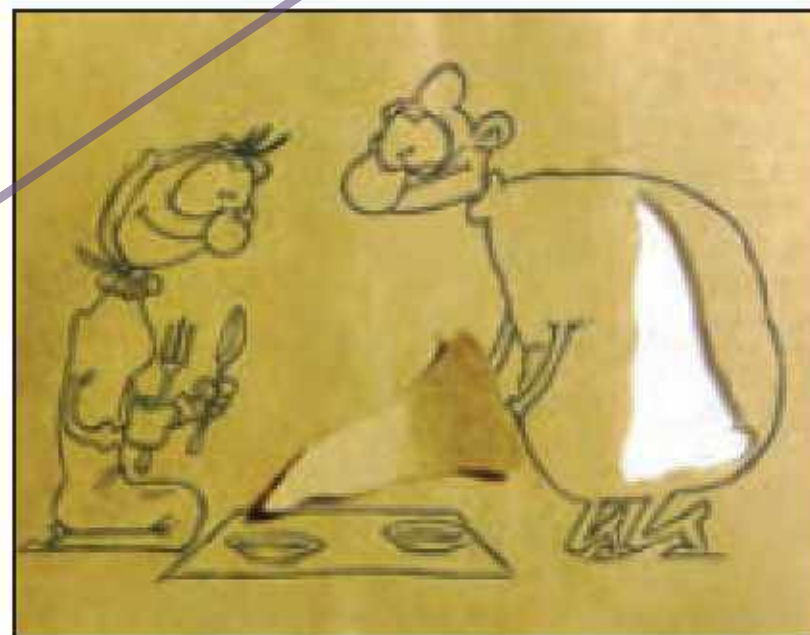
قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آنها براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم می‌دانند، عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.



برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

بخوانیم و بدانیم

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی افراد عادت دارند که سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نیاورند. از این رو، به پیامدهای آن توجه نمی‌کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می‌دهند. این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است، سخنی بگویید که بدان عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفتی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (سوره صف، آیات ۳ و ۴).



نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از قلمرو واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از قلمرو واقعی	درون قلمرو واقعی
نابستند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
احترام به حقوق شهروندان	احترام به پدر و مادر
بد دانستن دروغ و غیبت	مهمان نوازی

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟

واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد. اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها درست‌اند تا واقعیت‌ها را در پرتو آنها ارزیابی کنیم؟ **خی** آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها وجود دارد؟

وحی، علم،
عقل سه راه
مناسب بررسی
آرمانها و
تشخیص حق
و باطل

در سراسر تاریخ، حق و باطل از آرمان‌های بشری بوده و اغلب جهان‌های اجتماعی، رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. در جهان اسلام نیز، عمل به حق و پرهیز از باطل، مهم‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند. واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی را براساس این دو ارزش، به دو نوع حق و باطل تقسیم می‌کنند. گفته شد که واقعیت‌ها را در پرتو آرمان‌ها ارزیابی می‌کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آنها را تشخیص می‌دهیم. حال، خود آرمان‌ها را چگونه ارزیابی کنیم؟

گفته اند وقتی امام زمان عج ظهور فرمایند، علم بشر به دو بیست و هفتم کل علم عالم رسیده است. بنابراین تا آگاهی محض مسیر درازی را داریم پس نمی‌توانیم با ارزیابی آرمانها مدعی شویم همه چیز را فهمیده ایم، اما جوینده یابنده است و اطلب العلم من المهد الی الحد. با تحقیق و پژوهش در نفس خود و جهان (سیرو فی الافاق و الانفسهم) به حقایق هستی دست خواهیم یافت و آرمان‌ها و اهداف حقیقی را از دروغین تشخیص خواهیم داد. اهدنا اصراط المستقیم. شرط دانستن، تواضع و فروتنی است. این سینا می‌گوید تا بدانجا **آر** رسیدن دانش من / که بدانم همی که نادانم. اینان **خی** های خود را خواهد عقاید خود بشناسد و حقیقت محض می‌دانند در نتیجه از اجتهاد برای رسیدن به حقیقت باز می‌مانند.



■ تقدیم حیوانات در معابد هندوستان

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، قواعدی که براساس آنها عمل می‌کنند، سبک زندگی آنها و مهارت‌هایی که در زندگی به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است.

هر بخشی از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است.

عقیده به توحید و ارزش‌های توحیدی، وفای به عهد، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق انسان‌ها و ... از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند.

ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران، شرک، دنیاپرستی و ... از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.

حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود. علوم تجربی توان دآوری درباره تکنیک‌ها و روش‌های اجرایی را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت.

حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان دربارهٔ انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی، معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند.

از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای تآوری دربارهٔ درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آنها راهی نداریم.

علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند دربارهٔ حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند.

نمونه بیاورید

سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همه فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید.

آرمان حق				
.....	راست‌گویی	وفای به عهد

مسئولیت پذیری

مبارزه با فقر

احترام به حقوق
همه آفریده های خداوند

آیا حق و باطل، تابع جهان‌های اجتماعی‌اند؟

پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد؛ مثلاً امنیت، برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در قلمرو آرمانی و برای یک جامعهٔ بسامان، در قلمرو واقعی است.

در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی، آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگری لباس واقعیت می‌پوشد؛ مثلاً استقلال سیاسی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد. حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ یا حق و باطل، مستقل از پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند؟

هستی و انسان ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد، انا لله و انا الیه راجعون. ما از خداییم و سرانجام به سوی خدا هم باز می‌گردیم. پس خدا حقیقت محض و آرمان حقیقی هست ولی انسان‌ها در جوامع مختلف بسته به میزان آگاهی و دانشی که از این حقیقت محض به دست آورده‌اند، به آن نزدیک یا از آن دورند و به همین میزان نیز آرمان‌هایشان حق یا باطل خواهد بود.

سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادمجان بورانی پیش آوردند. خوشش آمد و گفت: «بادمجان طعمی است خوش». ندیمی در مدح آن قصی پرداخت. چون سیر شد، گفت: «بادمجان سخت مضر چیزی است». ندیم باز در مضرات بادمجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت: «ای مرد کدانه این زمان مدحش می‌گفتی؟» گفت: «من ندیم توام نه ندیم بادمجان. مرا چیزی می‌باید گفت که تو را خوش آید، نه بادمجان را». چاپلوسی همیشه و همه جا عملی ناپسند بوده است. در چاپلوسی چه اتفاقی می‌افتد؟

حق و باطل مبهم باقی می‌مانند. آرمان فرد چاپلوس رسیدن به حقیقت نیست بلکه صرفاً به دست آوردن منافع شخصی هست و در این راه حق و باطل را بر اساس منافعش جابه‌جا می‌کند.

برخی جهان‌های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، وابسته می‌دانند و هیچ حقیقتی را ورای خواست و اراده افراد به رسمیت نمی‌شناسند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها، به تمایلات افراد وابسته است؟

خیر از آنجا که بشر هنوز نتوانسته پاسخ بسیاری از سوالات فلسفی خود را پیدا کند، دانش و آگاهی او ناقص است، بنابراین احتمال خطا و اشتباه در گفتار، رفتار و اندیشه او زیاد است. مولوی در داستان فیلی که در خانه تاریک بود، می‌گوید در کف هر یک اگر شمع‌ی بدی / اختلاف از گفتشان بیرون شدی. منظورش از جمع چراغ دین و سخن خداوند است.



■ مقاومت

حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود. نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، پول‌پرستی و شرک: از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. باطل بودن این عقاید و ارزش‌ها با نوع مواجهه جوامع مختلف با آنها دگرگون نمی‌شود. آزادی انسان‌ها از همه بندها و موانع راه سعادت آنها، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان‌ها، توحید و ربوبیت خداوند سبحان نسبت به همه مخلوقات، از عقاید و ارزش‌های حقیقی و درستی هستند که حقانیت و درستی آنها با موافقت و مخالفت ایمان تغییر نمی‌یابد. جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آنها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را نیز براساس این عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، آنها را به قلمرو واقعی وارد نموده‌اند.

اگر جوامع حقایق را شناسند، و به آن ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدهند، از حق گسسته و به سوی باطل گام بر می‌دارند. بنابراین، حقایق هر چند خود ثابت‌اند؛ ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند. یعنی برای جهان‌های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد؛ همان گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد. جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بیش و گرایش آنها، دچار تغییر نمی‌شود.

بخوانیم و بدانیم

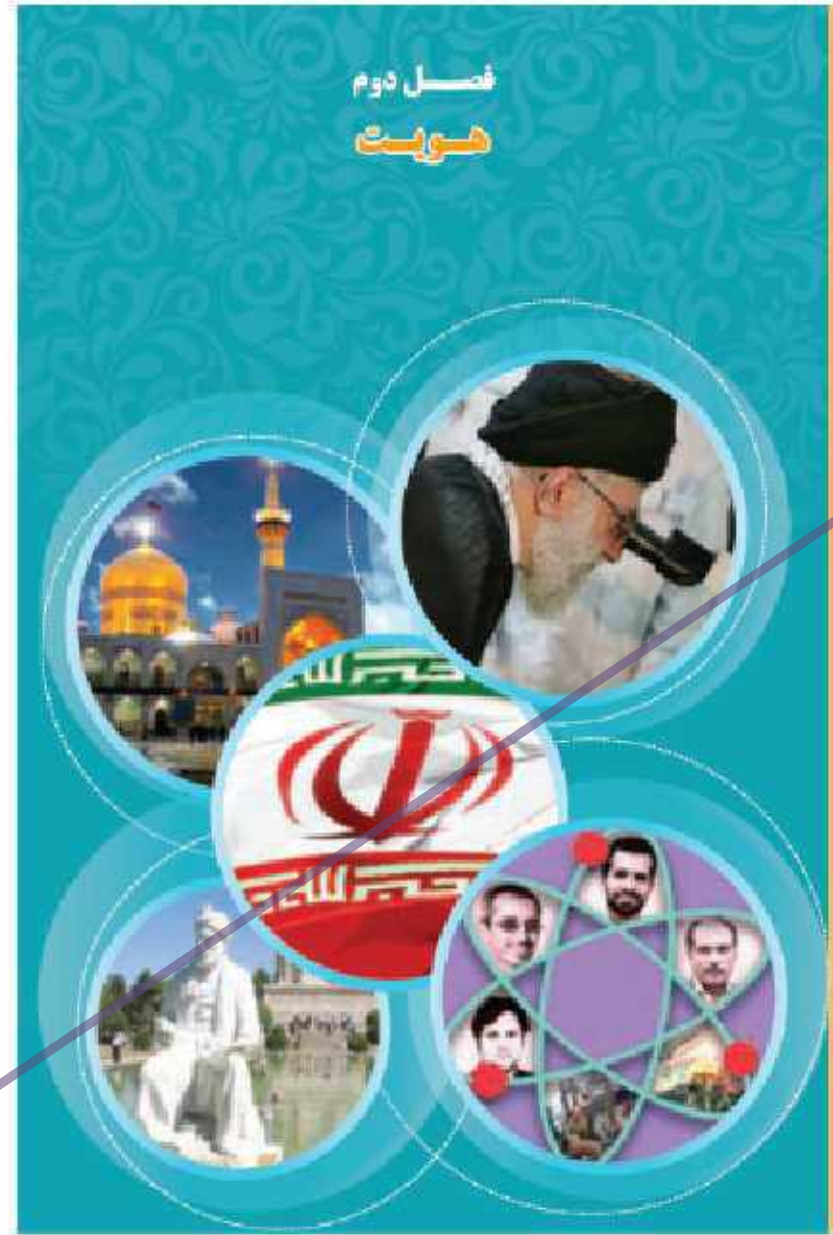
با ظهور اسلام، تمامی آرزوها و منافی که از نظر عقلی قابل دفاع نبود، با چالش مواجه شد. یکی از این منافع، تبعیض نژادی بود. در دوران جاهلیت، افراد غیر عرب و سیه چرده از هیچ امتیازی برخوردار نبودند. این گونه افراد، تنها به عنوان برده جهت رقاءه حال و منافع اشراف عرب به کار گرفته می‌شدند. پیامبر اکرم (ص) مأمور شدند تا نژادپرستی را طرد کنند. ایشان در طول رسالت خود، در فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف، اعراب را از تفاخرات نسبی و قبیله‌ای بر حذر می‌داشتند و می‌فرمودند: «نسب‌های خود را نزد من نیاورید بلکه عمل‌های خود را بیاورید».

شناسایی کنید

پدیده‌های باطلی در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی جهان‌های اجتماعی وجود دارد. آیا می‌توانید مواردی را شناسایی کنید؟

باطل	
قلمرو واقعی	قلمرو آرمانی
تکاتر (مال اندوزی)	تکاتر (مال اندوزی)
قبیله گرایی	قبیله گرایی
نژادپرست	نژادپرست
سلطه بر جهان	سلطه بر جهان

فصل دوم
فرہنگ





هویت
چیست؟

● فصل دوم - هویت

● اهداف فصل دوم

- دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت های آن:
- تعمیر، تعامل و تناسب هویت فردی و اجتماعی را با مثال توصیف می کند.
- به عوامل مؤثر در شکل گیری هویت خود، آگاه می شود و برای هویت یابی مطلوب، تلاش می کند.
- نقش جامعه پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت اجتماعی توضیح می دهد و به انجام امر به معروف و نهی از منکر رقیبت نشان می دهد.
- فرصت ها و محدودیت های را که جهان های اجتماعی برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت های جدید فراهم می کنند نقد و ارزیابی می کند.
- هویت اجتماعی افراد را از هویت فرهنگی جهان اجتماعی تمیز می دهد و رابطه آنها را شرح می دهد.
- علل درونی و بیرونی تحولات هویتی جهان اجتماعی را بیان می کند و با تشخیص تحولات هویتی مثبت و منفی، خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی جهان اجتماعی مسئول می داند.
- هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز می داند و برای تقویت آن تلاش می کند.
- به اهمیت ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی پی می برد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد می کند.

خدایا این افتخار مرا بس که بنده توام و این هزرت مرا بس که تو خدای منی.
خدایا تو هماتی که من می خواهم، مرا آن کن که تو می خواهی.

اعلام علی (ع)

هویت

«من کیستم؟»

درس ۸

در زمان پاسخ به
این سوال:
در اندرون من
خسته دل ندانم
کیست/ که من
خوشم و او در
فغان و در
غوغاست.

وقتی برای
رسیدن به خدا،
می خواهد
جایگاه خودش را
در هستی بشناسد.

وقتی دچار
سردرگمی می
شویم.

وقتی می خواهد
برای درمان یک
بیماری روحی،
ریشه های
شخصیت خود را
شناسایی کند.

وقتی فرد برای
انتخاب همسر نیاز
دارد اول
شخصیت خود ش
را بشناسد.

در مورد هویت چه می دانید؟

در سال گذشته خواندید، آنچه در پاسخ به پرسش «کیستی؟» گفته می شود و شخص با آن از اشیا و افراد دیگر متمایز می گردد، هویت فرد را تشکیل می دهد. هویت با نوعی احساس مثبت یا منفی همراه است. افراد در موقعیت های گوناگون، با پرسش «کیستی؟» مواجه می شوند، یا از خودشان می پرسند: به راستی «من کیستم؟»
آیا می توانید برخی از این موقعیت ها را نام ببرید؟

افراد در پاسخ به پرسش «کیستی؟» خودشان را معرفی می‌کنند و در معرفی خود، به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره می‌کنند: جوان، متولد دوم اسفند ۷۹، ماهوش، مؤمن، گندمگون، وقت‌شناس، خجالتی، صبور، راست‌گو، ایرانی، کشاورز، روستایی و... در جدول زیر، چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

جواب این فعالیت به دانش‌آموزان واگذار شود و معلم دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کند.

ویژگی‌های من	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
...						
...						
...						
...						

آیا هویتمان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم؛ ولی بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آن نقش و سهم بسیاری داریم. بعضی ویژگی‌ها هستند که در به‌دست آوردن آنها نقشی نداریم، اما می‌توانیم با تلاش و کوشش خود، آنها را تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده‌مان به‌دست می‌آوریم و با کنش‌هایمان آن را تغییر می‌دهیم.

آیا هویتمان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی، دارایی و... اوست، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند؛ مانند زمان و مکان تولد و... هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت‌سر می‌گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم‌سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلاً ما تنها با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ در حالی که زرتنگی یا کلبلی، صبوری یا زودرنجی و... ویژگی‌های فردی ما هستند.

روی پیراهن این
نوجوان
عبارت‌های فارسی
نوشته شده که
هویت ایرانی او
را نشان می
دهد.



■ هویت اجتماعی



■ هویت فردی

بخوانیم و بدانیم

گفته‌اند که یوسف را دو چیز بود بر کمال: یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).

خداوند، تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلا گشت و علم وی سبب نجات تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.

(رشیدالدین میبیدی)

اگر بخواهید در یک ویلاگ، خود را معرفی کنید، چه می‌نویسید؟

«من یحیی شاه عبدالعظیم هستم و در خانهای به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام که در هر سوواختش که سر می‌کردی، به یک خانواده دیگر نیز برمی‌خوردی. اینجانب اکنون چهل و شش سال تمام دارم. درست سی و چهار سال پیش یعنی، در سال ۱۳۳۶ شمسی در کلاس ششم ابتدایی مشغول درس خواندن بودم. در آن سال، انگلیس و فرانسه به کمک اسرائیل شتافتند و به محصر حمله کردند. بنده هم به عنوان یک پسر بچه ۱۳-۱۲ ساله، تحت تأثیر تبلیغات آن روز کشورهای عربی یک روز بوی تخته سیاه نوشتم: «خلیج عقبه از آن ملت عربی است». وقتی رنگ کلاس را زدند و همه ما سر جایمان نشستیم اتفاقاً آقای مدیرمان آمد تا سوری هم به کلاس ما بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید، پرسید: «این را که نوشته‌ای؟ خدا از کسی در نیامد. من هم ساکت اما با حالتی پریشان سر جایم نشسته بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «آقا اجازه؟ این جمله را فلانی نوشته». آقای مدیر هم کلی سر و صدا کرد و خلاصه اینکه: «چرا وارد معقولات شدی؟» و در آخر گفت: «بیا دم دفتر تا پرونده‌ات را برزم زیر بغلت و بفرستمت خانه». البته وساطت یکی از معلمان، کار را درست کرد و من فهمیدم که نباید وارد معقولات شد. من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچار شده‌ام رودریایستی را نخست یا خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود و حتی از این بالاتر، دانایی نیز یا «تحصیل فلسفه» به دست نمی‌آید باید در جست‌وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هرکس به راستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت و نزد خوبتر نیز خواهد یافت. دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم، نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هرچه آموخته‌ام، از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر. قبل از انقلاب، فیلم نمی‌ساخته‌ام، اگر چه با سینما آشنایی داشتم. اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه چیزی به چاپ نرسانده‌ام. با شروع انقلاب تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد، ننویسم و دیگر از خود سخنی به میان نیاوردم «تو خود حجاب خودی حافظ از میان بربخیز». سعی کردم که خودم را از میان بردارم تا هر چه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه انسان می‌نویسد، همیشه تراوشات درونی خود او است. همه هنرها این چنین‌اند. کسی هم که فیلم می‌سازد، اثر تراوشات درونی خود است، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آنگاه این خداست که در آثار ما جلوه‌گر می‌شود. حقیر این چنین ادعایی ندارم، اما سعی‌ام بر این بوده است.

با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به روستاها رفتم که برای خدا نیل بزنیم. بعدها ضرورت‌های موجود، رفته‌رفته ما را به فیلم‌سازی برای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۵۹ به تلویزیون آمدم و در گروه جهاد سازندگی سازمان، مشغول به کار شدیم. حقیر هیچ‌کاری را مستقلاً انجام نداده‌ام که بتوانم نام ببرم. در همه فیلم‌هایی که در گروه جهاد سازندگی ساخته شده است، سهم کوچکی نیز - اگر خدا قبول کند - به این حقیر می‌رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ. به هر تقدیر، من فعالیت تجاری نداشته‌ام. آرشیتکت هستم. از سال ۵۸ و ۵۹ تاکنون بیش از یکصد فیلم ساخته‌ام. یک ترم نیز در دانشکده سینما تدریس کرده‌ام که از ادامه تدریس در دانشگاه صرفه نظر کردم».

(سید مرتضی آوینی)

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

سال گذشته، هویت فردی را با دو بخش جسمانی و نفسانی شناختیم و از سه بُعد متمایز هویت انسان به شرح زیر سخن گفتیم:

– بُعد جسمانی (بدن) **یا بعد**

– بُعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی)

– بُعد اجتماعی (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی) **طبیعی**

با یادآوری آنچه در سال گذشته خوانده‌اید، برای هر کدام از این ابعاد نمونه بیاورید.

می‌دانید که سه بُعد مذکور از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر تعامل یا ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بدن ما مجرای ارتباط ما با جهان طبیعی و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جهان اجتماعی و بخشی از آن به حساب می‌آید. بدین ترتیب روابط میان ابعاد مختلف هویت در نمودارهای زیر خلاصه می‌شود. آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟

جسمانی بر
نفسانی

- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان می شود.
- برخی از بیماری های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می شوند^۱

۱- برای هر کاری که نیت و اراده آدمی در انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی شود. امام صادق (ع)

نفسانی بر
جسمانی

- در شرایط اقلیمی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.
- زندگی اجتماعی انسان ها، طبیعت را تهدید می کند. **طبیعی بر**
- «یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می دهد»^۲. **اجتماعی بر**

طبیعی

۲- این جمله از امام خمینی (ره) است، ایشان خود از افرادی بودند که با قوای خود توانستند مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دگرگون سازند.

اجتماعی بر
نفسانی

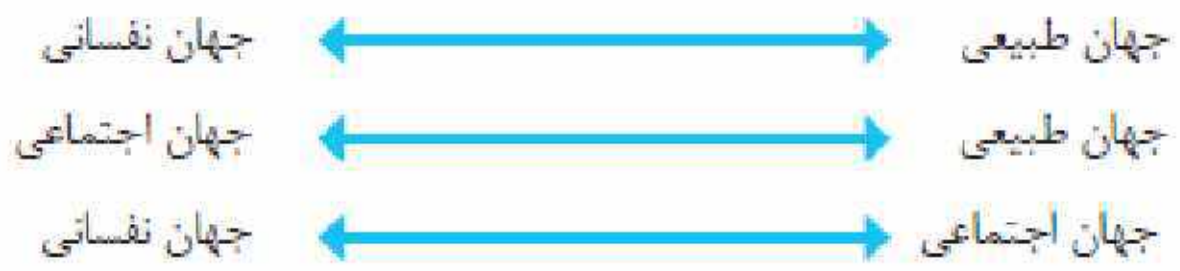
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می شود.

این عکس را دانش آموزان باید تهیه کنند اینجا فقط نمونه ای برای دبیران آورده شده است.

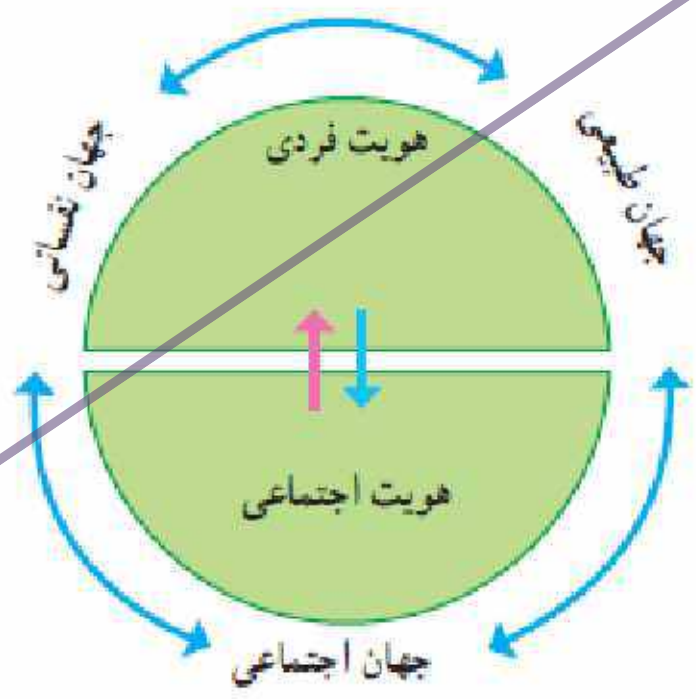


بانوی هنرمند با رنگ دست - بتدر ترگهن





هر شش رابطه بالا را می توان در شکل زیر به صورت یک جا نشان داد.



تاکنون از تمایز ابعاد مختلف هویت و از تعامل آنها با یکدیگر سخن گفتیم ولی پرسش دیگر این است که هویت فردی و اجتماعی چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

بر اساس آنچه در فصل اول خواندید، هویت هر جهان اجتماعی، بر اساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان آن جهان اجتماعی شکل می‌گیرد و قواعد و هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند.

بنابراین:

هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعهٔ قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد بر اساس جایگاه قبیله‌ای آنها مشخص می‌شود. در جامعهٔ سرمایه‌داری هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعهٔ دینی هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.



■ هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد.

هر جهان اجتماعی براساس هویت خود با طبیعت و بدن آدمی تعامل می کند. نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزش های آن به گونه ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می داند. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره برداری بیشتر از طبیعت انجام می دهد. در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند محسوب می شود. انسان در طبیعت، خلیفه خداوند است و خلیفه خداوند براساس خواست الهی و وظیفه عمران و آبادانی آن را برعهده دارد: یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده حکیمانه الهی است، در جهان طبیعت و بدن خود انجام دهد.



طبیعت آیت و نشانه خداست و نباید به آن آسیب رساند.

هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند. به عنوان مثال: جهان متجدد به تناسب رویکرد این جهان خود، با آن دسته از ویژگی‌های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل گیرند، مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، انضباط، تبرج، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی، مال‌اندوزی و... با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند؛ مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، توکل و... سازگار نیست. همان‌گونه که هویت فرهنگی جهان متجدد با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی‌تواند با هویت دنیوی جهان متجدد سازگاری داشته باشد.



■ شهید سعید طوقانی که در عملیات بدر موفق
به کسب نعال جاویدان شهادت می شود.



مقایسه کنید

با کمک دبیر خود، اخلاق ورزش کاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشی جهان جدید (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید و تناسب این دو نوع اخلاق را با ارزش های کلان اجتماعی بیان کنید.

■ هدف قهرمان گرفتن مدال و کسب رتبه است ولی هدف پهلوان شکوفا کردن ارزش های انسانی و رشد خودشکوفایی شخصیت است. برای قهرمان شدن باید تلاش کرد که مدال طلا را به دست آورد و اول شد و گاهی ورزشکاران در مسابقات برای رسیدن به قهرمانی، دوپینگ می کنند، رشوه می دهند، به بدن رقیب آگاهانه و عمدا آسیب می زنند، با رشوه داوران را می خرنند. ولی به مقام اول و قهرمانی می رسند. اما پهلوان کسی است که مدال و کسب رتبه برایش ارزش درجه دوم دارد و در درجه اول، شرافت و انسانیت برایش مهم است.

■ در زلزله دلخراش بم هادی ساعی مدالهای ارزشمند خود را فروخت و پولش را خرج آسیب دیدگاه زلزله بم کرد. این یعنی مدال در مقابل انسانیت ارزشی ندارد.

■ خلبان رزمنده ایرانی وقتی برای انهدام یک پل در عراق در جریان جنگ، زمانی را تاخیر داشت در توجیه آن گفت وقتی خواستم پل را بزنم دیدم یک ماشین در حال عبور از روی پل است، مقداری در هوا گردش کردم تا ماشین رفت، بعد پل را زدم.

■ شیخ محمود خوارزمی معروف به پوریای ولی عارف و شاعر قرن هفتم و هشتم برای رضایت مادر رقیب هندیش خود را در مسابقه ضعیف نشان داد تا رقیب برنده شود و دعای مادرش مستجاب شده باشد.

■ در یک مسابقه حریف غلامرضا تختی از ناحیه پا آسیب دیده بود و در طول مسابقه تختی هرگز به سمت پای آسیب دیده حریف نرفت و از آن سواستفاده نکرد.

۱- در حال جان کندن و مردن بود.



خود آگاهی یا ناخود آگاهی؟

گفت چون سقراط در نزع اوفتاد
بود شاگردیش، گفت ای اوستاد
چون کفن سازیم تن پاکت کنیم
در کدامین جای در خاکت کنیم
گفت گر تو باز یابیم ای غلام
دفن کن هر جا که خواهی والسلام
من چو خود را زنده در عمری دراز
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز

عطار

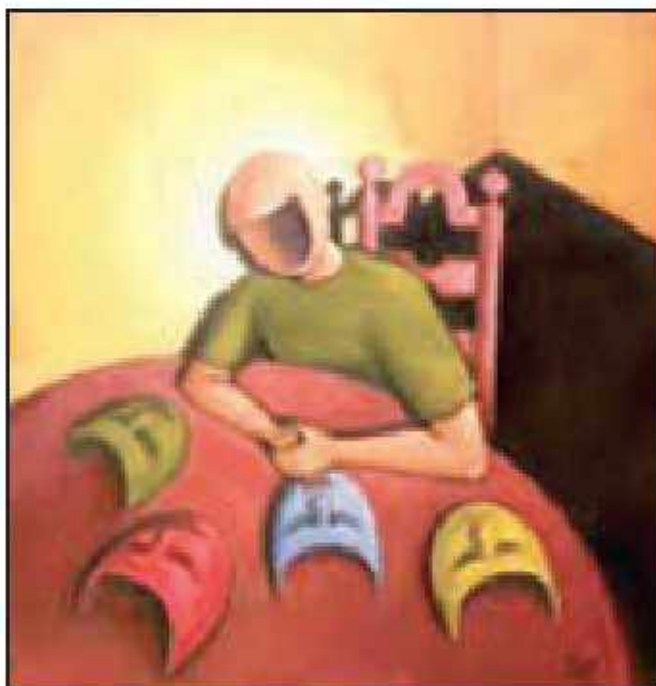
تحقیقات نشان می‌دهد کودکان خطاهای خود را موجه‌تر از خطاهای دیگران می‌دانند. خطاهای دیگران را عمدی و شایسته مجازات و خطاهای خود را غیرعمدی و بیشتر ناشی از شرایط و تحریک کننده‌های محیطی می‌دانند. محققان ابتدا این امر را ناشی از خودخواهی کودکان می‌دانستند، ولی تحقیقات نشان داد که کودکان درباره عوامل مؤثر بر رفتار خود، نسبت به دیگران اطلاعات بیشتری دارند. از این رو احتمال بیشتری وجود دارد که در توضیح علل رفتار خود، سهم خود را در انجام خطاها کمتر ببینند و بیشتر بر شرایط محیطی تأکید کنند و خود را بی‌تقصیر بدانند. از آنجا که شناختشان از موقعیت دیگران کمتر است، در توضیح رفتار آنها بر سهم خودشان تأکید می‌کنند و آنها را مقصر می‌دانند. کودکان وقتی شناخت بیشتری درباره دیگران به دست می‌آورند، خطاهای آنها را نیز بیش از آنکه عمدی بدانند، ناشی از سوء برداشت یا بی‌احتیاطی می‌دانستند. بنابراین هرچه شناخت کودکان از موقعیت خود و دیگران بیشتر می‌شود، قضاوت آنها تغییر می‌کند. ولی پرسش اساسی این است که افراد چقدر خود و موقعیتشان را به درستی می‌شناسند؟

همه افراد تصور می‌کنند هم خودشان را به درستی می‌شناسند و هم موقعیتشان را، در حالیکه کمتر کسی هست که برای شناخت خودش و موقعیتش دست به مطالعه و پژوهش زده باشد. شاید انسان‌ها هنوز هم همان کودکانی باشند که نه خودشان را می‌شناسند و نه موقعیتشان را و به همین دلیل سریع دست به قضاوت می‌زنند و گاهی قضاوت‌هایشان اشتباه است.

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و بر ایمان بازگو می‌کنند. بخش دیگر، برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم.

گاهی ما درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و درباره آنها می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت خود، از دیگران کمک می‌گیریم و از والدین و دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سؤال می‌کنیم. نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاوان می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان‌ها بحث می‌کنند و در این باره نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند. ما تردیدی نداریم که گاه، در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران، دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره ابعاد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان و همچنین درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویشتن، سخن گفته‌اند.



■ سرگشتگی انسان



■ ابعاد الهی و فطری هویت انسان در قرآن

آن علم که تو را از تو نستاند، جهل آن بهتر از علم است.

گفت‌وگو کنید

دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از هویت واقعی خود، نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دبیر خود درباره این نظریات گفت‌وگو کنید.

- یک فرد متولد می‌شود و همزمان با تولد، یک نام، نام خانوادگی، عنوان جنسی، نقش نوزاد، عنوان شهروندی، ملی، طبقاتی، زیستی مثل ضعیف، قوی، زیبا و زشت به او نسبت داده می‌شود.
- آیا انسان فقط همین ابعاد جامعه‌شناختی را دارد که در ابتدای فرهنگ به او داده می‌شود؟
- جامعه‌شناسان می‌گویند هویت یعنی مجموعه پاسخ‌هایی که به سوال من کیستم می‌دهید، ولی جامعه‌شناسان تمام هویت را اجتماعی کرده‌اند، فیلسوفان می‌پرسند: خود هویت کجاست؟

- از دیدگاه روانشناختی، این نوزاد دارای یک شخصیت هست یعنی مجموعه ای از صفات که حتی در ابتدای نوزادی نیز قابل شناسایی هستند مثلا روانشناسان هوش نوزاد را اندازه می گیرند و او را باهوش می خوانند. حساس، آرام، هیجانی، ترسو، بی قرار.
- رفتارگرایان انسان را حیوانی اجتماعی می دانند که فقط به محرک های محیطی پاسخ می دهد و دارای آگاهی و اراده نیست.
- پیامبران انسان را دارای یک ذات و فطرت الهی می دانند که آیینه تمام نمای خداوند است. او دارای اراده است و می تواند در نفس اماره بماند یا تا نفس مطمئنه پیش برود. حیوانات و فرشتگان نمی توانند از هویتی که مופع تولد دارند، فاصله بگیرند مثلا گربه همیشه گربه می ماند، ولی انسان می تواند از حیوانات پست تر و از ملائکه بالاتر رود.
- فلسفه اسلامی معتقد است فقط یک من (هویت) وجود دارد و آن ذات حق تعالی است. بقیه من ها جلوه های خداوند هستند. هویت زیستی (بدن) پایین ترین سطح هویت فرد است که نابود شدنی است.
- از دیدگاه فلسفی هویت سه بعد دارد: جسمانی که همین بدن ضخیم و مادی است. بعد لطیف یا مثالی که در خواب، اموات را با آن بدن مثالی می بینیم. سوم بعد مجرد تام یا روح که صورت ندارد، شکل و اندازه هم ندارد. این صورت مجرد توسط اعمال ما ساخته می شود.



باز تولید هویت اجتماعی

«چگونگی شکل گیری و تداوم هویت اجتماعی»

درس ۹

جامعه پذیری چه نقشی در بازتولید هویت اجتماعی دارد؟

خی
ر

در یک کنش زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی وظایف خود را انجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت غریزی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟ انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جهان اجتماعی دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد. به نظر شما، انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

هویت فردی افراد به اجتماعی مربوط است که در آن زندگی می‌کنند، هر فرد در جریان رشد، از طریق جامعه پذیری فرهنگ جامعه را می‌شناسد و می‌پذیرد. جامعه پذیری یعنی پذیرش نمادها و هنجارها و ارزش‌ها. انسان‌شناسان به جامعه پذیری، فرهنگ پذیری می‌گویند. به این ترتیب هویت اجتماعی فرد از طریق انتقال فرهنگ به او، بازتولید می‌شود.

زیرا جوجه تیغی مثل سایر حیوانات قدرت انتقال دانسته هایش را به نسل های بعد ندارد و در واقع به بازتولید فرهنگ و هویت نمی پردازد.

در انگلستان سالانه تعداد زیادی جوجه تیغی در بزرگراه ها و جاده های خارج از شهر، در اثر برخورد با اتومبیل ها کشته می شوند. این جوجه تیغی ها که در جاده ها رقت و آمد می کنند، مطابق غریزه هنگام ترس، در خود جمع می شوند و به صورت یک گلوله تیغی در می آیند. این عمل در طبیعت مانع از آن می شود که جانوران خطرناک به جوجه تیغی ها صدمه بزنند؛ ولی اتومبیل ها بدون توجه، آنها را در زیر چرخ های خود له می کنند و رد می شوند. جوجه تیغی ها می بینند که هم‌توتانشان به این شکل از بین می روند؛ ولی قادر نیستند خود و دیگران را از خطر له شدن زیر چرخ های اتومبیل ها آگاه سازند. چرا؟
به نظر شما چه عاملی در زندگی انسان ها، این خلأ را پر می کند؟

قدرت تفکر انسان، فرهنگ را می پذیرد، آن را در خود تغییر می دهد و به جامعه بر می گرداند. اینگونه به بازتولید فرهنگ و هویت می پردازد.

هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیله نسل‌های قبل از او ایجاد شده است. جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به‌عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد. آیا در مورد فرایند صدور شناسنامه برای نوزادان و نهادها و سازمان‌های مرتبط با آن چیزی می‌دانید؟

جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیتش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که برعهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن مولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، گروه‌های هم‌بازی، مجالس علمی و مذهبی و رسانه‌های جمعی، از دیگر عوامل آشنایی افراد با جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.^۱

۱- در این درس «جامعه‌پذیری» مترادف «فرهنگ‌پذیری» به کار رفته است. «جامعه‌پذیری» همان انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. البته از منظری می‌توان میان آنها فرق گذاشت، که در این درس بدان پرداخته نشده است.

بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوت‌نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت‌نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می‌کردند. از جمله آنها «فتوت‌نامه بنایان» بود که برخی از عبارات‌های آن به این شرح است: اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم پر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان. اگر پرسند که چند حکم باشد بنایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، یا سخاوت و خیر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید، با همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و ...

برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می‌توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.



■ جامعه پذیری رسمی و غیررسمی

پاسخ دهید

آیا جامعه‌پذیری در جوامع مختلف، شیوه واحد و ثابتی دارد؟ توضیح دهید.

روش های جامعه پذیری انتقال سینه به سینه یا به واسطه رسانه ها که به دو نام غیررسمی و رسمی خوانده می شوند.
با توجه به تنوع گسترده شیوه های انتقال فرهنگ به نسل بعدی، خیر. جامعه پذیری در جوامع مختلف شیوه واحد و ثابتی ندارد و حتی در یک جامعه افراد مختلف از شیوه های مختلفی برای انتقال فرهنگ و جامعه پذیری استفاده می کنند.



■ کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی چه نقشی در باز تولید هویت

اجتماعی دارد؟

خیر

آیا فرایند جامعه پذیری همیشه به طور کامل انجام می گیرد و با موفقیت همراه است؟ آیا افراد می توانند از پذیرش عقاید، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سر باز زنند؟ برخی افراد به طور کامل جامعه پذیر نمی شوند: در آن صورت، جامعه برای استمرار و تقاوم خود چه می کند؟

بله

از تشویق و تبلیغ استفاده می کند و تلاش می کند افراد را قانع کند و اگر نشد به زور متوسل می شود.

به نظر شما پدر و مادر صرفاً راه و بیراهه زندگی را به فرزندان خود می آموزند یا مراقبت می کنند تا فرزندانشان راه را بیبمایند و به بیراهه نروند؟

بیشتر پدر و مادرها مراقب فرزندان خود هستند تا به

بیراهه نروند. آیا ویژگی مدرسه به یادآوری قواعد و مقررات مدرسه به دانش آموزان بستده می کنند

یا نظارت می کنند تا مقررات اجرا شود؟
نظارت می کنند تا مقررات اجرا

در تمامی بخش های جهان اجتماعی، سازوکارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی، همواره با نظارت و کنترل اجتماعی همراه است و صرفاً به این توصیه بستده نمی شود که:

تو خواه از سختم، پندگیر خواه ملال

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم

منظور از نظارت و کنترل اجتماعی چیست؟

کنترل اجتماعی به منظور تکمیل جریان جامعه پذیری برای تمام کنشگران انجام می شود زیرا کنشگران انسان هایی آگاه و بااراده هستند و مثل حیوانات نیستند که در بست تمام جنبه های فرهنگ را بدون تغییر بپذیرند. ولی جامعه همیشه در مقابل کنشگرانی که برخی از بخش های جامعه را نمی پذیرند، مقاومت می کند و با استفاده از شیوه هایی مثل تشویق و تنبیه، افراد را وادار می کند تمامی فرهنگ را بپذیرند و اجرا کنند ولی هیچ وقت به طور کامل موفق نمی

شود.

استفاده از روشهایی که بتواند جریان جامعه پذیری را کامل کند.

کنترل اجتماعی چرا و چگونه صورت می گیرد؟

ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جهان اجتماعی برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آنها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. این افراد به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و رفتارهای مخالف انجام می‌دهند. به رفتارهایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، کجروی اجتماعی می‌گویند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از کجروی اجتماعی را نام ببرید؟

نپرداختن قبض‌های آب و گاز و تلفن
و برق



غیبت
کردن



سرعت
غیرمجاز



هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کجروی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد.

- تبلیغ و اقناع: هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آنها قانع شوند.

- تشویق و پاداش: هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کنند، تشویق می‌کند و به آنها پاداش می‌دهد.

- تنبیه و مجازات: هر جهان اجتماعی، کسانی را که دچار کجروی اجتماعی شده باشند، تنبیه و مجازات می‌کند.

اقتناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هرچه قدرت اقتناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقتناعی بیشتری برخوردارند.

تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود. شیوه غیررسمی آن بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود و آثار و نتایج عمیق‌تری دارد. شیوه رسمی پاداش و مجازات، بیشتر توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

بخوانیم و بدانیم

شاید این پرسش برای شما مطرح شود که کدام یک از روش‌های کنترل اجتماعی مناسب‌ترند؟ بدون شک، هر کدام از این روش‌ها مزایا و معایبی دارند و ممکن است در عمل با موفقیت یا شکست مواجه شوند. تحقیقات مختلف دربارهٔ چگونگی استفاده از این روش‌ها در خانواده‌ها نشان می‌دهد، والدینی موفق‌ترند که متناسب با رفتار خوب و بد فرزندان خود، به درستی از این روش‌ها استفاده می‌کنند.

هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد؛ باز تولیدش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.



در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارند و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری هستند. امر به معروف و نهی از منکر روش‌های مختلفی دارد. برخی روش‌های آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیهی است. امر به معروف و نهی از منکر سطوح متفاوتی نیز دارد. در مواردی، همگانی و به عهده همه افراد جامعه است و در برخی موارد، وظیفه سازمان‌های رسمی و حکومتی است. به نظر شما امر به معروف و نهی از منکر در چه مواقعی مسئولیتی همگانی و در چه مواقعی وظیفه نهادها و سازمان‌های رسمی است؟

در مواردی مثل ریختن آشغال روی زمین، اسراف، غیبت کردن، دروغ گفتن، تخریب اموال عمومی و رعایت نکردن قواعد اخلاقی و عفت عمومی، وظیفه همگانی است و در مواقع سرپیچی از قوانین رسمی که مجازات‌هایشان در قانون مشخص شده، بر عهده سازمان‌های رسمی است.

بخوانیم و بدانیم

در صدر اسلام مسلمانان هنگام احوالپرسی و خداحافظی، سورهٔ عصر را تلاوت می‌کردند. ابتدا یکی از افراد بخشی از سوره را می‌خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می‌رساند.

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به عصر که آمدن به راستی در زبان است. مگر آنان که ایمان آرند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند.

گفت‌وگو کنید

جامعه برای حفظ سلامت عمومی به پزشکان نیازمند است. تحصیل در رشته پزشکی، کاری دشوار است. به نظر شما در جامعه برای جذب افراد به رشته پزشکی چه کارهایی انجام می‌شوند؟ برخی پزشکان ممکن است برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل کنند. برخی کجروی‌های پزشکی را نام ببرید و راه‌ها و شیوه‌های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید.

حمایت قانونی و وجود مزایای مالی و اجتماعی بالا گرایش به رشته پزشکی را

گرفتن زیرمیزی و پول زیاد از بیماران، ^{افزایش می‌دهد} کردیدن گلینه، تجویز داروی غلط- مجازات‌هایی مثل جریمه مالی، پلمپ مطب، اخراج از بیمارستان، باطل شدن مجوز

پزشکی



تغییرات هویت اجتماعی

«فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی»

دوس ۱۰

تحرک اجتماعی چیست؟

منظور از موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد. ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، دربارهٔ او اطلاعاتی به دست می آوریم: مانند اینکه با چه کسانی در ارتباط است: چه انتظاراتی باید از او داشته باشیم: چگونه باید با او رفتار کنیم و....

کسب هویت های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است. این تغییرات موقعیتی چه نوعی می تواند داشته باشد؟

افقی، صعودی،

نزولی

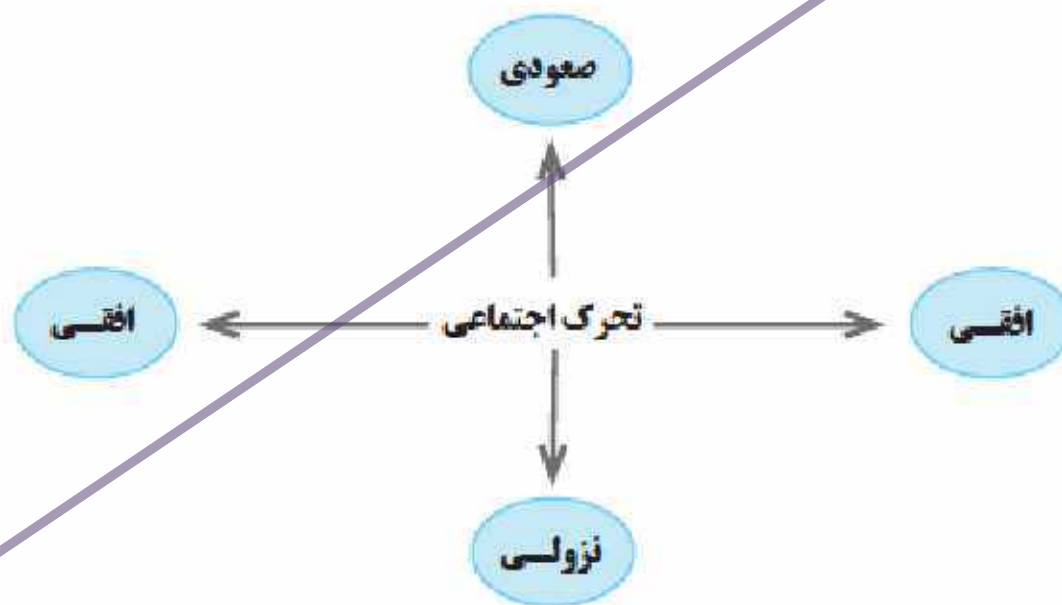
دانش آموزی دربارهٔ این موضوع که «در آینده می خواهید چه کاره شوید؟» نوشته بود: «داشتم فکر می کردم دوست دارم یک مامان خوب و مهربون بشم، شاید بخوام یک خانم دکتر یا یک خانم معلم بشم، شاید هم یک خانم خانه دار، راستی دندانپزشک هم خوبه، مددکار هم همین طور و... پیش خودم فکر کردم هر کاره ای که بشم، مهم اینه که فردی مفید برای خودم و جامعه ام باشم تا پدر و مادرم به وجودم افتخار کنند. به قول مادرم بچه ها باقیات الصالحات پدر و مادر و معلمشون! چه بسا من هم باقیات الصالحات آنها بشم. خدا را چه دیدی!»

موضوع «در آینده می خواهید چه کاره شوید؟» چه اهمیتی دارد که برخی معلمان نگارش، اصرار دارند دانش آموزان دربارهٔ آن مطلب بنویسند؟ آیا منظور، صرفاً پرسش از شغل آینده آنهاست؟ شما چه برداشتی از این پرسش دارید و چگونه به آن پاسخ می دهید؟

معلمان از این طریق دانش آموزان را تشویق می کنند درباره موقعیت آینده شان بیندیشند و برای رسیدن به موفقیت از هم اکنون پله های موفقیت را بشناسند و برای رسیدن به موقعیت های پسندیده اجتماعی برنامه ریزی کنند.

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و... می‌پذیرند. با گذر زمان، آنها به گونه‌ای فعال، با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند: هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

جایه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره، هنگامی که مدیر بخشی از اداره می‌شود یا مدیر یک بخش، هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می‌شود و به صورت کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد. شخصی شغل خود را تغییر می‌دهد در صورتی که شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی نمونه‌های دیگری مثال بزنید؟

در همه کشورها رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد ولی رتبه‌بندی در کشورهای مختلف یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست؛ بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، احترام و... نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟

**قدرت بدنی، اصل و نسب، نژاد، امکانات زندگی، محله زندگی،
مدالها و رتبه‌های ورزشی، حزب سیاسی، مدرک تحصیلی، مارک**

لباس

بخوانیم و بدانیم

مسدود بودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند. باز بودن راه تحرک اجتماعی به معنای امکان دسترسی افراد محروم و کمتر برخوردار جامعه، به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر است. انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که موقعیت اجتماعی افراد براساس ویژگی‌های انتسابی مانند وراثت، نژاد و... تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی هستند، نیز شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر محرومان جامعه بسته می‌شود. مثلاً در جوامعی که رتبه‌بندی موقعیت‌های اجتماعی بر اساس سرمایه اقتصادی است، محرومان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

نمونه بیاورید

تحریک اجتماعی گاه درون یک نسل (یک فرد در طول زندگی خودش) و گاه در دو نسل (یک فرد نسبت به والدینش) اتفاق می افتد. نمونه هایی از تحریک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی را بیان کنید.

■ مثالهای اسلایدهای قبل درون نسلی بودند.

■ میان نسلی مثل فرزند یک استاد

■ دانشگاه که کارمند بشود. (نزولی میان

فرست ها و محدودیت های تغییرات هویتی کدام اند؟
نسلی

دانشتید اعضای جهان اجتماعی ابتدا با هویت انتسابی خود آشنا می شوند و به تدریج با فعالیتشان، موقعیت و هویت اکتسابی خود را به دست می آورند. آیا اعضای جهان اجتماعی می توانند هر نوع

هویت اجتماعی را کسب کنند؟

■ خیر

■ در ایران زنان نمی توانند قاضی، مرجع تقلید یا رهبر باشند.

■ مردان نمی توانند متخصص زنان و زایمان یا مامایی باشند.

■ افراد قد کوتاه نمی توانند شغل های افسری داشته باشند.

■ کسانی که بیماری و معلولیت جسمانی دارند نمی توانند دبیر تربیت بدنی باشند.

■ کسی که سرمایه ای ندارد نمی تواند کارخانه دار باشد.

در جوامع قانوندالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آنها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب، و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بودند و نه رعیت. به همین دلیل از آنها به طبقه سوم یاد می‌شد که شامل صراف، بنا، کفاش و... بود. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت قواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد. یکی از نویسندگان می‌پرسد که «طبقه سوم چیست؟» و پاسخ می‌دهد «چیزی نیست؛ اما می‌خواهد چیزی بشود.» این طبقه همان طبقه متوسط بود که جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن یا نبودن آنها پرداخت و با ارزیابی اشراف با معیار قایده‌مندی آنها را بی اعتبار ساخت؛ زیرا خود را تولیدکننده و مفید، و اشراف را مصرف‌کننده و سرشار جامعه معرفی می‌کرد. پذیرش این معیار توسط عموم مردم، به پیدایش فرهنگ قایده‌گرایی منجر شد که همه انسان‌ها را صرفاً براساس همین ملاک ارزیابی می‌کرد. این روند به شکل‌گیری جوامعی انجامید که در آنها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آنها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

هر جامعه‌ای، برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی را منع می‌کند. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟

در جامعه ایرانی، هویت افراد شرابخوار پذیرفته نیست و هم از سوی قانون و هم از سوی مردم، مجازات می‌شوند.
در جوامع سرمایه داری، هویت افراد فقیر به شدت سرزنش می‌شود.
در هند هویت بودایی پذیرفته و مورد تایید است.
در جوامع دینی هویت مومن ارزشمند است.



تصویر مربوط به ۱۲۰ سال پیش هم‌زمان با حضور انگلیس در ایران - بندر عباس

محدودیت: استعمار و تحقیر هویت ایرانی از سوی
انگلیسی‌ها
فرصت: ورود راه آهن و حفر چاه نفت در ایران

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرک‌های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. مثلاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. دربارهٔ جامعهٔ آپارتاید چه می‌دانید؟

آپارتاید یعنی جدا نگه داشتن افراد غیرسفید جامعه از سفیدپوستان و جلوگیری از خروج این افراد از شهرها و محله‌هایشان که هیچ امکاناتی نداشتند. هیچ حق سیاسی و شهروندی نیز به این افراد سیاه پوست داده نمی‌شد.

جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند. جهانی که حول ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرک اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد.

در یک جهان سکولار، هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند بروز و ظهور اجتماعی داشته باشد. در این جهان فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌شوند. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی اشاره کرد. در جوامع سکولار و دنیوی، امکان رأی دادن به قوانین الهی وجود ندارد. اکثریت مردم الجزایر در سال ۱۹۹۱ میلادی به حاکمیت اسلامی رأی دادند، اما کودتای نظامی مانع از اجرای نتایج انتخابات شد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دفاع از این کودتا گفت که مردم الجزایر نیاز به دموکراسی کنترل شده دارند. از گفته رئیس‌جمهور آمریکا چه می‌فهمید؟

از بین بردن فرصت‌های تحرک اجتماعی در جامعه الجزایر آن طور که مردم می‌خواهند و دخالت در امور سیاسی و اجتماعی الجزایر برای جلوگیری از رشد فرصت‌گیری هویت‌های دینی مسلمانان.



تصویر نمایش سیاهان آفریقایی در باغ وحش نیویورک



اعتراضات مردمی در الجزایر

در یک جهان دینی و معنوی نیز، هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

در جهان اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و ... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفه‌ها را تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند؛ مانند زراعت.

انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب یا سازنده این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند؛ زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمت می‌کند؛ زیرا مخرب انسان‌اند.

اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.



■ مجتمع تولیدی مینا

مینا یک بنگاه اقتصادی ایرانی در بخش خصوصی است با 41 شرکت زیرمجموعه که کارهایی از قبیل توسعه نیروگاه های حرارتی و اجرای پروژه های نفتی و گازی و حمل و نقل ریلی را انجام می دهد.



■ خودکفایی در برداشت محصول گندم



■ تحقیقات در پژوهشگاه رویان

اگر تغییرات هویتی مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نباشد و فراتر از فرصت‌هایی باشد که در یک جهان اجتماعی وجود دارد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد، تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق، موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.

تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی باز می‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.

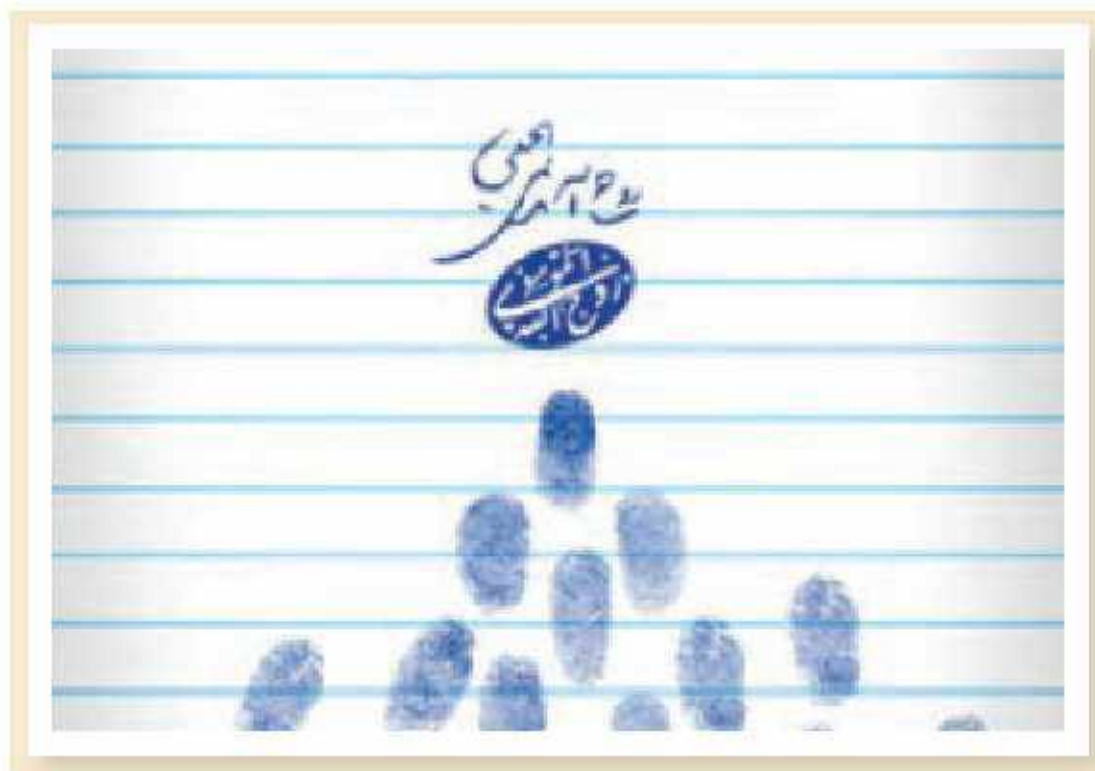
استدلال کنید

آیا هر نوع ابداع و نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر می‌شود؟ برای هر مورد نمونه‌هایی ذکر کنید.

❑ خیر اگر از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر نرود، منجر به تعارض فرهنگی نمی‌شود.

❑ مد و نوآوری در زمینه پوشش در جامعه ایرانی وقتی فرهنگ عفت و پوشش ایرانی را در نظر بگیریم، تعارض فرهنگی ایجاد می‌کند. ایرانی‌ها سعی در حجام برهنه جلوی یکدیگر نمی‌نمایند و حیا بخشی مهم در فرهنگ ایرانی است.

❑ نوآوری در زمینه دانش‌های بنیادین همچون ال‌دی‌اِم و سلول‌های بنیادین پذیرفته شده و تعارض فرهنگی ایجاد نکرده است.



تحولات هویتی جهان اجتماعی

« علل درونی »

درس ۱۱

هویت جهان اجتماعی چیست؟

دانستید هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آنهاست: مانند اینکه شهری، روستایی و عشایری بودن شما نتیجه عضویت در یک شهر، روستا یا ایل است. جهان اجتماعی نیز هویت خاصی دارد. منظور از هویت جهان اجتماعی چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

هویت فردی افراد به اجتماعی مربوط است که در آن زندگی می کند و هویت اجتماعی جهان اجتماعی به فرهنگ و جهان بینی آن جامعه وابسته است. هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی دو پدیده در دو سطح هستند که از هم قابل تفکیک نیستند.

«دانش آموز بودن»، یکی از ویژگی‌های هویت اجتماعی شماست. دانش آموز بودن محصول عضویت شما در یک مدرسه است، ولی خود مدرسه نیز دارای هویت خاصی است. مدرسه با پذیرفتن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای نهاد تعلیم و تربیت، به رسمیت شناخته می‌شود. نهاد تعلیم و تربیت نیز یکی از نهادهای جهان اجتماعی است و هویت خود را از جهان اجتماعی گسب می‌کند. جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به «هویت فرهنگی جهان اجتماعی» یاد می‌شود. هویت فرهنگی جهان اجتماعی چیست؟

دو پدیده فرهنگ پذیری و جامعه پذیری را داریم. فرهنگ پذیری را انسان‌شناسان مطرح می‌کنند و به معنی پذیرش عقاید و ارزش‌ها است و جامعه پذیری را جامعه‌شناسان مطرح می‌کنند و به معنی پذیرش هنجارها و نمادهاست. هویت فرهنگی جهان اجتماعی، همان عقاید و باورها و ارزش‌های مردم آن جامعه است.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد. این هویت هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید. یعنی هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی، پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و... متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند. هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آنها مهم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.



■ خانواده در جهان های اجتماعی مختلف

سالمندان در خانواده
های امروزی

سالمندان در خانواده
های گذشته

مجموعه هویت های اجتماعی افراد جامعه،
 هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می سازد.

تأمل کنید

هویت فرهنگی جهان اجتماعی چه رابطه‌ای با هویت اجتماعی افراد دارد؟ آیا این دو می‌توانند مستقل از یکدیگر وجود داشته باشند؟ برای پاسخ، از نمونه زیر کمک بگیرید.
 هر خانواده، یک گروه اجتماعی است. هویت خانوادگی ما، بخشی از هویت اجتماعی ما و نتیجه عضویت در یک خانواده است. در هر جهان اجتماعی به هر شکل از زندگی خانواده نمی‌گویند، بلکه تنها شکلی از زندگی که براساس عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده باشد، پذیرفته می‌شود. در مقابل، نهاد خانواده نیز تا زمانی دوام می‌آورد که گروه‌های خانوادگی، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن را بپذیرند و براساس آن عمل کنند. اکنون شما درباره رابطه میان جهان اجتماعی و نهادهای آن فکر کنید.

هویت خانوادگی افراد ↔ خانواده‌ها ↔ نهاد خانواده ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی

هویت خانواده سازنده هویت
 نهاد خانواده و بالعکس

هویت فرهنگی جهان
 اجتماعی سازنده هویت افراد
 خانواده و بالعکس



هویت فرهنگی افراد
 سازنده هویت خانواده و
 بالعکس

هویت نهاد خانواده سازنده

هویت فرهنگی جهان
 اجتماعی و بالعکس

فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

در فصل اول یادو نوع تغییر در جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا آنها را به یاد می آورید؟ برخی تغییرات از نوع تغییراتی است که درون یک جهان اجتماعی رخ می دهد ولی برخی تغییرات، یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می کند. به این گونه تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می کند، تحول فرهنگی می گویند. به نظر شما جهان اجتماعی چگونه دچار تحولات فرهنگی می شود؟

دانش آموزان پاسخ می گویند و دبیر آنها را به این سمت راهنمایی می کند که با در عقاید و باورهای جامعه، تغییرات عمیق به وجود می آید که باعث تحول فرهنگی می شود یعنی فرهنگ یک جامعه به طور اساسی تغییر می کند.

مثل سرماخوردگی: آثار جسمانی (تب، درد، عطسه، سرفه)- آثار روحی (خستگی و کسالت)- آثار اجتماعی (غیبت از محل کار، دست ندادن، روبوسی نکردن، گرفتن جلوی دهان)

آثار منفی و مثبت بیماری (آثار جسمی، روحی و اجتماعی) بر انسان را در نظر بگیرید. آیا هر بیماری یا عامل بیماری را در بدن انسان به مرگ او می‌انجامد؟ **خی** آیا آن دسته از بیماری‌ها که به مرگ می‌انجامند، به صورت ناگهانی پیش می‌آیند یا معمولاً در طول زمان اتفاق می‌افتند و مسیری نسبتاً طولانی را می‌پیمایند؟ **در** آیا این مسیر قطعی است یا در مواردی برگشت‌پذیر یا حداقل قابل کنترل است؟ **برگشت پذیر و قابل طول** در جهان اجتماعی، وضعیت چگونه است؟ **کنترل** آیا تعارض فرهنگی به تحول هویت فرهنگی جهان اجتماعی می‌انجامد؟ **زمان**

خیر، همه تعارض های فرهنگی به تحول فرهنگی نمی انجامند.
تحول فرهنگی ناگهانی رخ نمی دهد در طول زمان، تغییرات تدریجی در لایه های سطحی و عمیق جامعه، سرانجام به تحول فرهنگی منجر می شود ولی اگر تغییرات فقط در لایه های سطحی باقی بماند، هیچ وقت به تحول هویت فرهنگی منجر نمی شود.
مثل تغییر در جمعیت یک جامعه، یا تغییر در لهجه های مختلف،

تغییر در آداب و رسوم ازدواج



تحول فرهنگی در ایران، با پیروزی انقلاب اسلامی در

ایران
فرایند

پیامد

علل

تحولات فرهنگی

یک سری علل از قبیل تعارض فرهنگی، تزلزل فرهنگی و بحران
هویت، در طی زمان، فرایند تحولات فرهنگی را سبب می
شوند.

گاهی تعارض فرهنگی یا همان شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت می‌تواند به «**تزلزل فرهنگی**» منجر شود.

تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند. به عبارت دیگر، ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.

تزلزل فرهنگی می‌تواند به «**بحران هویت**» منجر شود. بحران هویت فرهنگی در جایی به‌وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. در آن صورت تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند و به صورت تحولات فرهنگی در می‌آیند و جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

تحولات فرهنگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آیا راهی برای تشخیص و ارزیابی این گونه تحولات وجود دارد؟

اگر فرهنگی که گرفتار زلزله، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است؛ اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

جهان اجتماعی
۲

تحول فرهنگی

بحران هویت
فرهنگی

تزلزل فرهنگی

تعارض فرهنگی

جهان اجتماعی
۱

در یک جهان اجتماعی عقاید و ارزش ها، با شیوه زندگی مردم ناسازگار می شود

وقتی تعارض فرهنگی دوام بیابد تزلزل فرهنگی به وجود می آید

تزلزل فرهنگی یعنی نبود ثبات در اعتقادات و باورهای مردم که باعث بحران در هویت فرهنگی می شود

تداوم تزلزل فرهنگی و بحران هویت فرهنگی

باعث تحول فرهنگی می شود و جهان اجتماعی جدیدی را به وجود می آورد

دو فلش پایین که به سمت راست هستند، به معنی این است که تعارض، تزلزل و بحران هویت فرهنگی قابل بازگشت هستند.



■ کاخ شاه - سعد آباد



■ منزل امام خمینی (ره) - جماران

Exterior - Khameneh

با فرایند تحولات فرهنگی آشنا شدید. این پرسش مهم مطرح می‌شود که چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل آن کدام‌اند؟

علل تحولات فرهنگی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. در این درس، از علل درونی تحولات فرهنگی سخن می‌گوییم.



حل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد و اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود که در درس قبل از آن سخن گفتیم، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی باز می‌گردد. اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود، گرفتار کهنوت و مرگ می‌شود. مرگ یک جهان اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که با وجود به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها باز می‌ماند. دربارهٔ جهان‌های اجتماعی که فرهنگ دنیاگریز دارند، چه می‌دانید؟

پاسخ



خلا معنوی

جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آنها درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ‌انگاری برسد؛ نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.

کاستی و خلا معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.

بحرانیم و بدانیم

قبلاً درباره جهان اجتماعی متجدد یا جهان مدرن و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که این جهان برای انسان ایجاد می‌کند، سخن گفتیم. طی قرن بیستم، متفکران جهان غرب آثار متعددی درباره بحران‌های هویتی این جهان نوشته‌اند و از شکل‌گیری دوران بعد از تجدّد یا پسامدرن سخن گفته‌اند. بسیاری از متفکران، شکل‌گیری دوران پسامدرن را تحول هویت جهان متجدد می‌دانند و برخی آن را تغییر می‌دانند که درون این جهان اتفاق افتاده و پذیرفته شده است.



خیر

در صورتی که
بحران هویت، عقاید
و ارزش های
مشترک جامعه را

تحلیل کنید

با هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی آشنا شدید آیا هر نوع بحران هویت اجتماعی، به بحران هویت فرهنگی منجر می شود؟ در چه صورتی بحران هویت در سطح افراد، به بحران هویت در سطح جهان اجتماعی می انجامد؟ مثلاً ممکن است در ایران برخی افراد یا خانواده ها دچار بحران هویت باشند ولی نهاد خانواده دچار بحران هویت نباشد. در چه صورتی بحران هویت افراد و خانواده ها به بحران هویت در نهاد خانواده منجر می شود؟ این تحلیل را می توان درباره گروه های دیگر اجتماعی مانند گروه های تحصیلی، شغلی، ورزشی و... نیز به کار گرفت.

در صورتی عقاید و ارزش های مربوط به خانواده در کل جامعه دچار بحران شوند. مثلاً طلاق در گذشته در کل خانواده ها امری زشت بود فقط برخی افراد آن را عادی می دانستند ولی الان بیشتر خانواده ها طلاق را امری عادی می دانند.



نامہ مقام معظم رہبری بہ جوانان اروپا - راہپیمایی اربعین

تحولات هویتی جهان اجتماعی

«علل بیرونی»

درس ۱۲

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی و متداول است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. چه شکلی از ارتباط به گسترش و پیشرفت یک جهان اجتماعی منجر می‌شود و چه شکلی از آن، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

تحول فرهنگی در این کتاب به معنی پسرقت فرهنگی تعبیر شده و نقطه مقابل پیشرفت فرهنگی محسوب شده است در حالی که معمولاً تحول فرهنگی را به معنای پیشرفت فرهنگی تعریف می‌کنند یا حداقل به معنی دگرگونی فرهنگی که ممکن است در جهت مثبت یا منفی باشد. این نکته، اگر ارتباط با جهان اجتماعی دیگر، هویت فرهنگی یک جامعه را از بین نبرد و با حفظ هویت، بخش‌های مثبت فرهنگ‌های دیگر پذیرفته شود، باعث پیشرفت می‌شود ولی اگر این ارتباط باعث شود که هویت فرهنگی یک جامعه کلاً از بین برود باعث تحول فرهنگی می‌شود که اینجا پسرقت تعبیر شده است.

درباره این قسمت همکاران صحبت کنند من

گیج شدم.

ارتباط جهان های اجتماعی همچون ارتباط انسان ها با یکدیگر از ضروریات است و بدون ارتباط، فرد یا جامعه ی تنها خواهد مرد و فراموش خواهد شد. اما ارتباط درست، ارتباط سازنده است و سازندگی ارتباط به این است که هر دو طرف از موقعیت قبلی به موقعیت کامل تری برسند و مسیر کمال را طی کنند. کمال در زمینه اخلاقی، فکری، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره. در غیر این صورت، ارتباط سازنده و

مفید نیست.

«مصرف جویی، مصرف نکردن نیست، بلکه درست مصرف کردن است.» این جمله را همه ما بارها شنیده ایم.

خسیس و ولخرج در ظاهر متضاد یکدیگرند. ولی اگر دقیق تر نگاه کنیم، آنها در یک نقطه مهم اشتراک دارند و آن هم علاقه شدید هر دو به پول و مهم بودن پول برای آنهاست. پول برای هر دو، به جای اینکه یک وسیله زندگی باشد، به هدف زندگی تبدیل شده است. ولخرج مهم بودن پول را با خرج کردن زیاد آن نشان می دهد و خسیس با خرج نکردن و انباشتن آن. شیوه زندگی خسیس و ولخرج دو شکل اشتباه مصرف است. مسئله، درست مصرف کردن است نه مصرف کردن یا مصرف نکردن! و البته باید دید در هر موقعیتی، مصرف درست چگونه است.

ارتباط جهان های اجتماعی با یکدیگر نیز پذیرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. به نظر شما شکل های صحیح و مفید یا غلط و مضر ارتباط جهان های اجتماعی کدام اند؟

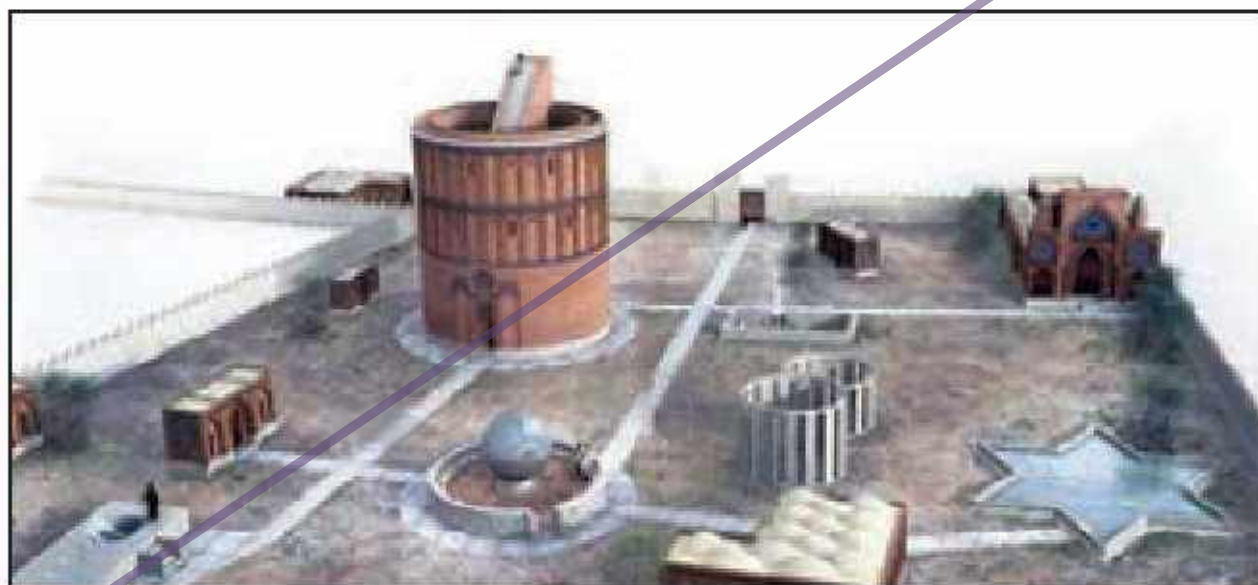
روابط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد که هر کدام از آنها آثار هویتی متفاوت به دنبال می‌آورد. این روابط گاهی در محدودهٔ هنجارها و نمادها یا در شیوه‌های زندگی است و گاهی در سطح عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی است.

اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان‌های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدودهٔ هنجارها و شیوهٔ زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بپذیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت.

به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مفرکانهٔ این دو فرهنگ را نپذیرفت.

اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می‌شود. جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آنها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران و ... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.



■ رصدخانه خواجه نصیرالدین طوسی - مراغه

ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از روبرویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. آیا می‌دانید جهان غرب در قرون وسطی، چه بخش‌هایی از فرهنگ اسلامی را پذیرفت و چه بخش‌هایی از آن را قبول نکرد؟ آیا عقاید و ارزش‌های جهان اسلام را اخذ کرد یا در لایه‌های دیگری دست به انتخاب زد؟ این جهان بار دیگر دچار تحولات هویتی شد. این بار با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.



مجسمه حضرت داوود اثر میکل آنژ -
روی‌گردانی از ارزش‌های توحیدی



مسیر حرکت و مواجهه غرب (با جهان اسلام) طی جنگ‌های صلیبی

ممکن است جهان اجتماعی در مواجهه با جهان های دیگر، به « خودباختگی فرهنگی » گرفتار شود.

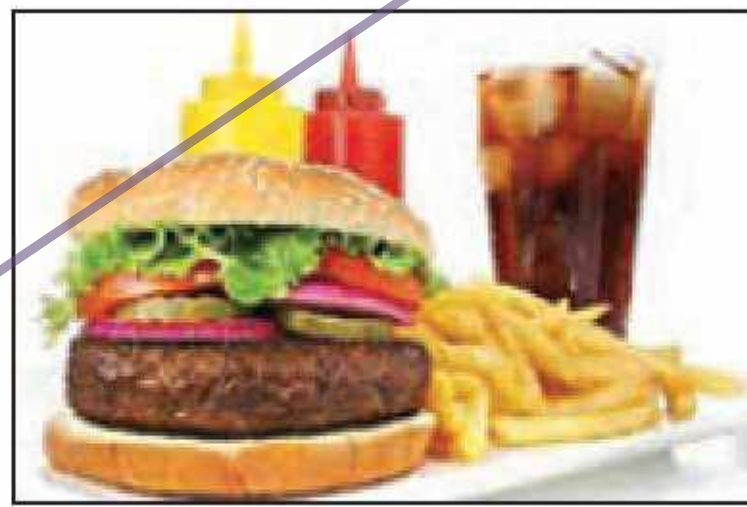
جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضای آن مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می شود. در آن صورت عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرامی گیرد.

جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می دهد. بنابراین نه می تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

بسیاری از جوامع غیر غربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می نامند.



■ گل‌های کوچک از جنس نقاشی های اروپایی روی کاشی های ایرانی (کاخ گلستان)



■ رواج غذاهای آماده و نوشیدنی های گازدار ناسالم

تیسین کنید

غرب‌زدگی جوامع غیرغربی مهم‌ترین مانع تعامل آنها با جهان غرب است. به نظر شما این جوامع برای دستیابی به تعامل با جهان غرب باید چه مسیری را پیمایند؟

آگاهی، اعمال انسان را به کنش تبدیل می‌کند و ناآگاهی، کارهای انسان را در حد رفتارهایی در بعد حیوانی نگه می‌دارد که فقط به محرک‌های محیطی واکنش نشان می‌دهند. جوامع غیرغربی باید از فرهنگ و گذشته و از توانایی‌های خود به طور کامل آگاهی داشته باشند، هر چه سطح آگاهی افراد یک جامعه از خود و داشته‌هایشان بیشتر باشد، تعامل سالم‌تری با غرب خواهند داشت و کمتر دچار غرب‌زدگی و خودباختگی می‌شوند.

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

در زمین دیگران خانه مکن کار خود کن، کار بیگانه مکن

در زبان فارسی، «بیگانه» در مقابل خودی به کار می‌رود: اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت «از خودبیگانگی» می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود. از خودبیگانگی فرهنگی به چه معناست؟

به معنای غریب و بیگانه بودن و ناآگاهی از فرهنگ و ریشه‌های فرهنگی کشور خود که دو معنا دارد: یا فرد از تاریخ و گذشته و فرهنگ کشور خود بیگانه هست یا از ذات الهی و فطری خود.

معلمی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعه جغرافیا تشویق کند. می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم است و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی (ع): «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود».

افزایش سن، سفر، تمرکز، تزکیه، تست‌های خودشناسی، کتاب‌های شخصیت‌شناسی و مطالعه و خدانشناسی راههایی هستند که می‌توان بر دانش خود راجع به هستی حقیقی افزود. با افزایش شناخت انسان درباره خود و هستی‌اش، تواضعش هم بیشتر می‌شود. کسی که خود را نمی‌شناسد به سادگی تحت تاثیر محرک‌های درونی و بیرونی قرار می‌گیرد و مثل یک بطری توخالی با هر ماده‌ای پر خواهد شد و رنگ و بوی همان ماده را به دست می‌دهد. جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می‌شود خواهد گرفت.

تحت تاثیر آگاهی‌های غلط که از رسانه‌های جمعی و آموزش‌های رسمی و غیررسمی در فرهنگ جامعه تزریق می‌شوند، یک ملت و جامعه ممکن است خود را فراموش کند. راه آن این است که درباره هر دانشی که از اطراف و رسانه‌ها می‌رسد تفکر و تعقل داشته باشیم.



■ جشن های ۲۵ ساله نظام شاهنشاهی

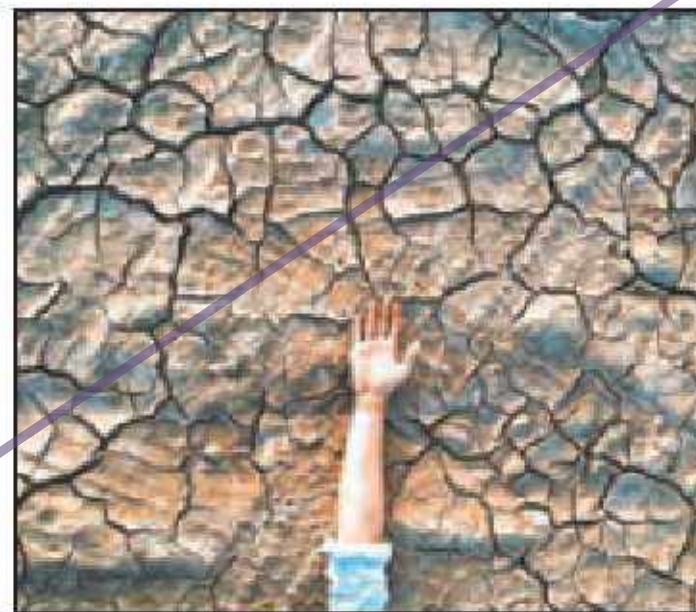
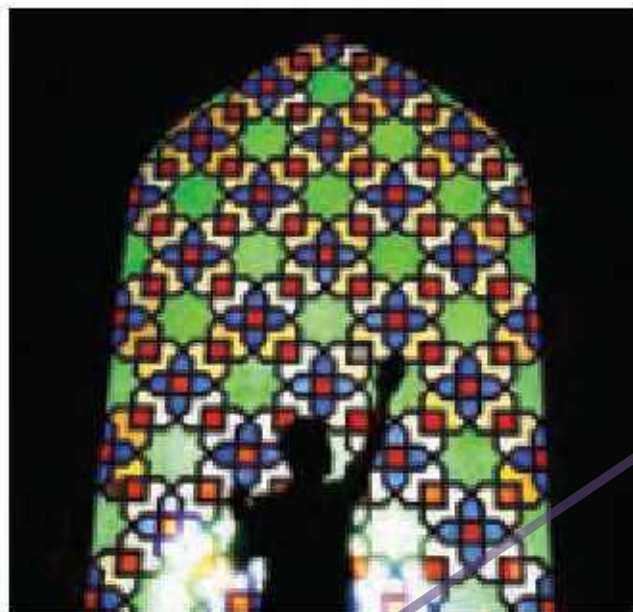
از خودبینگانی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.
اگر جهان اجتماعی فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبینگانی تاریخی
می شود. جوامع خودباخته ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می برند، به این
معنای از خودبینگانی گرفتار می شوند.
اگر عقاید و ارزش های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان
شود، آن جهان دچار از خود بینگانی حقیقی (فطری) می شود!

جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع از آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند.

در این جهان‌های اجتماعی، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که از انسان ارائه می‌شود، سرابی از حقیقت است؛ به همین دلیل فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و آشوبش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد. از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند و می‌فرماید: «**وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ**». همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند، سپس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد. (سوره حشر، آیه ۱۹)

براساس این نگاه، تنها جهان اجتماعی توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد، خویش و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد و همواره انیس و همنشین خداوند است.

جهان اجتماعی مشترکانه اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، آدمی را نه تنها از حقیقت جهان، بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می کنند.



حقیقت جوی

دور شدن از فطرت مثل زمینی است که به دنبال آب است.
دنبال حقیقت فطری و توحیدی بودن

تحلیل کنید

از خودبیبگانگی تاریخی و حقیقی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جهان اجتماعی به یکی از معانی از خودبیبگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خودبیبگانگی تیار باشد، ولی در معنای دیگر، از خودبیبگانگی باشد؟

از خودبیبگانگی تاریخی یعنی فراموش کردن و ندانستن ریشه‌های تاریخی کشور خود که نقطه مقابل آن خودشیفتگی تاریخی و برتر دانستن خود نسبت به جوامع دیگر فقط به خاطر داشتن تاریخ غنی تر.

از خودبیبگانگی حقیقی یعنی نشناختن ذات انسان و خدا و این که ندانیم از کجا آمده ایم و به کجا می‌رویم.

ممکن است جامعه‌ای به خوبی تاریخ خود را بشناسد ولی از حقیقت انسانی و الهی خود بی‌خبر باشد. یا ممکن است فرد از حقیقت الهی خود به واسطه تعالیم دینی باخبر باشد ولی از تاریخ

خود هیچ نداند



هویت ایرانی

«هویت فرهنگی ایران»

درس ۱۳

هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خودشان را با ویژگی‌هایی مانند قد، قیافه، پوشش، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت، علاقه، هنر، دانش، خلق، ایمان، اعتقاد و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها، امت‌ها و... نیز خودشان را با ویژگی‌هایی چون سرزمین، تاریخ، جمعیت، اقتصاد، سیاست و فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

ایرانی در اولین مرحله خود را با جغرافیا و تاریخش می‌شناسد، مثل البرز و تخت جمشید. بعد آداب و رسوم مثل عید نوروز، چهارشنبه سوری و شب یلدا. بعد با بزرگان فرهنگ و علم و ادبیات مثل ابوعلی سینا، سعدی، رازی، خیام، خوارزمی. انجام مراسم دینی مثل مراسم محرم، خیرات این ماه، مذهب شیعه، عبادات دینی همچون روزه و نماز و قرائت قرآن و جملاتی مثل لا اله الا الله و الله اکبر که جملات مشهور مسلمانان هستند، در هویت ایرانی ما نیز وارد شده اند و ما خود را به این صفات نیز می‌شناسیم.

جهان سر به سر زیر دست منست
ننادهند شیر زبان را به کسی
به نیکی ندارند از بد هراس
کنام پلنگان و شیران شود
بدین بوم و بر زنده یک تن میاد
جهان بر بداندیش تنگ آوریم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
چه نیکوتر از مرگ در کارزار

ندانی چو ایران نشست منست
هنر نزد ایرانیان است و بس
همه یگدالاتند یزدان شتاس
دریغ است ایران که ویران شود
چو ایران نباشد تن من مباد
همه روی یکسر به جنگ آوریم
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
اگر کشت خواهد تو را روزگار

قرردوسی در این ابیات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می کند؟

مکان ایران، را به عنوان یک سرزمین پرابهت معرفی می کند.

ایرانی ها را انسان هایی هنرمند و شجاع می شناساند.

ایرانیان مردمی خداپرست و نیکوکار هستند.

ایرانیان مردمی متحد و هماهنگ هستند.

مردم ایران عاشق وطن هستند و در این راه خود را فدا می کنند.

مردم ایران هرگز زیر بار ذلت نمی روند.

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید. اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های اجتماعی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های آیین زرتشت که با آموزه‌های اساطیری درآمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری هویت خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند. عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت بخشی از هویت جهان اسلام درآمد. فارسی دری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام، مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را درنوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت، تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت. حکیمان و شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و... خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. حکیمان ایرانی معارف و هنرهایی تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آنها، نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.



■ مسجد جامع گوهرشاد



■ نقشه کشورهای فارسی زبان

بخش‌های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است. جهان اسلام چگونه با این هجمه‌ها مقابله می‌کرد؟ جهان اسلام طی سده‌های مختلف یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد. اما برخورد جهان غرب با جهان اسلام تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.

قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی‌ها، بخش‌هایی از ذهنیت مسلمانان را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جهان اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند.

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می‌شود. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

متفکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته می‌شد، آثاری با عناوینی نظیر غرب‌زدگی و بازگشت به خویشتن، پدید آوردند و برخی از اندیشمندان مسلمان کتاب‌هایی را درباره خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت و خویشتن الهی انسان تدوین کردند.

بخوانیم و بدانیم

دانستید هویت فرهنگی هر جامعه بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن شکل می‌گیرد. هرگاه افراد جامعه، نوعی از ارزش‌ها را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی پدید می‌آید و تا زمانی که این عقاید و ارزش‌ها مورد پذیرش باشند، دوام می‌آورد. البته برقراری روابط پایدار میان افراد جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد و ادامه حیاتشان را ممکن می‌سازد. به همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد به گونه‌ای که دفاع از آن را تا پای جان و وظیفه خود می‌دانند. سرزمین بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

با برخی دیگر از ابعاد هویت جامعه در درس آینده و با برخی در سال آینده آشنا می‌شوید.



تقد و روگردهای تقلیدی به غرب

تحقیق کنید آیا نویسندگان کتاب‌های «غرب‌زدگی»، «بازگشت به خویشتن»، «خدمات متقابل اسلام و ایران» و «قطرت» را می‌شناسید؟ درباره این آثار و نویسندگان آنها تحقیق کنید.

غرب‌زدگی جلال آل احمد 
بازگشت به خویشتن علی شریعتی 
خدمات متقابل اسلام و ایران مرتضی مطهری 
دانش آموزان درباره این نویسندگان و کتاب‌هایشان تحقیق 

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟
انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی با هویت ایران و ایرانی دارد؟ و چه تأثیری در احیای هویت جهان اسلام داشته است؟

کتاب پاسخ این سوال را داده 
است.

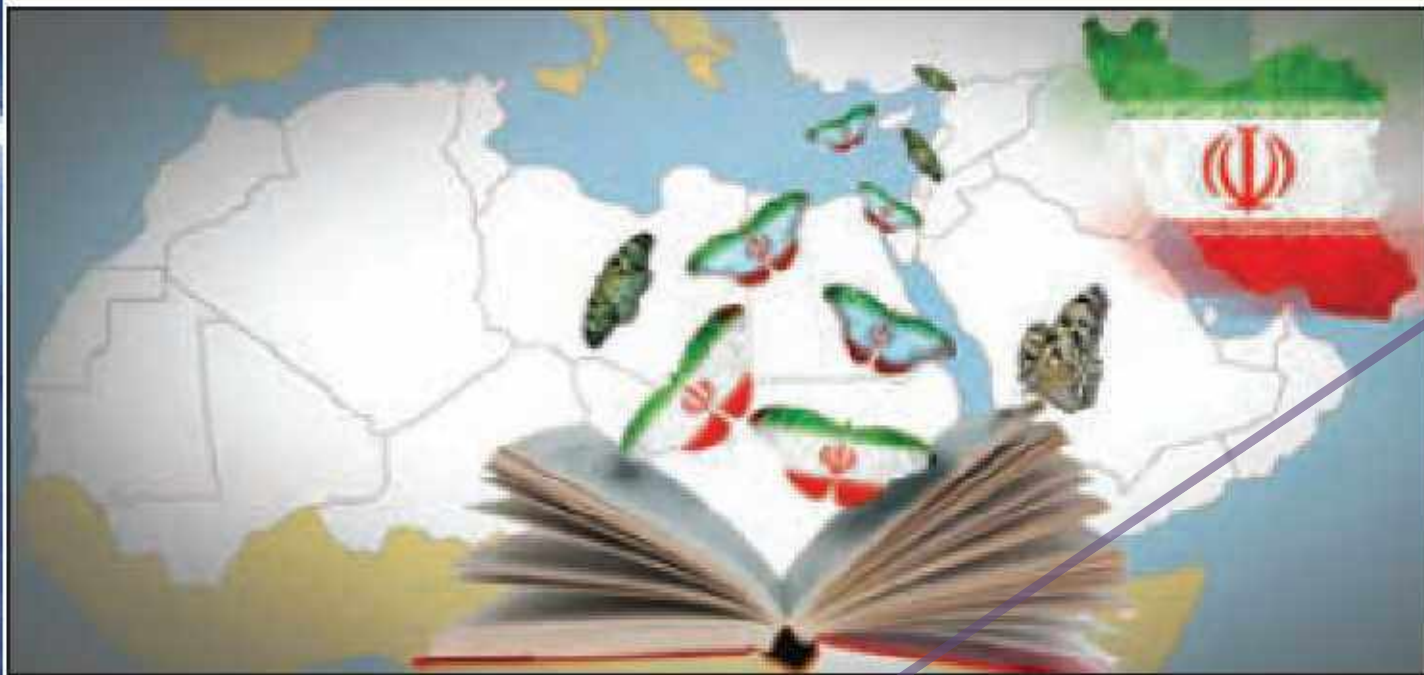
انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جهان اجتماعی محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها دربارهٔ انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن می‌باشد. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند. مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت؛ یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه آثار هویتی‌ای در ایران و جهان به دنبال آورد؟

انقلاب اسلامی ایران، تمام مسلمانان و آزادگان و ملت‌های مستضعف و محروم جهان را به بازگشت به خویشتن و مقاومت در مقابل استکبار و استعمار دعوت کرد. دعوت به تعالیم الهی و آسمان و گرایش به توحید و باور خویشتن، با انقلاب اسلامی جایگزین آرمان‌های غربی و مادی شد. کتاب در این زمینه توضیح داده است.



تبلور تحولات هویتی در شعارهای انقلابی

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به یک خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود؛ بلکه بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی (ره) و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام، به هویت اسلامی خود بازگشت و تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعه ایمانی خود، در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت تا امروز ادامه یافته است.



■ الهام گرفتن سایر کشورها از انقلاب اسلامی

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد. جهان اسلام اینک با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که جهان غرب القامی کرد، جست‌وجو می‌کند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می‌گردد. حیات معنوی اسلام، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گسترده است و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل و بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.



■ مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی



■ تصویر تبلیغاتی مقابله با حجاب در غرب

بخوانیم و بدانیم

ای وطن ای مفخر من لطف حقت یار باد
ای وطن ای خاک پاکت توتیای چشم ما
ضربه تیغ شما زد صدمه‌ای صدام را
ای جوانان غیور ای پاسداران وطن
مژده‌گانی چیست این فتح الفتوح قرن را
این چنین فتح نمایان، لشکر اسلام را
آن کرامت‌ها که در حق اسیران کرده‌اید
بالله این رفتارگان در یاد عالم نیز نیست
عالمی در حیرت از ایمان و ایثار شماست
مرگتان را تسلیم با تهنیت آمیخته‌است
هر بهاران گز نسیم گل برآید بویتان
گل نشان بویتان، سنبل نشان مویتان

لطف حقت یار و دشمن خواری عار باد
توتیای چشم ما در پرده از اغیار باد
گز نشانش تا ابد صدامیان را عار باد
مژده فتح شما با مژده‌گانی یار باد
آنکه فتح قدستان پایان این مضمار باد
فخر تاریخ است و این تاریخ را تکرار باد
درسی از دین خدا در خاطر کفار باد
عالمی را این کرامت شیوه رفتار باد
اسوه ایمان و ایثار این چنین کردار باد
زندگی را خجالت از مرگی چنین هموار باد
رنگ هر گل یادگار از هر گل رخسار باد
نقش روی خوبتان همواره در انتظار باد

امیری فیروز کوهی

تحلیل کنید

حجاب و پوشش به عنوان تمام هویت جهان اسلام در صد سال اخیر، قراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی معافیت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت جهان اسلام تحلیل کنید.

حجاب زنان ایرانی، پوششی است که هم ریشه اسلامی دارد و هم ایرانی. در محرابه های باستانی مجسمه هایی یافت شده اند که با پوششی شبیه چادر پوشیده شده اند به گونه ای که صورت پیدا نیست و مرد یا زن بودن مجسمه ها مشخص نیست. اسلام نیز زنان و مردان مسلمان را به پوشش اسلامی و داشتن عفت سفارش کرده است. اکنون حجاب یکی از مصادیق هویت ایرانی و اسلامی است و از آنجا دولت های غربی با ایران و اسلام مبارزه می کنند با تمام مصادیق ایرانی و اسلامی نیز به مبارزه می

این عکس نقش
جمعیت را در
چرخ های
اقتصادی نشان
می دهد.



هویت ایرانی

«ابعاد جمعیتی و اقتصادی»

درس ۱۴

جمعیت هر جامعه چه رابطهای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، روستایی و شهری، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می کنند چرا که جمعیت هر جامعه، بخشی از هویت آن محسوب می شود. چه رابطهای میان جمعیت و هویت جوامع وجود دارد؟

هست.

معنی یا پاسخ این سوال

پاسخ مطلبی

خیر

خیر

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. وضعیتی را تصور کنید که جمعیت یک جامعه منقرض شود در آن صورت، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود اعضای جامعه، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند. اما آیا صرف اندازه جمعیت، کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمسئول و بی تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

ثروت: ثروت یک جامعه به فعالیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی و همچنین فرهنگ صرفه جویی مردم آن جامعه بستگی دارد، نه صرفاً به جغرافیای غنی آن. ژاپن جغرافیای ضعیفی دارد ولی ثروتش است، ایران جغرافیای غنی‌ای دارد ولی مشکلات اقتصادی زیادی دارد.

امنیت: امنیت هر جامعه‌ای بیش از هر چیزی به قدرت سیاسی کشور بر می‌گردد که بتواند شورش‌ها و مجرمان داخلی یا تهدیدهای خارجی را کنترل کند. افزایش جمعیت، اگر اختلافات داخلی داشته باشد، حفظ امنیت داخلی را مشکل می‌کند ولی جمعیت زیاد در مقابله با تهدیدهای خارجی، یک نیروی مهم محسوب می‌شود.

قدرت: در بخش قدرت زیادی جمعیت، قدرت بیشتری ایجاد می‌کند. شرط دیگر این جمعیت، جامع قدرتی سیاسی باشند و در جهت ایدئولوژی خود متحد باشند. همچنین به فعالیت‌های سیاسی در جمعیت‌های بزرگ جدی تر هست و دولت‌ها برای جلب رضایت آنها تلاش می‌کنند.

برنامه‌های فرهنگی: تاریخ‌نگار قابلیت‌ها و شایستگی‌ها و هنرهای مردم (جمعیت) آن جامعه را می‌سنجند.

جمعیت زیاد اما بی‌دوی و بی‌سواد منزلتی در سطح جهانی ندارد، اما یک جمعیت فرهیخته و هوشمند دارای منزلت است، لکن کم بودن جمعیت همیشه یک مسئله است. جمعیت زیاد یکی از عوامل مهم بازمانده و دفاعی هر کشور است.

جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود، چه می‌کنند؟

سیاست‌های افزایش جمعیت را دنبال می‌کنند، مثل تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری، دادن امتیازات مالی بر اساس تولد هر فرزند، امتیازهای شغلی به کسانی که فرزندان بیشتری دارند.

جامعه ما از این نظر چه وضعیتی دارد؟

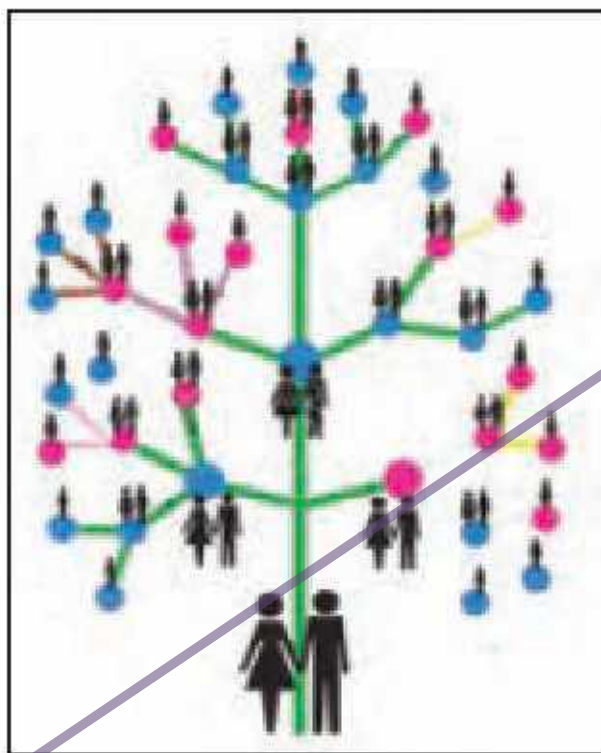
در حال پیر شدن و کاهش جمعیت است.

برای پاسخ به پرسش‌های بالا، لازم است برخی از مطالب اساسی کتاب را با هم مرور کنیم. در یکی از درس‌ها درباره تفاوت جهان طبیعی و جهان اجتماعی بیان شد که جهان اجتماعی پدیده‌ای معنادار است. همچنین گفته شد که به آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جهان اجتماعی بر اساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند. آیا این درس را به یاد می‌آورید؟ در درس دیگری گفته شد که هویت هر جهان اجتماعی بر اساس فرهنگ (عقاید و ارزش‌های کلان) آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل از آن به «هویت فرهنگی» تعبیر می‌شود. آیا به یاد دارید این نکات را در چه درسی آموختید؟



یک بار دیگر رابطه آگاهی (معنا)، فرهنگ و هویت جهان اجتماعی را در کلاس بازگو کنید. تشریح این رابطه، به شما کمک می‌کند تا به رابطه جمعیت و هویت جهان اجتماعی پی ببرید. شما با گستره جهان اجتماعی و چگونگی گسترش آن آشنا شوید. گسترش جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن صورت می‌گیرد. هر عاملی که در گسترش فرهنگ و معانی موثر باشد، در بسط هویت جهان اجتماعی اثرگذار است. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناختن و عمل کردن صرفاً از عهده افراد و اعضای جهان اجتماعی برمی‌آید. اعضای جهان اجتماعی، حامل و عامل فرهنگ و معانی آن هستند.

هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ، و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ، بسط بیشتری می‌یابد.



شجره نامه

این روند را به خوبی می‌توان در گسترش معانی و ارزش‌های خانواده مشاهده کرد. با ازدواج و تشکیل خانواده، مودت و رحمت میان زن و مرد ایجاد می‌شود.^۱ با تولد اولین فرزند، مودت و رحمت میان اعضای خانواده بیشتر می‌شود و رحمت و مودتی که میان زن و شوهر وجود دارد، به رابطه فرزند و والدین نیز تسری می‌یابد. با تولد فرزندان بعدی و بزرگ‌تر شدن خانواده، این معانی و ارزش‌ها گسترده‌تر می‌شود. با گسترش خانواده‌ها و ایجاد نسبت‌هایی چون پدر بزرگ، مادر بزرگ، خاله، دایی، عمه، پسرعمو و... نظام خویشاوندی شکل می‌گیرد که باز هم زمینه گسترش بیشتر مودت و رحمت را فراهم می‌سازد.

به همین ترتیب، افزایش جمعیت یک جهان اجتماعی، به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است و کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی نیز به منزله محدود شدن گستره آن است که می تواند زمینه ساز بسط و تسلط جهان های اجتماعی دیگر باشد. از این رو تأمین جمعیت مناسب برای جهان های اجتماعی، مسئله ای هویتی است.

هدف اسلام تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است. بنابراین اگر اولاً فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت، بسط می یابد، فرهنگ حق باشد، نه فرهنگ باطل؛ ثانیاً افراد و اعضای این فرهنگ نیز حاملان و عاملان معانی حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است. از این رو پیامبر اسلام (ص)، روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می کند.

فقدان هر کدام از این شرایط، مانع تحقق جهان اجتماعی توحیدی است!

سخوانیم و بدانیم

گروه سه نفره نسبت به گروه دو نفره، یک عضو بیشتر دارد که در ظاهر تفاوت کم اهمیتی است. ولی زمانی که این دو گروه را دقیق تر مقایسه کنیم، پی می بریم که همین عامل - تفاوت های مهمی به دنبال می آورد. در گروه دو نفره، کناره گیری هر یک از اعضا، به نابودی گروه می انجامد. در واقع گروه دو نفره چیزی غیر از اعضایش نیست و هیچ واقعیتی فراتر از اعضای خود ندارد. در این گروه، فرد تنها با فرد رابطه دارد و از رابطه فرد و گروه (جمع) خبری نیست. اما زمانی که گروه دو نفره به گروه سه نفره تبدیل می شود، تغییرات مهمی رخ می دهد. یک عضو جدید، موجب پیدایش دو رابطه جدید می شود. غیر از رابطه «الف - ب» دو رابطه «الف - ج» و «ب - ج» نیز ممکن می شود. پیدایش این دو رابطه جدید چه نتایجی در پی دارد؟ عضو سوم می تواند نقش واسطه و داور را در میان دو عضو پیشین ایفا کند و از این طریق، تنش ها را کاهش دهد و از فروپاشی گروه، پیشگیری کند یا می تواند میان دو عضو دیگر تضاد و تفرقه ایجاد کند و از این تفرقه برای رسیدن به منافع خودش استفاده کند. در گروه دو نفره این کنش ها برای افراد امکان پذیر نبود ولی در گروه سه نفره ممکن شد. در گروه سه نفره، رابطه فرد و گروه (جمع) امکان پذیر می شود و هر کدام از اعضا می تواند به نمایندگی از گروه، چنین کنش هایی را انجام دهد. در گروه سه نفره علاوه بر اعضا، پدیده جدیدی به نام گروه (جمع) نیز به وجود می آید که محصول عضویت همان فرد سوم بود.

افزایش جمعیت، آثار اجتماعی و فرهنگی دیگری هم به دنبال می آورد. در گروه های کوچک، اعضا می توانند با یکدیگر ارتباط رو در رو و مستقیم داشته باشند و با داد و ستد با یکدیگر، نیازهای خود را برطرف کنند. ولی وقتی جمعیت یک گروه افزایش پیدا کند و به یک گروه بزرگ تبدیل شود، روابط متقابل اعضای آن پیچیده تر می شود و دیگر، روابط بی واسطه ممکن نخواهد بود. از این پس، روابط به کمک «نهادهای» برقرار می شود. - مثلاً در گروه های کوچک تر، مبادله پایا پای، نیاز اقتصادی اعضا را برآورده می ساخت ولی برای گروه های بزرگ تر، واسطه ای مانند پول، ضرورت می یابد. زبانی که یک گروه کوچک تر با آن سخن می گویند، پیچیدگی های زبان یک گروه بسیار بزرگ را ندارد. - افزایش جمعیت باعث پدیدار شدن مسائل نوظهوری می شود که جهان اجتماعی باید با استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های خود به آنها پاسخ دهد. جهان اجتماعی با گسترش نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید، برای رفع این مسائل چاره اندیشی می کند. هر نهاد، مجموعه ای از عقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادهاست که برای رفع نیاز ویژه ای اختصاصی می یابد. از این رو گسترش نهادی، همان گسترش فرهنگ و معانی جهان اجتماعی است. بنابراین لازمه پست هویت جهان اجتماعی، افزایش جمعیت است.



نگ فرزندى

سیاست های جمعیتی

فرزندآوری نیاز فطری انسان ها و تأمین جمعیت، از کارکردهای مهم نهاد خانواده است. ولی ممکن است در مواقعی اختلال در نهاد خانواده، جهان اجتماعی را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به علت هایی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده ها و طلاق، رفاه زدگی، عافیت طلبی و مصرف گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان و... با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه اند.^۱

۱- کاهش جمعیت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متجدد است، زیرا قوام خانواده و فرزندآوری در گرو محبت، ایثار و فداکاری است ولی در جهان متجدد به دلیل فردگرایی و اصالت لذت، این محبت و ایثارگری کاهش می یابد که به فرزندآوری کمتر و کاهش شدید جمعیت و فرو افتادن این جوامع در چاله جمعیتی می انجامد. هم اکنون این جوامع برای جبران کاهش جمعیت، سیاست های تشویقی و همچنین پذیرش مهاجران را در دستور کار خود قرار داده اند.

در مواقعی که جهان اجتماعی با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نهاد سیاست که مسئولیت هماهنگی نهادها را برعهده دارد، برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم برای تأمین جمعیت، تدابیر و راه‌حل‌هایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در راستای افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

ایران ما در دو برهه زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد. یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و طی آن میزان رشد سالانه جمعیت، از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت. دیگر بار، بنا به ضرورت از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت. تداوم این روند در آینده می‌تواند آثار زیان‌باری در پی داشته باشد. آیا می‌توانید به برخی از آنها اشاره کنید؟ کاهش بیش از حد و کم سابقه رشد سالانه جمعیت، زمینه تغییر سیاست‌های جمعیتی را فراهم آورد. از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست‌های کاهش جمعیت شروع شد و سرانجام در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب گردید.

بخوانیم و بدانیم

هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و... را نسل‌کشی یا پاک‌سازی نسلی می‌گویند. پدیده نسل‌کشی در جهان، نشانگر ابعاد هویتی جمعیت است. در گذر زمان، نسل‌کشی‌های بسیاری انجام شده است.

اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا برای تأمین سلطه خود، به نسل‌کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند و در یک مقطع پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.

دو نسل‌کشی در بوسنی صورت گرفت؛ یکی در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ و دیگری در طول جنگ ۱۹۹۲-۱۹۹۵ در سراسر بوسنی.

رژیم اشغالگر قدس برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی و بیشتر شدن تعداد یهودیان نسبت به مسلمانان و اجرای طرح‌های توسعه‌طلبانه خود، ضمن حذف فیزیکی اعراب مسلمان و آواره کردن آنها به جذب مهاجران یهودی از سراسر دنیا و کوچ دادن آنها به سرزمین‌های اشغالی اقدام می‌کند.



برخورد با فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی



قبرستان مسلمانان - ساریوو

پیشنهاد دهید

متن «سیاست‌های کلی جمعیت» در جمهوری اسلامی ایران را به کلاس بیاورید و به نقت مطالعه کنید سپس یک بند از آن را به دلخواه انتخاب کنید و بگویید اگر شما به جای مدیران و مسئولان کشور بودید، برای تحقق آن چه می‌کردید.

- استفاده از جوانی و بالندگی جمعیت برای رشد کشور
- تشویق خانواده‌ها به افزایش جمعیت و فرزندآوری
- حذف بودجه‌ها و برنامه‌هایی که قبلاً برای کاهش جمعیت استفاده می‌شد.
- رفع موانع ازدواج، تشویق ازدواج و تلاش برای کاهش سن ازدواج
- اختصاص تسهیلات ویژه برای مادران بخصوص در دوران بارداری و شیردهی
- حمایت از زوج‌های جوان و تحکیم بنیان خانواده
- احترام و تکریم خانواده



حضور فعال و مؤثر افراد جامعه در شکل‌گیری هویت اقتصادی

منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟

به آن دسته از فعالیت‌های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می‌دهیم، کنش اقتصادی می‌گویند. کنش‌های اقتصادی ما، بخشی از کنش‌های اجتماعی‌اند؛ زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرند. مجموعه کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع در آمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهد. می‌دانید که نهادها در تمامی جوامع وجود دارند، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا اقتصاد نیز این‌گونه است؟ در هر جامعه‌ای، اقتصاد در رابطه با سایر نهادها

شکل می‌گیرد و با آنها تناسب پیدا می‌کند. از این رو یکی از وجوه تمایز جوامع، اقتصاد و مؤلفه‌های اقتصادی آنهاست. منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟ شیوه‌های تقویت و تضعیف آن کدام‌اند؟

منظور از هویت اقتصادی ویژگی‌های مالی، دارایی و توان تولید، توزیع و نوع مصرف مردم یک کشور است همچنین وضعیت رفاه اقتصادی و شرایطی مثل امید به زندگی، آموزش و پرورش و سلامت جامعه به شرایط اقتصادی بر می‌گردد. صرفه جویی، اسراف، تجمل‌گرایی، پس‌انداز، گرایش به تولید، گرایش به توزیع، مدیریت اقتصادی، رشته‌های دانشگاهی مناسب و برنامه‌های اقتصادی دولت‌ها متغیرهایی هستند که در تقویت یا تضعیف اقتصاد دولت‌ها مؤثر هستند و

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا احیاناً مالیات‌دهنده نیز هستیم؛ ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند، آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد کم‌فروش، محسَن، دلال و... هستند ولی به دلیل ضد ارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه نشانگر هویت اقتصادی افراد نیست؟

چرا، بعضی افراد به عنوان کم‌فروش، اختلاس‌کننده، محسَن، دلال، گران‌فروش و ... شناخته می‌شوند.

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا اینکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جهان‌های اجتماعی نیز دارای هویت اقتصادی هستند؟ آیا مجمع خیرین مدرسه‌ساز، انجمن حمایت از بیماران خاص، شرکت تعاونی و... که دور هم جمع می‌شوند تا خدمتی به دیگران ارائه کنند، هویت اقتصادی ندارند؟ جوامع مختلف نیز هویت اقتصادی دارند. از این‌رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند. مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم / شکننده؛ دولتی / غیردولتی؛ سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد ایران، اسلامی و دولتی است. به خاطر تک‌محصولی بودن شکننده است. مراکز مذهبی در تامین بودجه اقتصادی ایران سهم بزرگی دارند. ایران چهارمین تولیدکننده نفت در دنیاست و ...

اقتصاد امروز ما محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی انواع دستاوردهای اقتصادی مانند گسترش بهره‌مندی مردم کشور از آب و برق و گاز و ارتباطات، ایجاد زیرساخت‌های مختلف مثل سدها و نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، موفقیت‌های علم و فناوری، سازندگی خرابی‌های ناشی از جنگ، چیران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحریم‌ها و... را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی چون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل‌گرایی و غلبه فرهنگ مصرفی و... دست به گریبان است.

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود؛ اما اگر به درستی استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفتی وابسته شود. آیا درباره آثار نوسانات قیمت نفت بر یک اقتصاد وابسته چیزی می‌دانید؟

فساد اقتصادی، آسیب دیدن اوضاع اقتصادی در مقابل نوسانات نفتی، وابستگی اقتصادی، بروز بحران‌های اقتصادی، رشد فقر، فساد دولتی

چنین اقتصادی از آن جهت که درآمد هنگفت و بدون زحمتی ایجاد می کند، باعث شکل گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است: دولت بزرگی به وجود می آید که می کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار، افزایش دهد و حتی هزینه‌های آموزش و بهداشت را - که در بیشتر نقاط دنیا از محل مالیات‌ها پرداخت می شود - به کمک درآمدهای نفتی تأمین کند.

این وضعیت می تواند در کوتاه مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. در مقابل وضعیت شکننده‌ای را به وجود می آورد که می تواند مورد سوء استفاده طمع‌ورزان بین‌المللی قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه استفاده کنند. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی از سال ۱۳۸۹ تاکنون با همین رویکرد علیه کشور ما اجرا شده است. تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند. البته در مقاطع تاریخی مختلف، انواع دیگری از تحریم‌های اقتصادی علیه مردم ما اعمال شده است. در مورد این تحریم‌ها چه می دانید؟


اولین تحریم علیه ایران را بریتانیا در زمان دولت مصدق در هنگام ملی شدن صنعت نفت انجام داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بسته شدن سفارت آمریکا در ایران تحریم های آمریکا علیه ایران شروع شد و با شروع فعالیت های مربوط به انرژی اتمی، شدت گرفته اند.

تحریم صادرات نفت، تحریم بانک مرکزی ایران، تحریم ورود مواد غذایی و دارو به ایران، ولی سیگاه تحریم نشده است، تحریم فروش هواپیما و قطعات

آسیبناک است. انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۹

هجوم اقتصادی به ایران تاریخی طولانی دارد و در ادوار مختلف از سوی استعمارگران غربی به صورت‌های مختلفی دنبال شده است. این کار در زمان قاجار با تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند امتیاز رویترو و رژی و... و در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ‌افزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاز و تخریب بنیادهای تولید ملی به ویژه روح خودباوری ملت ایران انجام شد. آیا از نقش اصلاحات ارضی در تخریب کشاورزی ایران چیزی می‌دانید؟

هدف آمریکا از اجرای اصلاحات ارضی در ایران، نابودی کشاورزی سنتی و کاهش قدرت اربابان در مقابل قدرت شاه بود. با از بین رفتن کشاورزی، ایران از نظر کشاورزی به آمریکا وابسته شد و به یک کشور صنعتی ولی از نوع صنایع مونتاز تبدیل شد. در کشاورزی سنتی احتمال پیوستن مردم به کمونیسم شوروی می‌رفت که سیاست جان اف کندی در آمریکا مبارزه با این امر بود.



تهاجم اقتصادی استعمارگران غربی در طول تاریخ، علیه سایر ملت‌ها، اعمال می‌شده و در مقابل واکنش‌های آنها را در پی داشته است؛ چرا که اقتصاد، روزنهٔ ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌رود. کمپانی هند شرقی انگلیس که با ماهیت اقتصادی و تجاری فعالیت می‌کرد، عملاً ابزاری برای هویت‌زدایی و غارت و چپاول دارایی‌های عظیم مردم هند بود و مقاومت مردم هند به رهبری گاندی، نمونه‌ای از واکنش به چنین اقداماتی بود.

جهان غرب، هویت خود را بر اساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است. در این جهان، هویت انسان‌ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. جوامع دیگری که به تبعیت از غرب، رویکرد سکولار و دنیوی دارند، نیز هویت سرمایه‌داری پیدا می‌کنند.

این جهان اجتماعی در اقتصاد نیز هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی‌تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه‌های اقتصادی غیر سرمایه‌دارانه را در سراسر جهان نابود می‌کند!

۱- شیوه سرمایه‌داری یعنی جستجوی سود از طریق بازار. در این شیوه اقتصادی، هدف کنش‌گران و بنگاه‌های اقتصادی، به دست آوردن حداکثر سود است و وسیله آنها استفاده از علوم تجربی برای ساماندهی حسابگرانه و دقیق مؤلفه‌های اقتصادی (کار، سرمایه، مواد، تکنولوژی و...) برای تضمین حداکثر سود است. این اقتصاد نه بر اساس رفح نیاز انسان‌ها بلکه بر محور سود شکل می‌گیرد. از این رو بیشترین تخریب‌ها در طبیعت و منابع طبیعی را در پی داشته و در موارد بسیاری با فطرت انسان‌ها ناسازگار بوده است. انسان‌ها می‌توانند با هدف رفح نیازهای خود و دیگران دست به فعالیت اقتصادی بزنند و در این راستا از تمامی ظرفیت‌های پیدای و پنهان عالم و آدم استفاده کنند. در طول تاریخ همواره شیوه‌های اقتصادی دیگری غیر از شیوه سرمایه‌داری مانند شیوه‌های همیاری، تعاونی، دولتی، سوسیالیستی و... وجود داشته است. آیات زیر به وضوح تقابل نگاه قرآن را با اصالت بخشیدن به سرمایه و شیوه‌های سرمایه‌دارانه نشان می‌دهد: «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد» (طلاق، ۲) «گر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم» (اعراف، ۹۶). «گر آنان آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده برپا می‌داشتند از آسمان و زمین روزی می‌خورندند» (مائده، ۶۶) «بی پیامبر از اموال آنها صدقه‌ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی» (توبه، ۱۰۳) «خداوند ریا را ناپود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد» (بقره، ۲۷۴)

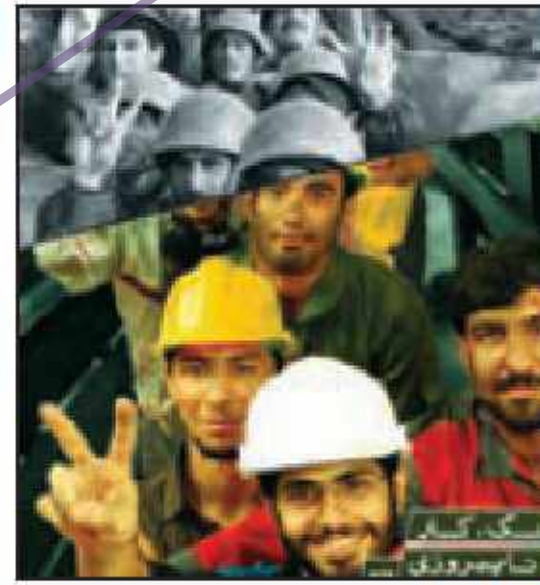
بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب، که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیر سرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

در چنین موقعیتی راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان‌بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصادی مقاومتی تعقیب می‌کند. اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات‌بخش اسلام و اتکاء به ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری، امید، همبستگی، و با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی-اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

مردم و دولت ایران می‌کوشند بر اساس عدالت، با اتکا به دانش و فناوری و با تأکید بر استقلال، خودکفایی، منع خام‌فروشی ثروت‌های طبیعی^۱، حفظ اقتدار و عزت ملی، درون‌زایی در عین برون‌گرایی^۲ هویت اقتصادی نوینی را در این سرزمین پایه‌ریزی کنند. این هویت اقتصادی در مقابل انواع مشکلات و موانع، مقاوم و پایدار می‌شود تا بتواند مسیر پیشرفت را بدون تأثیرپذیری از دشمنی‌های بیرونی و موانع درونی طی نماید.



■ امید و همبستگی



■ جنگه گار تا بیروزی

پیشنهاد دهید

متن «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» در جمهوری اسلامی ایران را به کلاس بیاورید و به دقت مطالعه کنید و با توجه به آن، به سوالات زیر پاسخ دهید

- ساز و کارهای مقاوم سازی اقتصاد ایران در برابر موانع داخلی و خارجی پیشرفت کدام اند؟
- شما دانش آموزان برای تحقق اقتصاد مقاومتی چه مسئولیتی بر عهده دارید؟

اقتصاد مقاومتی یعنی بتوانیم در تمام بخش های اقتصادی کشور، رفتارهای اقتصادی مان را بهینه کنیم.

- یعنی باید هزینه های اضافی را حذف کنیم و مخارج را کاهش دهیم و در عوض تولید را افزایش دهیم.
- مردم باید یاد بگیرند به گونه ای خرج کنند که از اسراف و زیاده روی در امکانات عمومی و خصوصی بپرهیزند.
- مجلس باید تلاش کند قوانینی را که باعث هزینه های اضافی یا جلوگیری از تولید می شود، حذف کند.
- دولت باید از فساد اقتصادی و اختلاس ها جلوگیری کند تا اعتماد مردم را جلب کند.



پیشکش و جود
مہربانت،
معلم